

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۳ صفحه

۸۹

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۵۹ بهار ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- جراحزب دمکرات ۶ تن از بیشمکرگان بیکار را خلع سلاح میکنند؟ صفحه ۵
- هشدار در باره بیکارگران اسپر صفحه ۸
- لیبرالها و بازگشائی دانشگاهها صفحه ۱۱
- راهیمنائی زحمتکشان بهمان در اعتراض به گرانی صفحه ۱۶
- "زمان نینا": اثری از گنجینه رئالیسم سوسیالیستی صفحه ۲۱
- و لخرجی ۷۰۰ هزار تومانی در هتل هیلتون! صفحه ۳۱



اطلاعیه وحدت
با گروه انقلابیون
مارکسیست - لنینیست
(بیکار خلق)

پس از یک دوره مبارزه ایدئولوژیک نسبتاً طولانی، سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر و گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست (بیکار خلق) وحدت نموده و رفقای بیکار خلق بر اساس منشور کنگره دوم سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در این سازمان ادغام شدند. بقیه در صفحه ۱۵

دمکراسی انقلابی چیست؟

صفحه ۱۳



گزارشی از نظرات دانشجویان و دانش آموزان بیکار در دانشجویی مبارز، به یاری توده‌ها، سنگر خود را بگشا!

صفحه ۷

سرمقاله

۲۳ دی: بازگشایی سنگر خوبین دانشگاه

فردا ۲۳ دیماه، سالروز پیروزی جنبش دانشجویی و تحمن استادان مبارز و مترقی و گشوده شدن دانشگاه بدست توده‌های انقلابی دانشجویی است. دو سال پیش در چنین روزی، رژیم شاه و دولت بختیار در برابر مبارزات و نظرات حماسه آمیز دانشجویان انقلابی و کمونیست و تحمن طولانی مدت استادان مترقی و مبارز در دبیرخانه مرکزی دانشگاه و سپس در وزارت علوم (که طی آن رفیق شهید استاد کمران نجات الهی بشهادت رسید) و مهمتراز همه در برابر جنبش توفنده توده‌ها، ناچار به عقب نشینی شده و دانشگاهها، این سنگر آزادیخواهی و مبارزه ضد امپریالیستی، بروی دانشجویان و توده‌های تشنه آگاهی گشوده گردید و همچون گذشته بصورت مرکز فعالیت سیاسی و تجمع دانشجویان مبارز و انقلابی و زحمتکشان آگاه کشورمان درآمده و ما نظور که شاهد بودیم دانشگاه، چه در مقطع قیام و چه پس از آن، بعنوان قلب تپنده و همیشه زنده جنبش انقلابی و فدا مپریا - لیستی و بعنوان پشتیبان وفادار کارگران و زحمتکشان، نقش خود را بنحویر جسته ای ایفا نمود. بقیه در صفحه ۲

مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی

صفحه ۵

اطلاعیه کمیته خوزستان:
پیام به کارکنان
جنگ زده صنعت نفت

صفحه ۳

کیفرخواست انقلاب
علیه ضد انقلاب

در این شماره:
بنی صدر - رجائی

صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ **سرمقاله ...**

اما رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران جهل و تاریکی که با فعالیت سیاسی دانشجویان انقلابی و کمونیست و نقش آگاهان نگاهها حیات خود را در خطر میدید، از همان فردای قیام و در کنا سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد و ترکمن و سرکوب اعتمادات و تحمّن های کارگران شاغل و بیکار، حمله به دانشگاهها و جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی را آغاز نمودند و ابلهان تصور کردند که میتوانند از این طریق، دانشگاهها، این قلب پرتیش جنبش را از حرکت بازدارند و از پیوند این جنبش انقلابی با جنبش توده های جلوگیری کنند. لیکن هر بار به تکیه و مقاومت دلیرانه دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی، تمامی توطئه های رژیم جمهوری اسلامی و اقدامات سرکوبگرانه آن به شکست انجام میدود! دانشجویان انقلابی، بتدریج دامنه مبارزه خود را هر چه بیشتر گسترش داده و با تکیه بر حفظ دستاوردهای حاصله از قیام توده ها و دفاع از آزادی فعالیت سیاسی، نقش وسیعتری را در آگاه ساختن توده ها و پیوند با جنبش توده ای ایفا نمایند.

در اوایل سال جاری و در شرایطی که جنبش توده ای در گوشه و کنار کشور مست رو به رشد خود را آغاز کرده و جنبش خلق کرد، شکست فاحشی را بر ارتش دشمن وارد ساخته بود، رژیم جمهوری اسلامی به بیانه عوام فریبانه "انقلاب فرهنگی" یورش ارتجاعی خویش را در مقیاس وسیعی علیه دانشگاه و جنبش انقلابی دانشجویی آغاز نمود و با کشتار و سرکوب مقاومت حماسه آفرین دانشجویان رزمنده دانشگاهها و در اول اردیبهشت ۵۹ و اشغال دفاتر دانشجویی تشکلات کمونیستی، اقدام به تعطیل دانشگاهها نمود.

بمجرد تعطیل دانشگاهها، دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی که هدفی جز آگاه ساختن توده ها و پیوند جنبش دانشجویی و دانش آموزی با جنبش توده ای نداشتند، با پشتکار قابل تحسینی، هر کجوه و خیابان را تبدیل به یک دانشگاه نمودند و میثاق بیگانه ای انقلاب، وظیفه فروش نشريات انقلابی و کمونیستی آگاه ساختن توده ها و افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را بر عهده گرفتند و در برابر تمام فشارها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم، شجاعانه مقاومت نمودند و هرگونه ضرب و شتم، دستگیری و زندان و شکنجه در راه دفاع از آرمان پرولتاریا و منافع زحمتکشان بجان خریدند.

جنگ ارتجاعی و غیرعادلانه ایران و عراق اگرچه برای یک دوره کوتاه موجب محدودیت فعالیت انقلابی دانشجویان و دانش آموزان گردید و رژیم توانست در سایه این جنگ و بهره برداری عوام فریبانه از آن شرایط خفقان بیشتری را بوجود آورده و از فعالیت سیاسی

دانشجویان و دانش آموزان انقلابی به شدت جلوگیری نماید، ولی شرایط حاکم سرچشمه ما یعنی شرایط اعتدالی انقلابی، حدت یابی مبارزه طبقاتی و رشد و گسترش هر چه بیشتر جنبش توده ای و در همین رابطه افزایش شکاف در "بالا" و "پایین" توانی رژیم ارتجاعی حاکم از سرکوب فشرده و متمرکز انقلاب، موجب گردیده تا عرصه های بازهم وسیعتری برای رشد و گسترش جنبش انقلابی و کمونیستی و در این میان جنبش دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی فراهم شود.

درک اصولی نکته فوق در شرایط کنونی، دارای اهمیت بسیار زیادی بوده و نقش مهمی در اتخاذ تاکتیک و شیوه برخورد نیروهای انقلابی و کمونیستی با جنبش توده ای و از آن میان جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی و چگونگی رودررویی با اقدامات سرکوبگرانه رژیم خواهد داشت. ما اکنون با راه و بدرستی روی ایمن مسئله تا کید داشته ایم که قیام مشکوهند به مناسبت ۵۷، اگرچه بخاطر نبودن استقلال پرولتاریا و ستاد رزمنده آن، نتوانست منجر به حاکمیت کارگران و زحمتکشان و نابودی سلطه امپریالیسم از ایران شود و در همین رابطه موجب قدرت یابی بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی گردید، ولی این بهیچوجه بمعنای شکست انقلاب و سرکوب قطعی آن توسط امپریالیسم و ارتجاع داخلی نبوده و به همین دلیل از همان فردای قیام تا به امروز، علیرغم تمامی کوششها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و علیرغم غمناک بودن سطح آگاهی توده ها و در همین رابطه توهم شدید آنها نسبت به هئیت حاکمه جنبش توده ای دچار رکود و توقف نگردیده و هر روز که میگذرد اعتلا و رشد و گسترش بیشتری مینماید.

بدون تردید شرایط اعتدالی، تاکتیک خاص خود را می طلبد و این تاکتیک همانا تاکتیک تعرضی و تهاجم سیاسی و تحقیر دستگاه سرکوب و تمام قید و بندها می است که رژیم در مقابل جنبش توده ای قرار میدهد، برخلاف دوران رکود که با بدین تاکتیک عقب نشینی را مورد توجه قرار داد، در دوران اعتدالی، هرگونه کم توجهی به تاکتیک تعرضی و تهاجم سیاسی، بمعنی رها کردن انقلاب و ضربه پذیر ساختن آن در برابر تهاجمات و ضربات دشمن و تها بیتا شکست انقلاب مینماید. در دوران اعتدالی، وظیفه نیروهای انقلابی عبارت خواهد بود از ارتقا سطح شعارهای جنبش کارگری و توده ای (اعم از صنفی و سیاسی) از یکسو و اتخاذ تاکتیک تعرضی بجای تاکتیک عقب نشینی از سوی دیگر.

اتخاذ تاکتیک مقاومت در برابر اشغال و تعطیل دانشگاهها در اردیبهشت ماه ۵۹، برپا ساختن تظاهرات و راه پیمایی های پس از آن،

مرز بندی قاطع با جریانات اپورتونیستی و تسلیم طلبی چون فدایشان و دیگر نیروهای منززل که ما را متهم به چپ روی و ایجاد جو تشنج میکردند، مقاومت مسلحانه در کردستان و ایستادگی در برابر یورش مسلحانه ارتجاع و دفاع از دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد، تکیه روی استفاده حداکثر از شرایط و امکانات علنی بخش و تبلیغ، برپایی تظاهرات موضعی و سراسری، دامنه زدن و دادن خلعت تعرضی به اعتمادات کارگری و جنبش اعتراضی و آرگان و زحمتکشان مناطق جنگ زده و طرح شعارهای انقلابی در تمامی این موارد، همه و همه در ارتباط با تحلیل و درک ما از شرایط کنونی جامعه و اعتدالی انقلابی موجود چشم انداز جنگ داخلی قرار داشته و دارد.

طرح شعارها و اتخاذ تاکتیکهای جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی، میبایست مبتنی بر تحلیل و رهنمود فوق صورت گیرد و این نکته ای است که باید در نظر گرفته شود. توجه دانشجویان و دانش آموزان کمونیست عموماً و سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار خصوصاً قرار گیرد. با توجه به چنین تحلیل و درکی، هم اکنون در چهار رچوب جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی، مبارزه در جهت کسب آزادی فعالیت سیاسی و بازگشایی سنگردانها، دو شعار اساسی و محوری است که با ابداع اصولی دانشجویان و دانش آموزان کمونیست، بمیان توده های دانشجویان و دانش آموزان و هم چنین توده های زحمتکش برده شده و در باره آن تبلیغ وسیع صورت گیرد. مهمترین ابزار که با ید در خدمت این تبلیغ، بویژه در میان زحمتکشان و جلب پشتیبانی و حمایت آنها از این خواسته ها قرار گیرد، سازمان تظاهرات سراسری است. برپایی این تظاهرات، در شرایطی که کارگران و زحمتکشان در مبارزه خود با رژیم، به فتح سنگرهای جدید و گسترش هر چه بیشتر انقلاب مشغولند، نه تنها نقش برجسته ای در باره بردن آگاهی سیاسی و روحیه رزمنده توده های دانشجویان و دانش آموزان خواهد داشت، بلکه بیش از هر وسیله دیگری امکان افزایش وسیع رژیم جمهوری اسلامی، پشتیبانی و حمایت توده های زحمتکش و مبارزان، از خواسته های برحق جنبش و انقلابی دانشجویی و دانش آموزی و پیوند میان این جنبش و جنبش توده ای را تا مین خواهد نمود. بدیهی است که شرط ضروری پیشبرد و تثبیت شعارهای فوق و برگزاری چنین تظاهرات و راه پیمایی ها، می باشد، مبارزه و افشای وسیع بر تهاجمات و اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی از یکسو و افشای و طردن نیروهای روبریونیستی و اپورتونیستی و مواضع سازشکارانه آنها و همچنین مبارزه ایدئولوژیک با نیروهای ناپیکار

بقیه در صفحه ۲۲

دانشجوی مبارز، به یاری توده ها، سنگر خود را بگشا!

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

اعتصاب در شرکت پوژبان

بیش از سه ماه است که حقوق کارگران شرکت ساختمانی پوژبان را به بهانه عدم نپرداختن آن، این امر موجب اعتصاب کارگران از تاریخ ۵۹/۹/۲۳ میگردد. کارگران بدترستی میگویند: بر ما یه داران زان لوصفت که باعث جنگ شده اند میخواد هندتحت پوشش اینکه "مملکت در جنگ است" و "اسلام در خطر است"، دستمزدنا چیزما را بدزدند، و در جواب ما میگویند "پول نداریم" در حالیکه میلیونها تومان خرج توپ و تانک می کنند و نه تنها جنگی نا عادلانه بر راه می اندازند، بلکه ارتش خود را برای کشتار رخلشق قهرمان کرد، میفرستند!

کارگران مبارز پوژبان اعلام میکنند که تا رسیدن به خواسته هایمان به اعتصاب و مبارزه ادامه خواهد داد. خواهستهای کارگران عبارتند از:

- ۱- پرداخت حقوق کامل همه ما
- ۲- تعیین تکلیف وضع کارگران انظر استخدام
- ۳- پرداخت حق مسکن، حق خوابگاه و ایاب و ذهاب متناسب
- ۴- تامین بهداشت

پارس الکتریک:

اخیرا در این کارخانه برای افزایش دستمزد، کارگران دست به اعتصاب میزنند. خواه کارگری که در جریان اعتصاب برای گرفتن حقتان، فعالیت بیشتری میکند، توسط یکی از سرپرستان و یکی از اعضای انجمن اسلامی مورد هجوم قرار میگیرد بطوریکه سرپرست مزدور با چکش به سرخواهر کارگر زده و سورا میزند. کارگران از این اعمال جنایتکارانه نوکران کارفرما به خشم میایند. به همین دلیل کارفرما از ترس خشم کارگران دوزمزدور مذکور را یک هفته به مرخصی میفرستد (!) و برای سرکوب اعتراض کارگران خواه کارگر مجروح و سه نفر دیگر از کارگران را اخراج میکند، که بعطت فشار کارگران هنوز از خراجشان قطعی نشده است. اعتصاب کارگران نیز بعطت ضعف آگاهی و تشکل آنان خاتمه مییابد.

سپیمان صوفیان

در این کارخانه نیز همچون بسیاری از کارخانجات به بهانه جنگنها خوری کارگران را تعطیل کرده بودند. اما کارگران به مبارزه ای یکپارچه برای بازپس گرفتن حقوق از دست رفته شان، دست زدند که در نتیجه روز ۵۹/۹/۲۳ در یک مجمع عمومی کارگران توانستند با تعامل بشیبه در صفحه ۲۴

پیام به کارکنان جنگ زده صنعت نفت

نفرا ز کارکنان عملی سازد و پرداخت هرگونه پاداش، سابقه خدمت و مستمری کامل را به آینده و فرصت "مناسب" حواله داده است. کارگران مبارز فراموش نکرده اند که این بار اول نیست که رژیم چینی تلاش را آغاز کرده است، در آغاز جنگ نیز رژیم تصدداشت ۲۰۰۰ نفرا ز کارکنان را اخراج کند که در سایه همبستگی و مقاومت کارکنان مجبور به عقب نشینی شد.

رژیم در حالیکه میبندد پادان زیر آتش خمپاره های رژیم ضد خلقی عراق قرار دارد، داثم اساسی کارکنان را از رادیو میخواد ندکده آبا داند آمده و به انجام کار خود میادرت کنند. اما هنگامی که این افراد به آبا داند میروند به آنها میگوید برای شما کاری نیست و میتوانید هفته ای دوبار برای حضور و غیاب به اداره بشاید و با این ترتیب زمینهای لازم را جهت بشیبه در صفحه ۲۳

بیش از ۳ ماه از جنگ غیر عادلانه بین دولت های ارتجاعی ایران و عراق میگذرد. در طی این ۳ ماه آنچه از این جنگ نصیب زحمتکشان ما شده بجز آوارگی و تشدید فقر و گرانگی چیزی دیگری نبوده و در آینه هم نخواهد بود. این بار رژیم سوسی کرده است به بهانه جنگ با عراق هرگونه فریب دهنده طلبکاران را با زدن مارک "فدا انقلابی" خا موش سازد.

اکنون بتدریج آثار شوخ جنگ هر چه بیشتر عیان میشود و بقول معروف "هر دم از این باغ بری میرسد، تازه تر از تازه تری میرسد"، ابتدا با لابردن قیمت بنزین، جیره بندی کردن کالاهای ضروری مردم، کم کردن حقوق کارکنان دولت، افزایش ساعات کار روزانه و حالا با زنجشکی اجباری بدون پرداخت سابقه خدمت و مستمری کامل یعنی مردن از گرسنگی. رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد این تصمیم را در صنعت نفت با باز نشسته کردن حدود ۲۰۰۰

تحصن کارکنان جنگ زده صنعت نفت در تهران و خواسته هایشان

متحصن میشوند. ساعت سه بعد از ظهر ساختمان به محاصره پاداران سرما به درمی آید که به کنترل رفت و آمد میاد میبرند. رژیم برای شکستن تحصن کارکنان مبارز، از یکسوی وسیله پاداران خود به تهدید می پرداخت و از سوی دیگر با فرستادن دو نفرا از طرف وزارت کشور که برای کارکنان دل سوزی میگردند، آنان را از گزینگی "میترا اند در طول شب تا صبح عوامل رژیم به انواع اعمال فشار بر علیه کارکنان صنعت نفت دست میزنند (قطع شوق، قطع برق و...) صبح پاداران سرما به آمد و نیم ساعت به کارکنان برای ترک محل مهلت میدهند. در تماسی که کارکنان با دفتر امام میگیرند، دفتر ما آنها را "فدا انقلاب" میخواند! سرانجام مناسبتی که کارکنان را علیه مخالفت عده ای از کارکنان، اعلام میکنند که برای نشان دادن حسن نیت خود تحصن را می بشیبه در صفحه ۲۴

روز ۱۰/۶/۵۹ بیش از ۵۰۰ نفرا ز کارکنان صنعت نفت جنوب به همراه تعدادی از اعضای خانواده هایشان که بر اثر جنگ ارتجاعی کنونی آواره شده اند در دفتر مرکزی شرکت نفت در تهران، اجتماع میکنند. آنها با راه به مقامات رژیم جهت رسیدگی به خواسته هایمان مراجعه کرده بودند اما جز سردانیدن نتیجه ای نگرفته بودند کارکنان مبارز در اجتماع مذکور به افشای ماهیت جنگ و خیرات آن برای زحمتکشان دست زده و سپس دستجمعی بسراغ مسئولین رفتند. اما کسی را نیا فتند! بالاخره تصمیم گرفتند نزد رئیس دفتر وزیر نفت که در ساختمان خیابان ویلا بود، بروند. لذا با انجام راهیما شی بدان محل رفتند و علی رغم مقاومت ما مورسین وارد محل رئیس دفتر وزیر شدند. این مزدور رژیم ما مشاهده کارکنان خشمگین، خود را هیچکاره معرفی میکند اما کارکنان که قبلا سخنان تهدید آمیزش را شنیده بودند و اگر کارکنان گرفتند و در محصل

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسیم (۱۲)

ج- انواع تبلیغ

۲. انواع تبلیغ در ارتباط با درک اساسی ترین نیاز توده‌ها

در ارتباط با قانون دوم تبلیغ و مشخصه منتج از آن (بموقع بودن تبلیغ) در واقع میتوان گفت که بجز انواع مشخص و تنبیک تبلیغ انواع بسیار دیگری تبلیغ نیز وجود دارد چرا که اساسی ترین نیازهای توده‌ها در شرایط جداگانه، متفاوت است و از آنجا که با بستگی سموع به آنها برخورد کرد، طبیعی است هشاری و استکار کمونیستی میتواند انواع جدیدی از تبلیغ را ابداع نماید. این هشاری و زیرکی در انتخاب انواع تبلیغات مناسب جدید - منطبق با هر شرایط و نیازهای مشخص روز توده - ها، مینماید به توده‌های نرسدن محتوای تبلیغ و جذب توده‌های و میمنترسی تبلیغات ما بسیار و بسیار برای نماید. تعیین مناسب انواع تبلیغات با نیازهای اساسی متفاوت توده‌ها، حتی بگونه‌ای است که آن انواع تبلیغ که تا دیروز بسیار رومیسار موشر بودند، امروز دیگر با بدجای خود را به انواع دیگر تبدیل کرده‌اند چرا که شرایط تغییر کرده است بدین ترتیب که مثلاً اگر تا دیروز نظاهرات خیابانی مناسب ترین نوع تبلیغ بود امروز مثلاً نشانه‌های خیابانی و یا مشاور بر سرچرا راه گرفته‌اند تبلیغ بسیار موشر مینامند...

بدین ترتیب، تنها و تنها استفاده از انواع کلاسیک تبلیغ (تراکت، اعلامیه و...) که با بستگی حتما و حتما بطریق خستکی ناپذیری همیشه و بسیار با دانجا م‌کیرد) وعدم استفاده از انواع تبلیغی که با شرایط نوین میتواند منطبق گردد، از کار آرائی تبلیغ می‌کاهد. در اینجا نمی‌توان فرمولی برای بافتن انواع مناسب تبلیغ منطبق با شرایط گوناگون، ارائه داد. تنها میتوان به چند نمونه، مناسب‌اشاره کرد فرض می‌کنیم مسئله شکنجه و زندانیان سیاسی، مسئله اساسی روز توده‌هاست علاوه بر بخش انتشارات گوناگون، مثلا شرایط در شهر آمل بگونه‌ای فراهم شده است که پس از دستگیری توده‌ای از انقلابیون توده‌ها آمادگی فراوانی برای دفاع از زندانیان سیاسی از خود نشان

میدهند. در اینجا یک گروه با ۴ نفره میتواند یک نشانه ترخیا با نی بسیار ساده برای نشان دادن آنچه که در زندانیان رژیم سرانقلابیون می‌آورند، بر راه‌اندازند و پیش‌نقش توده‌ها را برانگیزد. نشان دادن زنده - شلاق زدن، شکنجه، توهین میتواند در تهمیج توده‌ها بسیار مؤثر شود و با فرس میکنند هنگام انتخابات است و ما باید به شعرا مشخص در این انتخابات

تفاوت مثلا در ذکر اخبار در این دو نوع نشریه متفاوت بدین صورت جلوه‌گر میشود که ذکر یک خبر و واقعه محلی با تمام جزئیاتش در نشریه محلی یا فا بیک می‌آید، در حالی که در ارگان مرکزی تنها وقایع مهم در ابعاد سراسر کشور طرح میگردد و با بحثهای سیاسی و ایدئولوژیک بشیوه‌های متفاوت ارائه میگردد... نکته موردتاکید در اینجا اینست که توده‌های متوسط و عقب مانده در جوامع طبقاتی بخش اعظم توده را تشکیل میدهد. عدم تبلیغ در میان این توده - های وسیع با مناسب ترین انواع و اشکال ممکن آنها را میتواند به آلت دست ضد انقلاب بدل سازد. البته کار در میان این توده‌ها با بستگی با طرفت خاصی انجام گیرد، مثلا با استفاده از هنر، تفریحات سالم، ورزش، تئاتر - گذاری با اخلاق پرولتری و... میتوان انواع مناسب تبلیغ برای این توده‌ها را ابداع کرد. در داستان "چگونه فولاد آبدیده شد" بخاطر می - آوریم که چگونه پاول گورچاکین با اکوردشون

ماد را انتخاب انواع تبلیغ نیز، بدنیال عواطف پست توده‌ها نمی‌افتیم و تنها از انواعی استفاده میکنیم که بیان کنند اصولیت سترگ مارکسیسم - لنینیسیم است. انواعی که در خدمت بیان حقایق روشن و خدشه ناپذیر هستی است. انواع سوزناکی تبلیغ هرگز نمی‌تواند، قالبی برای بیان حقایق باشد.

شرکت میکنیم راه انداختن کارناوالی از ده اتومبیل که پلاکاردهای حاوی این شعارها را بر روی آن آویخته اند و با حرکت توام ده نفر از رفقا که این شعارها را بصورت پرچی با خود حمل میکنند بسیار جلب کننده و جالب است یا مثلا بینکاره اتفاقی در محل می افتد و توده‌ها جمع میشوند و در آن صحت میکنند با تکرار بموقع یک رقص یعنی رفتن به بلندی و معطوف کردن توجه توده‌ها به خود و سخنرانی مناسب در - باره آن یعنی در حقیقت تشکیل یک میتینگ خیابانی، بسیار میتواند مؤثر باشد. ساختن یک سرود جالب و با طرح یک لطیفه توده گیر در مورد اساسی ترین مسائل توده‌ها، بخش وسیع یک کارت پستال، دکمه، مدال و... حاوی شعار مناسب برای یک مسئله اساسی روز توده‌ها نیز میتواند از انواع تبلیغ بحساب آید. البته هشاری و پرولتری میتواند، ابداع کننده مناسب ترین انواع جدید تبلیغ باشد.

۳- انواع تبلیغ در ارتباط با در آمیختن با توده‌های وسیع

طبیعی است، انواع تبلیغ در ارتباط با اقشار متفاوت توده‌ها (پیشرو - میانی و عقب - مانده که در مورد آن در قانون سوم تبلیغ سخن گفتیم) متفاوت است مثلا ارکان مرکزی به توده‌های پیشرو واحدی به توده‌های میانی تعلق دارد، در حالی که نشریات محلی یا فا بیک به توده‌های میانی و تا حدودی عقب مانده تعلق دارد. طبیعی است عدم درک این تفاوت میتواند انحرافات اساسی را در بر داشته باشد. این

سحرآمیز در دل دهقانان جوان خانه میگردد و آنها را که تا در مجلس جشن بیرون می رفتند با کتابهای کمونیستی همراه میگردد و بدین ترتیب جوانانی که ابتدا مجذوب آکوردشون پا و ل شده بودند، بسوی بلشویسم کشیده شده و پس از کار سیاسی - ایدئولوژیک به کومسول (سازمان جوانان بلشویک) مینویسند و کهنوردی کردش روز تفریح، احیاد تعاونها با فروش کالاها به قیمت ارزانتر، تبلیغ بر روی افراد خاصی از تشکیلات که دارای ویژگیهای ایدئولوژیک خاصی هستند که برای توده‌ها ایجاد اعتماد میکند، نوارهای موسیقی و سرود توجه به فولکلور توده‌ها و... و انواع ابتکاری دیگر میتواند بسیار مؤثر باشد. "لنین در اهمیت تا نشر سرود - های انقلابی در توده‌ها و اهمیت اشعار آن بعنوان انرژی مؤثر در تبلیغ کمونیستی در مقاله خود بنام: "تکا مل سرودهای گروهی (گر) کارگران در آلمان" میگوید:

ترانه‌های انقلابی کارگران را به یکدیگر نزدیکتر و متحد و هم آهنگ ساخته و در آنها ذوق و احساس و روحیه انقلابی می‌آفریند. با استناد به گفتار رهبروای همی زحمتکشان در میتینگها و جلسات، نما پشها و اردوها، کردهم - آشی‌ها و حتی در خانه‌ها اجرا و ایفای نغمه‌ها و ترانه سرودهای انقلابی اهمیت شایانی دارد. بهمین جهت نیز لنین در روسیه آفرینش سرودها و ترانه‌های دسته جمعی را از فعالیتها ی انقلابی و کارگری لازم می‌شمرد. (۱)

بشمه در صفحه ۲۴

خلق ها و مسئله ملی



چرا حزب دمکرات ۶ تن از پیشمرگان پیکار را خلع سلاح میکنند؟

حزب دمکرات در پی اقدامات ضد انقلابی خود مبنی بر خلع سلاح پیشمرگان نیروهای انقلابی، اخیراً به خلع سلاح ۶ تن از پیشمرگان سازمان ما اقدام نمود. کمیته کردستان سازمان ما در این مورد اعلامیه ای منتشر کرده است که ما قسمتها بی آنرا در اینجا می آوریم:

مدتی است که حزب دمکرات با دادن اعلامیه و ایجا دفاعی رعب و تحریک به تهدید نیروهای انقلابی در کردستان میپردازد. تاکنون نیز چندین بار اقدام به خلع سلاح نیروهای انقلابی کرده است در ادامه همین سیاست که مستقیماً منافع جنبش مقاومت و توده های انقلابی و آگاه خلق کرد را در معرض تهدید و مخاطر قرار داده است، افراد حزب دمکرات اقدام به خلع سلاح یکدسته از پیشمرگان سازمان ما کردند... جریان خلع سلاح ۶ تن از پیشمرگان سازمان ما توسط حزب دمکرات به این ترتیب بود که:

بعداً ظهر روز ۵۹/۹/۳۰ ۶ تن از پیشمرگان پیکار برای بازدید و کنترل درجاده مها باد - میاندوآب مستقر میگردد، بعداً زمدتی بیگ دستگاه ما شین رنجور گل آلود که شنا سایی آن دشوار بوده از آن محل میگردد. سر نشینان رنجور یکی از مسئولین و تعدادی از افراد حزب دمکرات بودند رنجور بدون توجه به حضور پیشمرگان پیکار درجاده، همچنان به حرکت خود ادامه میدهند یکی از پیشمرگان مستقر در سنگر نیز برای متوقف کردن رنجور، اقدام به تیراندازی هوایی میکند که ما شین مزبور متوقف میشود. در این میان دو تن از پیشمرگان پیکار که ما مور کنترل جاده بودند برای توضیح خواستن بطرف رنجور حرکت میکنند که افراد حزب دمکرات از رنجور پشیمان شده و شروع به فحاشی و توهین به پیشمرگان میکنند، درحالیکه رفقای ما مغول توضیح دادن جریان به افراد حزب بودند، آنها با پیشمرگان ما گلاویز شده و اسلحه هایشان را میگیرند.

افراد حزب دمکرات در ادامه حرکتشان ضمن فحاشی شروع به تیراندازی بسوی سنگرهای پیشمرگان میکنند که متقابلاً از جانب رفقای ما، تیراندازی هوایی صورت میگیرد، درحالیکه تمامی گلوله های افراد دمکرات به سنگرها زده میشد رفقای ما به این ترتیب اولان نشان میدهند که بقیه در صفحه ۸

مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی



مصاحبه کمیته کردستان سازمان پیکار با شیخ عزالدین حسینی

کمیته کردستان سازمان ما با ما موستا شیخ عزالدین حسینی شخصیت سیاسی - مذهبی خلق کرد ما حبه ای انجام داده است و نقطه نظرات او را در مورد وضعیت کنونی جامعه، جنبش مقاومت خلق کرد، اختلافات هیئت حاکمه و بستگی و... را در نشریه "پیکار کردستان" شماره ۴ منتشر کرده است. آنچه که ملاحظه میکنید خلاصه ای از نقطه نظرات ما موستا شیخ عزالدین حسینی در مورد مسائل جاری ایران میباشد. پیکار کردستان ابتدا از ما موستا پرسید که وضعیت امروز جامعه و جنبش خلقهای ایران را چگونه میبینید و از دیدگاه شما روند آتی مبارزات مردم چه خواهد بود؟

ما موستا جواب داد: "مردم روز بروز بیدار می شوند که این بیداری سبب شده که تضاد در درون هیئت حاکمه بوجود آمده و روز بروز آنرا ضعیفتر بقیه در صفحه ۶

حمله به میتینگ کومله توسط افراد مسلح حزب دمکرات را محکوم میکنیم

انقلابی و توطئه آمیز برای زغرت میگردند. در خاتمه افراد حزب دمکرات در اثر تسبیح شدن مردم و هواداران کومله برای مقابله، به عقب نشینی مجبور شدند و میتینگ پایانی یافت. این اقدام، گوشه ای دیگر از عملکردهای ضد انقلابی حزب دمکرات را در کردستان نشان میدهد. حزب دمکرات در شرایطی که رژیم زهر طرف کردستان را مورد هجوم و حشیا قرار داده به میتینگ حمله میکند، پیشمرگان انقلابی را خلع سلاح میکنند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دهد. اقشای این اقدامات ضد انقلابی و ظیفه کلیه نیروهای انقلابی و مترقی کردستان است در ضمن کومله نیز، طی اعلامیه ای برهم زدن میتینگ، دزدیدن ما شین، قلدری و حمله حزب دمکرات به مردم و پیشمرگان کومله را افشا و محکوم نموده است.

روز ۵۹/۱۰/۵ کومله در شهر بوکان اعلام کرده ساعت ۳ بعداً ظهر در مقابل مقر کومله میتینگ جهت مبارزه با اعتیاد و فساد برگزار خواهد کرد، و در آن در مورد محاسمه نفس از عوامل قاچاق هروئین سخنرانی خواهد شد. یکی از سه نفر مذکور فردی بود بنام "هاشم کچل" که پدر سه تن از پیشمرگان حزب دمکرات میباشد بنا به دعوت رفقای کومله عده کثیری از مردم زحمتکش بوکان جلوفتر کومله اجتماع کردند. اما به محض آغاز سخنرانی یکی از مسئولین کومله، عده ای از افراد مسلح حزب دمکرات به داخل جمعیت آمده و با زورگویی و قلدری قصد برهم زدن میتینگ را داشتند. آنها ضمن حمله به مردم یکی از پیشمرگان کومله را کتک زدند. مردم مبارز بوکان در مقابل قلدرمندی افراد حزب دمکرات مقاومت کرده و از این اقدام ضد

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵ مصاحبه....

کنند. مردم روز بروز بیدار تر میشوند و فکر میکنند تدریجا این حکومت تغییر خواهد کرد و اگر مردم ایران آگاهانه در مقابل این حکومت مقاومت کنند و آگاهانه با آن برخورد نمایند قطعاً به نفع آنها تمام خواهد شد. ما به آینده بسیار امیدواریم. این اختلافی که حالا در هیئت حاکمه بوجود آمده خودش هدایت کننده این حکومت بسوی سقوط می‌رود."

شیخ عزالدین سپس در پاسخ به سوال "پیکار کردستان" در مورد بنی صدر و اختلاف درون هیئت حاکمه گفت:

"مسلم اختلافی که در درون هیئت حاکمه هست برسر قدرت است نه اینکه یکی از جناح‌های هیئت حاکمه خلقی باشد و دیگری ضد خلقی ما هر دو جناح هیئت حاکمه را ضد خلقی میدانیم امروز بنی صدر از آزادی دم میزند در حالی که قبلاً خودش ما بنده حزب جمهوری اسلامی حرف می‌زد ما نمی‌توانیم به حرف‌های بنی صدر اعتماد کنیم چرا زاول پیدا بود که بنی صدر از دیگران بهتر نیست."

آنگاه ما موستا در مورد جنگ ایران و عراق گفت:

"مسلم که این جنگ را غیر عادلانه میدانیم از هر دو طرف. چه هر دو حکومت حکومت‌های مرتجع و ضد خلقی هستند و اصلاً نمی‌توانیم این جنگ را خلقی بدانیم. این جنگ، جنگ دوهیئت حاکمه است که هر دو ضد خلقی هستند. ما این جنگ را محکوم میکنیم و از هیچ‌کدام دفاع نمی‌کنیم. ما موستا در قسمتی دیگر از سخنانش در این مورد گفت:

"تنها زحمتگشا ایران و عراق از این جنگ زیان خواهند دید و آنها هستند که صدمات این جنگ را تحمل خواهند کرد."

پیکار کردستان پرسید: تا شیر این جنگ را در سطح جامعه چه میدانید؟

ما موستا جواب داد: "مسلم است که این جنگ لطافت زیادی به اقتضا دایران وارد میکند و بحران‌هایی را در درون کشورهای ایران و عراق بوجود خواهد آورد ولی اگر مردم ایران و عراق هوشیار باشند چون این جنگ منجر به ضعف هر دو حکومت خواهد شد. اگر خودشان واقعا آگاهانه با این مسئله مقابله کنند میتوانند نفع خودشان از این جنگ بهره‌برداری کنند."

سپس ما موستا در مورد اوضاع جنبش مقاومت و سیرات حرکت آن در قسمتی از سخنانش چنین توضیح داد: "من معتقدم که روز بروز جنبش مقاومت خلقی کرد عمیق تر و وسیع‌تر میشود از دو راه یکی اینکه جنبش به میان توده مردم راه یافته و دیگری اینکه جنبش مقاومت خلقی کرد جدا از جنبش سایر خلق‌های ایران نیست که خلط کردنیست با فکر خودش باشد. حال خودش را با سایر خلق‌های ایران سهم و در میان رزات شریک می‌داند و به این نتیجه رسیده که هیچیک از خلق‌های ایران نمی‌توانند به تنهایی به حق خودشان برسند. با بست همه دست به دست هم دهیم. ما جنبش

مقاومت خلقی کرد را سرآغاز جنبش سایر خلق‌های ایران میدانیم. روی این اصل است که از خلق‌های دیگر انتظار داریم که ما را یاری دهند و از ما پشتیبانی کنند."

پیکار کردستان در مورد وجود جریانات وابسته به بعث عراق در گوشه و کنار کردستان و سو استفاده نیروهای خائنی همچون حزب توده و سازمان چریک‌های (اکثریت) از این مسئله برای تخریب جنبش مقاومت و وابسته قلمداد کردن جنبش از طرف این خائنین نظراً موستا را پرسید. او ضمن توضیح احوال جنبش مقاومت خلقی کرد و ضرورت مبارزه خلقی کرد در جهت تحقق آرمان‌های خود، چنین گفت: "ما وابستگی را به

اطلاعیه دفتر

سید عزالدین حسینی

در باره تذکیر خبر "راد بو صدای آمریکا"

رادبوی امپریالیستی "صدای آمریکا" در برنامه خبری چهارشنبه شب و با مدام در روز پنجشنبه ۵۹/۱۰/۱۱ خود خبری به این مضمون پخش کرد: "رهبران کردستان در نظر دارند که در ۲۲ ژانویه (۲ بهمن) اعلام خود مختاری بنمایند..."

شیخ عزالدین حسینی ... اعلام داشته است که ارتش‌ها شایخ‌ها ایران که از افسران فراری وابسته به رژیم سابق تکمیل شده است با ما همکاری میکنند ...

دفتر سید عزالدین حسینی لازم میدانم موارد ذیل را در این رابطه به اطلاع هم‌میهنان مبارز و خلق رزمنده‌ها در برسانم:

۱ - موضوع مربوط به ارتش با اصطلاح رها شایخ‌ها ایران و افسران فراری کذب محض بوده و ما موستا و یاران نزدیکان ایشان هیچ‌گاه چنین مطالبی اظهار نداشتند.

۲ - مطالب خیر فوق عمداً طوری بیان شدند که چنان برداشت شود که گویا ما موستا شایخ - عزالدین هم در مسئله شایخ‌ها اعلام خود مختاری در ۲ بهمن نظر دوخالتی دارند. بدین وسیله اعلام میداریم که ما موستا با موضوع اعلام - اصطلاح چنین خود مختاری ای که افسران از طرف محافل و رادبوی ارتجاعی و امپریالیستی شایخ شده است، هیچگونه ارتباطی ندارند.

۳ - خلق قهرمان کرد و کلیه آزادیخواهان ایران که ما هیئت سیاست‌های امپریالیسم و عناصر فراری و خود فروخته را بخوبی میشناسند مسلماً میدانند که این خبر در خدمت چه سیاست‌هایی است و رادبوی ارتجاعی و "رادبوی صدای آمریکا" با پخش این اکا ذیب سعی در مخدوش کردن اذهان عمومی نسبت به مبارزه عادلانه خلقی کرد دارند.

۵۹/۱۰/۱۳ دفتر سید عزالدین حسینی

هر شیوه و به هر شکلی که باشد محکوم میکنیم و نمیتوانیم هیچگونه وابستگی را تأیید کنیم ... و قطعاً هر جنبشی که بیروا بستگی به نیروهای ضد خلقی تکیه کند محکوم به شکست است و لوا اینکه آن نیروی بظا هر از خلق کرده ما کند و دشمن مستقیم خلقی کرد دنیا شد ما وابستگی را اساساً قبول نداریم و آنرا رد میکنیم و هر کسی که بسوی وابستگی پیش برود قطعاً با شکست مواجه خواهد شد و اگر قدرت داشته باشد به شکست جنبش منجر خواهد کرد. "نگاه شیخ عزالدین با ردیگر با تاکید و استناد بر روی احوال مردمی جنبش مقاومت، فعالیت نیروهای انقلابی در کردستان و ارتباط جنبش خلقی کرد با جنبش سراسری ایران چنین نتیجه گرفت: "اگر نیروی وابسته‌ای وجود داشته باشد قطعاً نمی‌تواند در جنبش مقاومت خلقی کرد تا شریعتین کننده داشته باشد و جنبش را آلوده نماید."

ما موستا شیخ عزالدین در پاسخ به سوال پیکار کردستان در مورد استقلال فعالیت او از گروه‌های سیاسی و روابطش با نیروهای سیاسی فعال در کردستان گفت: "ما با سازمان‌هایی که در جنبش مقاومت خلقی کرده‌اند روابط دوستانه و خوبی داریم و من کافی السابق استقلال خود را حفظ کرده‌ام و وابسته به هیچ سازمان و هیچ گروه سیاسی نیستم من بعنوان یک شخصیت روحانی مورد اعتماد خلقی کرد در جنبش مقاومت و در مبارزات خلقی کرد تا آنجائی که در توان داشته‌ام شرکت کرده‌ام و میکنم. در این مدت درست است که بعضی از سازمان‌ها روابط نزدیکی با من برقرار نموده‌اند ولی من وابستگی به هیچ نیروی سیاسی ندارم. این درست است که ما با همه اینها (نیروهای سیاسی) دوست هستیم و هر کسی را که در جنبش خلقی کرد سهمیه‌ها شد و همچنین تمام نیروهای مترقی در سطح ایران که در مسیر خلق هستند و مبارزه میکنند با دیدگاه خودمان تأیید میکنم."

در خاتمه پیکار کردستان پرسید: پیغام ما موستا برای خلق کرد و دیگر خلق‌ها و نیروهای انقلابی ایران چیست؟ او در جواب گفت:

"من بدو به خلق‌های ایران سلام و درود می‌فرستم و از خداوند متعال سعادت آنها را مثلث دارم و پیام من به خلق‌های عزیز ایران اینست که هر چند فعلاً ما با تاج و زر زیم بعث عراق درگیر هستیم ولی نباید ما هیئت دولت را فراموش کنیم و گول هیئت حاکمه را بخوریم چون هیئت حاکمه همان است که در گذشته بود، ما در ضمن اینکه تاج و زر بعث عراق را محکوم میکنیم به هیچ وجه از هیئت حاکمه پشتیبانی نمی‌نمائیم همان گونه که قبلاً اشاره کردیم اختلافاتی که در درون هیئت حاکمه است بر سر قدرت است و در جهت متافع مردم نیست و مردم نباید به هیچ‌کدام اعتماد میکنند و یکی را تا شیدینما بند. لازم است تذکر بدیم به واسطه اینکه ارتباط ضعیف است اخبار کردستان به خلق‌های دیگر ایران آنطور که

بقیه در صفحه ۳۱

لرستان: تعطیلی مدارس یورش ارتجاع و... شهادت یک دانش آموز

جمهوری اسلامی سنت های ارتجاعی رازنده میکند، روشهای ارتجاعی کلیسای قرون وسطی در مقابل جرته های آکا هی بخش به دستان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بگونه ای دیگر تکرار میگردند. "مکتب" گرایان سرما یه دار و مرتجع که مرگ خود را در آکا هی توده ها می بینند در مقابل دانش آموزان و معلمین مبارز و انقلابی روشهای سرکوبگرانه را پیش می برند. رژیم جمهوری اسلامی به بیانه آمده نبودن مسدود شدن در آغا رسال تحصیلی، از بی زنگشائی آنها در لرستان خود داری کرد و مدارس پرورد هونوز هم تعطیل میباشند. در خرم آباد بعلیرغم "منع صدور احکام با کمازی" که در اثر مبارزه و فشار توده ها و محصلین و معلمین مبارز ما در شده بود نزدیک به ۲۰۰ تن از معلمین متعهد را "اخراج" و سپس اقدام به کشتایش مدارس نمودند و با وجود اعتراض وسیع دانش آموزان، معلمین و خانواده های آنها، رجاشی مرتجع در سفری اقدام رواجانی مرتجع "مشکینی" مدیر کل آموزش و پرورش لرستان را تاشد کرد و طبیعی بود که چنین نماید. ما در آن معلمین اخراجی با رها در مقابل آموزش و پرورش اجتماع کردند و در دوپا ردر شهردست به راهبیماشی اعتراضی زدند که البته با یورش و سنگباران او با شان "حزب جمهوری اسلامی" مواجه شدند. در مدارس خرم آباد، ارتجاع، ادا ماسه تفتیش عقاید، تفتیش بدنی محصلین و... سر - کوب جنبش دانش آموزی را دنبال میکنند و لسی توده های جوان زندگی را در حرکت مبارزاتی معنی کرده و دست به مقاومت میزنند. دانش - آموزان انقلابی و قهرمان حاضر نیستند معلمین ارتجاعی حزب جمهوری را در کلاسهای خود بپذیرند و دست به مبارزه میزنند. دانش آموزان دبیرستانهای دخترانه مدیقه رضائی و طلعت - دولتشاهی مبارزه را گسترش میدهند و ارتجاع از روی وحشت و در مانندی، دبیرستان طلعت... را تعطیل میکنند. روز بعد دانش آموزان این مدرسه در مراجعه به دبیرستان با یورش فالتنها مواجه شده و چند دختر محصل زخمی میشوند. دیورش ارتجاع به منازل آنها سه نفر دستگیر و روز بعد ۱۴۰ نفر از دانش آموزان دومدرسه "اخراج" شده و برای عده زیادی "اخطار به" ما در میشود! در روز اول دیماه محصلین اخراجی همسراه ما در انشان برای اعتراض به اقدامات ارتجاعی مسئولین به ادارات آموزش و پرورش مراجعه می - کنند که مثل همیشه با او با شان و مزدوران رژیم



مواجه شده و در اثر تیراندازی با سذاران یکی اردختران محصل شدیداً مجروح شده که پس از انتقال به اراک به شهادت میرسد. یک محصل دیگر نیز با گلوله زخمی شده و چند تن از ما در آن نیز زخمی گردیدند. رویزونیست های فدائش در نقطه مقابل نیروهای انقلابی که در کتا رتوده ها، جنایات ارتجاع را افشا میگردند، در کتا ر مرتجعین حزب جمهوری اسلامی قرار داشتند. بی شک یورشهای ارتجاع نمیتواند جنبش توفنده دانش آموزی را از حرکت روبرش خود باز - دارد.

هر چه گسترده تر باشد جنبش
او جگیرنده دانش آموزان انقلابی!

دانشجوی مبارز، بیاری توده ها سنگر خود را بگشا!

(گزارشی از تظاهرات سازمان دانشجویان
و دانش آموزان پیکار)

پس از ۹ ماهه قفل جمهوری اسلامی بر در - های سنگر آزادی، دانشگاه، سنگینی میکند. پس از ۹ ماهه که از انقلاب ضد فرهنگی رژیم میگذرد و در بی خونریزی ددمنشانه ارتجاع، دره های دانشگاه به روی انقلاب و دانشجویان کمونیست و انقلابی بسته مانده است، نبردی انقلابی برای بازگشائی دانشگاه از سر گرفته شده است تا به خواست توده ها و دانشجویان انقلابی قفل های رژیم درهم شکسته شود.

برای پیشبرد مبارزه انقلابی جهت باز - گشائی دانشگاه، سازمان دانشجویان و دانش - آموزان پیکار، عصر چهارشنبه ۵۹/۱۰/۷ ساعت ۴ و ۲۵ دقیقه تظاهراتی ترتیب داد. این تظاهرات از ابتدای خیابان قدس با فریاد اتحاد - مبارزه پیروزی آغاز شد. این شعار است که سالان در دانشجویان انقلابی در زیر چکمه ها و سر نیزه های دژخیمان رژیم سر - داده بودند و با آن پشت ارتجاع را لرزانده

بودند و اکنون بار دیگر این فریاد همرا ه با کامیابی استوار و مصمم پیکارگران جوان وطنین - افکن بود. هنوز کلمه مبارزه فریاد دکشیده نشده بود که جو سبارها بهم پیوستند، تظاهرات آغاز شد شعله گرم مبارزه توده های انقلابی اطراف دانشگاه را بدور خود جلب کرد و کامیابی آنسان بسوی پیروزی رهسپار گشت، آنان طی راهبیمایی فریاد میزدند: "علیه حزب جمهوری - علیه - لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها - دانشجویان مبارز، به یاری توده ها، سنگر خود را بگشا!" - انقلاب فرهنگی حمله ارتجاع است - تعطیلی دانشگاه خود بهترین گواها است!" - از قحطی و کراشی، از جنگ ارتجاعی، مردم به تنگ آمدند! در برابر وطنین شعارهای انقلابی، وحشت سروپای خائنین به خلق و رویزونیستهای ضد انقلابی را گرفته بود. توده ها و فدائیان اکثریت همچون ما رزخ خورده دست در دست او با شان، قدر رهبران و چاقو کشان رژیم جمهوری اسلامی، "حزب فقط حزب الله" گویان برای پراکندن مغوف مستحکم انقلابیون پیکار رگ - تلات میگردند. اما مشت های یولادین انقلابیون و شعارهای همچون "بهشتی بنی صدر، برای سرکوب خلق، متحد و برابر" در آنها راسجای خود نشانند. حمایت و پشتیبانی مردم، تظاهرات و استقبال شورا نگیز آنها از علامیه ها، تراکتها و نشریات سازمانی بیش از پیش مزدوران ارتجاع و خائنین رویزونیست را منزوی کرد و توطئه های آنها را خنثی نمود. با لآخره تظاهرات کنندگان با شعارهای انقلابی خود در میدان انقلاب متفرق شدند، اما این حرکت آنها، رشد توفان مبارزه برای آزادی دانشگاه این سنگر آزادی، از نیجیر اسارت ارتجاع و امیرالیم را خیر میداد.

"دانش آموزان انقلابی هر جا که پامی نهند بذر آگاهی میباشند"

دبیرستان پروین در روز ۱۶ آذر شاهد فریاد - های نوید بخش دانش آموزان انقلابی بود و شعارهای آکا هی بخش آنان مدرسه را به لرزه در - آورده بود.

یکی در روز قبل از ۱۶ آذر برای گرامیداشت حماسه آفرینی های دانشجویان انقلابی میهنان دانش آموزان سازمان پیکار با رفقای هوادار وحدت انقلابی، راهکارگر، و رفقای اقلیت در مورد سرنوشت های مشترک صحبت کرده و بعد با هواداران مجاهدین تماس گرفته و متفقا روز ۱۶ آذر صبح، دانش آموزان را در حیات جمع کرده و

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

هشدار درباره پیکارگران اسپر

اطلاعات شام نزد هم‌دیما ۱۴ اعلام کرد که ۱۷ تن از هواداران سازمان پیکار در آبان در دستگیر شده‌اند و خبرگزاری پارس نیز در خبری که به سرارجان مخابره کرد و از طریق رادیوهای بیگانه و امپریالیستی نیز انعکاس یافت، اعلام کرد که تعدادی از هواداران سازمان ماکه در میان آنها چند پزشک نیز بوده‌اند دستگیر شده‌اند. بدون تردید در میان افرادی شمار زیادی که در سرارجان و نیز خوزستان بجرم فعالیت سیاسی و دفاع از منافع توده‌ها دستگیر می‌شوند افرادی از سازمان ما نیز به سارت درآمده‌اند (هرچند خبر آن را مثل اینبار با گزاره‌گوشی و هوجی‌گری نقل کرده‌اند) اما رژیم‌روز بروز در نزد توده‌ها رسواتر می‌شود، از فعالیت افشاگران نه‌وآکا هگرا نه‌نیروهای انقلابی بسیار وحشت‌زده گردیده و بدین ترتیب با ایجاد جو خفقان، زندان، شکنجه و تیرباران به مصاف انقلابیون می‌شود بدو سیس برای تیرش جناياتش در مورد انقلابیون و بخصوص کمونیست‌ها، آنها را مزدوران بیگانه مینامد. آخر رژیم‌جمهوری اسلامی در سهای زیادی از رژیم‌ها نشان آموخته است. شاه جلاد نیز انقلابیون را "مزدور بیگانه" "خرابکار" و... مینامید و امروز رژیم‌حاکم، بی‌شرمانه به ما چنین تهمت‌های ناروا می‌بندد. سازمان ماکه زدل ظلمت‌های خونین سالی‌های گذشته جوان‌زده و ریشه‌دار عمیق فشرده است و همچنان بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر بسوی نور، بسوی آزادی و رهایی کارگران و زحمتکشان را هک‌شوده و هرگز در برابر امپریالیسم و ارتجاع حتی اندیشه تسلیم بخود راه نداده است. امروز در معرض توهین فرومایگان است که در سالی‌های حاکمیت رژیم شاه خاش، جزخیانست و کرش، نقیبه، خمودگی، ویاس و سرسیدوا رکوفتن و در بهترین حالت مبارزه سوداگرا نه‌ای به امید "بهشت"، کاری نداشته‌اند. در زمان شاه خلق‌های قهرمان ما خود دیدند که مزدور بیگانه کیست، امروز نیز توده‌ها روز بروز بیشتر در می‌یابند که چگونه بهشتی‌ها و بازرگان‌ها سر در آخور سفارت آمریکا داشته‌اند و اینک که نزد توده‌ها توسط انقلابیون بخاطر جنایاتشان در سرکوب انقلاب و بازاری سرمایه‌داری وابسته رسوا می‌شوند، اینچنین به حربه کهنه شاه‌خاشین پناه برده‌اند، ما روشن است در سالی‌های توطئه رژیم‌مورد پیکارگران اسپر یک توطئه جنايتکارانه شفته است. و از همین روم‌از همه نیروهای انقلابی و کمونیست می‌خواهیم که در مقابل توطئه‌های جمهوری اسلامی در مورد پیکارگران اسپر ساکت نشینند و ضمن افشای توطئه اخیر جمهوری اسلامی هم‌صدا با ما در جهت آزادی آنان و دیگر کمونیست‌ها و انقلابیون بکوشند.

اعلام نمودند که برای گرامیداشت ۱۶ آذر، درس را تحریم خواهند کرد و ساعت رادریا ط خواهند ماند.

صف‌طویل و مستحکمی از دانش‌آموزان انقلابی در حیط مدرسه برافه افتاده و شعار میدادند: "دانشگاه سنگرزادگان، بساور زحمتکشان، علی‌ها امپریالیسم"، "سرکوب دانشجویان سرکوب انقلاب است"، "اتحاد اتحاد علی‌ها امپریالیسم"، "آزادی فعالیت سیاسی حق مسلم ما است"، "دانشجو همسنگرت محمل است، منحل"، "گرهنگ استعما ری نابود بیدگردد"، فعالیت سیاسی آزاد بیدگردد" و... سپس در وسط حیط جمع شده و یکی از هواداران مجاهدین مقاله‌ای خواند. سپس هواداران "اکثریت" که تا آن موقع حضور نداشته‌اند به منظور عوام‌فریبی و ترس از صف عظیم دانش‌آموزان به صف آمده و یکی از آنها مقاله‌ای خواند. سپس گفتند چون شرایط کشور و مدرسه مناسب است، نباید کلاسها را تحریم کرد.

سپس یکی از رفقا اعلامیه سازمان پیکار را در رابطه با ۱۶ آذر خواند و درست زمانیکه رفیق نام سازمان را خواند، تعدادی اعلامیه سازمان بخش شده و مورد استقبال دانش‌آموزان قرار گرفت. سپس یکی از رفقای راه‌کارگر مقاله‌ای خواند. سپس دوباره برافه فتادند و "اکثریت" هم برای گول زدن بچه‌ها در صف داخل شدند و سعی می‌کردند که شعارها را عوض کنند و به انحراف بکشند، که البته رسوا شدند و سپس به کلاسها رفتند موقعیکه "اکثریتی" هم میرفتند، توده‌های دانش‌آموز فربا دمیزدند: "سازشکار، سازشکاری ات را اینجا هم نشان دادی" دانش‌آموزان انقلابی برنا هم‌را دادند و دادند هر دقیقه زنگ مدرسه زده می‌شود و میر مرتجع از بلیندگوفربا دمیزد: "به کلاس بروید" اما بچه‌ها اهمیت نمیدادند و پیکار را نمی‌خواندند. دانش‌آموزان بعد از اینکه چندبار حیطا ط رادور زدند همگی نشسته و سرود خواندند و شعار میدادند. سپس پرچم آمریکا را آتش زدند و همه در آلایکه پاهایشان را محکم بزمین می‌کوبیدند شعار مرگ بر آمریکا سردادند.

برنا هم تمام شده بود اما چون دانش‌آموزان انقلابی نمی‌خواستند به کلاس بروند قرا رشده سرود بخوانند، اما در تادام کار هواداران مجاهدین سازشکاری کرده و تمایل به کلاس رفتن نشان داده و به همین خاطر بچه‌ها پراکنده می‌شوند و در نتیجه مدیران ظم... با زور بچه‌ها را به کلاسها فرستادند و رفقای مانیز که دیدند بیرون ایستادن چندان فایده‌ای ندارد و منجر به حرکتی جدا از توده می‌شود، تصمیم گرفتند که به کلاسها بروند اما بجای درس، بحث راه‌بیا ندانند و اینکار را در اکثر کلاسها هم عملی شد.

با اندکی تغییر به نقل از: اخبار دانش‌آموزی سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار - شیرز

بقیه از صفحه ۵ جراحی حزب ...

به هیچ عنوان حاضر به خلع سلاح نیستند، تا نیا از بیشری "دمکراتها" بیست سنگرها جلوگیری بعمل می‌آورند. "دمکراتها" که مقاصد و مقاصد پیشمرگان پیکار را میبینند، یکی از رفقا را که خلع سلاح شده بود به زمین زده و او را تهدید به اعدام می‌کنند، که پیشمرگان بعد از مدتی مقاومت، برای اینکه مسئله را از طریق صحبت حل و فصل کنند و از کشتار جلوگیری نمایند از سنگر خارج می‌شوند که افراد حزب به جلوی پای آنها تیراندازی می‌کنند که در اثر آن یکی از رفقای ما مجروح می‌گردد. بدینحال این جریان افراد حزب دمکرات با پیشمرگان درگیر شده و به زور اسلحه پیشمرگان را از دست آنها خارج می‌کنند. مسئول حزب دمکرات نیز، بعد از توهین به مسئول دسته میگوید: "مگر نمی‌دانید که مسئولیت اجرایی به دست ما است و شما حق ندارید دخالت کنید؟"

"حزبها" بعد از گرفتن سلاحها سوار بر ماشین شده و می‌روند.

بعد از این جریان بلافاصله مسئولین سازمان برای صحبت در مورد این جریان با حزب دمکرات تماس گرفتند. مسئول سازمان در این تماس خطاب به مسئولین سیاسی تشکیلاتی مها با بد حزب دمکرات گفت: "ما حرکت حزب دمکرات را در رابطه با خلع سلاح پیشمرگان سازمان ما عملی غیر اصولی میدانیم. موضوع ما در قبالتها هم هیربولی، مقاصد تا آخربین فشنگ است. ما این عمل حزب دمکرات را محکوم کرده و افشا می‌کنیم." و مسئولین حزب دمکرات جواب این حزب طرح می‌شود و تکیه کلامی که مدتی است از مسئول در مقابل موضع قاطع سازمان ما را در قبال مسئله، "مسئولیت اجرایی امور منطقه" بیان می‌کنند بعد از این مذاکره ملاحضات پیشمرگان پیکار در تاریخ ۵۹/۱۰/۴ با زبب داده می‌شود.

خلق دل‌ور کرد، هم‌سپندان ما را!

جریان فوق، نشان‌دهنده این واقعیت است که حزب دمکرات با نیروهای انقلابی، سیاست دشمنی و ضدیت در پیش گرفته است. حزب دمکرات که از گسترش نیروهای انقلابی و کسب اعتبار آنها در میان توده‌ها سخت به هراس افتاده امروز سعی می‌کنند تا با قدرت نمائی نظامی خود نیروهای انقلابی را وادار به عقب‌نشینی در برابر خود نماید. اما ما و کلیه نیروهای انقلابی که با هدف دفاع از منافع زحمتکشان ایران و کردستان سلاح بدست گرفته و بر علیه رژیم فدا خلقی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنیم هرگز توجع هیچ شرایطی در برابر حزب دمکرات و تهدیدات او نداشته‌ایم. عقب‌نشینی ما نیست بلکه همچنان که از خلق کبیرمان و از طبقه کارگر قهرمان ایران آموخته‌ایم، با تمام قوا در برابر سیاست تهدید و خلع سلاح نیروها توسط حزب دمکرات ایستادگی کرده و حزب دمکرات را افشا خواهیم ساخت.

بنی صدر (لیبرال)

نام: ابوالحسن بنی صدر
شغل: رئیس سابق "شورای انقلاب"
وزیر سابق خارجه و رئیس جمهور
کنونی.
اندولوژی: لیبرالیسم.
جرم: شرکت فعال در بازی سرمایه
- داری وابسته به امپریالیسم سرکوب
و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت
به خلقهای ایران.

● از تحفه های فرنگ است، در شرایطی که نیروهای انقلابی در زندانها و میدانهای تیر، شکنجه میشوند و تیرها را میگشندند، ایشان راحت و آسوده در پارسی بمدت ۱۷ سال، درس خدمت به سرمایه داری را فرا میگرفت.

● فعالیتش در خارج از کشور، همپای بورژوا - لیبرالهای جبهه ملی بود، پس از رسوایی "جبهه ملی دوم"، در "جبهه ملی سوم" شرکت میکند و دست به انتشار نشریه لیبرالی، "خبرنا" میبندد. در این نشریات هرگز سخنی از سرنگونی رژیم شاه نمی رود، در عوض به چاپ عریضه های لیبرالیها می چون سرهنگ امیررحیمی "به والا حضرت شهبان نور فرح"، که در همه جناحیات شاه شاهن شریک وی بود، میپردازد.

● با قدرت یابی نیروهای کمونیست در کنگفرد - اسبون دانشجویان خارج وادیکال شدند - مبارزات آنها در جهت سرنگونی رژیم شاه، یعنی - مدبرعلت مخالفت با شاه سرنگونی شاه و ضدیت با کمونیستها، از کنگفرد اسبون کناره گیری می - کنند و در واقع اخراج میشود.

● اوجی تحت فشار نیروهای دیگر نیز هرگز تا سال ۵۷، حاضر به پذیرش شعار سرنگونی شاه و خاش نشد، در عوض همواره به سمپاتی بر علیه کمونیستها می پرداخت و جز اولین کسانی است که در کنار رجالات الدین فارسی از موضع سی ارتجاعی علیه مجاهدین خلق موضعگیری داشته فحاشی ها و لجن پراکنی های وی بر علیه کمونیستها، در خارج از کشور، چهره مشخص دشمن طبقه کارگران را زایلها پیش در او وینما پیش گذاشته بود. او کتابها و اعلامیه های مختلفی بر علیه کمونیستها منتشر میکرد و در واقع ضدیت اصلی او نه با رژیم شاه، بلکه با کمونیستها بود.

● با وجگیری جنبش توده ها، با استغاده از، موقعیت طبقاتی آیت الله خمینی و اشتقاقی که میان لیبرالها و خرده بورژوازی مرفه سنتسی بوجود می آید، او آماده میشود تا در کنار دیگر همپالکی هایش برجینش توده ها سوار شده و مانع از پیروزی انقلاب گردد.

● او پس از قیام به عضویت "شورای انقلاب" در می آید و از این پس در کنار رهبرانی ها در کلیه جناحیات شورای انقلاب بر علیه توده ها شرکت

گپشترخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

افتشای ماهیت سران لیبرالها و حزب
جمهوری اسلامی در پیشگاه خلق



مستقیم داده، این جنایات بطور خلاصه، سرکوب و کشتار مبارزات کارگران، مانند کشتار کارگران بیکاران صفا، سرکوب و کشتار رده های تن آفرینان دلاور خلق کرد و ترکمن و سرکوب کمونیستها و دیگر انقلابیون در سراسر ایران و بخصوص شرکت فعال در بازی سرمایه داری وابسته و ارگانهای سرکوبش مانند ارتش ضد خلقی است.

● او در شورای انقلاب، مسئولیت برنامه ریزی اقتصادی را داشته و بدین ترتیب در مورد برنامه های اقتصادی رژیم که در جهت حفظ منافع امپریالیسم بوده و در انتقال سی وقفه بحران امپریالیستی به ایران، تورم، گرانی، بیکاری، وضع بد اقتصادی زحمتکشان، استعمار زحمتکشان توسط انحصارات امپریالیستی و... مستقیما مسئولیت دارد.

● او از برنا مهربان و سازمان دهندگان اولیه سازمان "ضد انقلابی" مجاهدین انقلاب اسلامی است. و در مراسم اعلام موجودیت این "سازمان" در اردیبهشت ۵۸ در دانشگاه تهران، بدفاع از آنها سخنرانی، میکند و طبق گفته بنی صدر و دسته ضد انقلابی، مرا منتهای آنها را برای گرفتن تائید نزد آیت الله خمینی میبرد. (البته اکنون بر سر قدرت میان این دونیروی ضد انقلابی اختلاف افتاده است.)

● چاقاران ارتجاع با شعار "روزنا مهربانی - صدرا یجا دبا بدگردد" به نشریات کمونیستی و مترقی حمله کرده و در حقیقت چاقاران بنی - صدر نیز در آنتینگا چیزی از چاقاران حزبی کم نمی آوردند.

بقیه در صفحه ۱۸

محمد علی رجایی

اسم: محمد علی رجایی
شغل: وزیر سابق آموزش و پرورش و نخست وزیر فعلی رژیم ضد خلقی
جمهوری اسلامی ایران.
ایدئولوژی: مکتبی، مکتب سرمایه داری
جرم: شرکت فعال در بازی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت به خلقهای تهران ایران.

● سهامدار شرکت بسا زین فروش ساختمان اهداف و مدیر عامل شرکت مذکور در زمان شاه خاش.

● دشمنی با زندانیان کمونیست طی دوره زندان (که کمتر از ۳ سال طول کشید)، تفرقه - اندازی و عدم شرکت در مبارزات درون زندان در زمان شاه و بیوزمانه نیکه و حدت زندانیان سیاسی اعم از مذهبی و کمونیست برای مبارزه با رژیم پیک ضرورت مبرم بود.

● وزیر آموزش و پرورش قبل از نخست وزیری در رژیم فعلی و بنا بر این مسئول القاء فرهنگ

ضدمردمی و عقب مانده به دانش آموزان

● اخراج هزاران تن از معلمین انقلابی و کمونیست از آموزش و پرورش در تهران، تبریز، شیراز، بندرعباس، اراک و دهها شهر دیگر به بهانه "غیر اسلامی" و "غیر مکتبی" بودن آنها

● رجایی در این مورد گفته است: "مانمی توانیم به کسی که غیرا سلامی هستند اجازه دهیم در مدارس بنه اذان گوئی و پیش نمازی ببرند. مانمی توانیم از افرادیکه پیش ما دی دارند و به اندیشه های ایزاری معتقدند، این انتظار را داشته باشیم تا بینشهای انسانی را تعلیم دهند" (جمهوری اسلامی ۱۵ شهریور ۵۹ رجایی با این حرف نشان میدهد که دشمن نیروهای مترقی و کمونیست است.)

● دستگیری و شکنجه و زندانی کردن صدها تن از معلمین انقلابی و کمونیست به اتهام "فعالیت های ضد سلامی" و در حقیقت بخاطر آگاه کردن دانش آموزان که با توافقی رجایی در زمانی که وزیر آموزش و پرورش بود، صورت میگردد.

● تفتیش عقاید در استخدام معلمین طبق بخشنامه های رجایی در زمان وزارت.

● تا پیدا عدا مدها معلم کمونیست در ترکمن صحرا و کردستان و... از جمله معلمین شهید عبدالله قزل، بهمن عزتی، هرمزگرچی بیانیسی و...

● انحلال آموزش و پرورش کردستان برای سرکوب مبارزات دانش آموزان و معلمین انقلابی کردستان.

● رجایی در زمانی که وزیر آموزش و پرورش بود

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

افکار ارتجاعی سندگارت ۲۵ میلیون تومان مذکور که به امضای رجایی به حجب منتظری و دیگر "علماء" ریخته شده است، توسط سازمان ما افشا گردید.

● رجایی حل مسئله گروگانها را بعهده گرفت تا رأیطه با آمریکا که بنظر او "تکامل معنوسی" یا فتهاست برقرار رکود، تا بتوانند باز از آمریکا اسلحه بخرند و برای همین سفر خیانته آمیز خود به نیویورک از جیب مردم "مستضعف" ۱۴۰۰۰۰ تومان برداخت.

اینها گوشه‌هایی از جنایات رجائی نخست وزیر مکتبی رژیم جمهوری است اما بیرواضح است که در کلیه جنایات و سیاستهای سرکوب - کرا نه رژیم در زمینه‌های مختلف نقش مهمی دارا میباشد، این عنصر عوام فریب خود را "حامی مستضعفین" قلمداد میکند در حالی که خود از سرکوبگران اصلی زحمتکشان و از جانب املی سرما به داران میباشد و در عوام فریبی دست کمی از همپالکی‌های حزبی و همدستان لیبرالشان ندارد، او با استفاده از آکا‌های زحمتکشان آنها را تحمیل میکند و از اعنا وین "شرعی" و "عرفی"، مکتبی و "اسلامی" در جهت غارت دسترنج زحمتکشان توسط سرما به داران استفاده میکند رجائی بعنوان نخست وزیر جمهوری اسلامی امروز مستقیماً در سرکوب انقلاب و توده‌های زحمتکش دست دارد، او سعی میکند تا خود را "صد امیریا لیست" نشان دهد حال آنکه این فریبی بیش نیست و اوجامی مدافع سیستمی است که امیریا لیستها بر اساس آن به غارت و جبا و ل خلق ما مشغول میباشد، این آقای "مکتبی و حزبی" همانند لیبرالهای خائن دوست امیریا - لیستها و دشمن انقلاب و زحمتکشان است.

مصادره انقلابی خوابگاه تزئین بدنی توسط کارکنان جنگ زده

بدنیا ل مراجعات مکرر نما بندگان کارکنان مناطق جنگزده به "بنیاد دهبند"، "بنیاد مسکن"، "بنیاد مستضعفین"، دفتر نخست وزیر و مسئولین وزارت نفت برای پاسخگویی به خواسته‌هایشان از جمله تان مین مسکن و عدم رسیدگی مقامات مذکور، کارکنان تصمیم می - گیرند تا خود اقدام کنند. بدین لحاظ روز ۲۳/۹/ اقدام به مصادره انقلابی محل خوابگاه‌ها و تشکیل بدنیا بدنی مینما بند، آنها به محض ورود به ساختمان مزبور با ایجاد کمیته‌های اسکان، تدارکات و... به سازمان نهدی اقدامت خود برداخته و در اطلا قها مستقر میشوند.

مسئولین رژیم که از این عمل انقلابی کارکنان جنگزده غافلگیر شده بودند، سعی کردند بدنیا "غیرقانونی" خواندن این اقدام و توسل به انواع حمله‌ها، آنان را از محل خارج کنند، ولی هوشیاری کارکنان توطئه‌های رژیم را خنثی کرد. طبق آخرین گزارش پاسداران سرما به آب و سرب و سوخت خوابگاه‌ها قطع کرده‌اند

استثما رگر - پیکار) برسد" (جمهوری اسلامی ۱۴ آذر)

● حمایت از سرما به داران بزرگ بنا به ما هیت طبقه‌های خود: این آقای عوام فریبانه خود را می مستضعفین جا میزند و هر کجا که میرسد اسد سخن از "عدالت اسلامی" سر میدهد، اما وقتی که در اوایل نخست وزیریش میگوید: "در هجده ماه گذشته نه دولت به سرما به داران کاری داشته و نه خود آنان در سطح وسیعی حرکت کرده‌اند." (کیهان ۱۹ مرداد ۵۹)، ما هیت حمایت ایشان از مستضعفین آشکارا میشود، البته منظور آقای رجائی از "حرکت سرما به داران در سطح وسیع" چیزی جز دعوت سرما به داران به سرما به گذاری بیشتر و در نتیجه استثما هر چه بیشتر و شدیدتر کارگران نیست، چرا که آقای رجائی نخست وزیر رژیم می است که سرما به داران آنرا میچرخانند. آقای رجایی وقیحانه سخنان خود را اینطور ادا می مینهد: "دولت آینده از سرما به داران بزرگ با بدبخواهد که در اعمال خود تجدید نظر کنند." (همانجا) منظور آقای رجایی از این سخنان کلاشانه این است که سرما به داران بزرگ که مردم زحمتکش ما بخاطر غارت دسترنج زحمتکش و استثما رکارگران سالها با آنها مبارزه کرده - اند، کارگران را استثما رکنند و سپس برای خالی نبودن عریضه و برای اینکه کارگران را آسا نتر بفریبند از سرما به داران میخواد که در "اعمال" خود تجدید نظر کنند، آیا اگر گریها میتوانند همیشه را پاره نکنند؟ آیا به این سخنان عوام فریبانه این جناب جز کلاشی و حیل‌گری نامی میتوان گذاشت؟

● شرکت در بازی و حفظ سرما به داری وابسته بعنوان بازیگانه امیریا لیسم در ایران تا شاید کشتار و قتل عام زحمتکشان روستاهای ایندر - تاش، صوفیان، بوسف کند، سه روکاتی و غیره لازم به یاد آوری است که این جنایات مکتبی از انبوه جنایاتی است که در دوره نخست وزیری آقای رجایی انجام گرفته است.

● فریب توده‌های زحمتکش و دعوت آنها به شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی، و تبدیل فرزندان توده‌ها به گوشت دم‌توب سرما به داران زالسو صفت.

● آقای رجایی بعنوان نخست وزیر جمهوری اسلامی در اقدامه تن از رفقای ما در خوزستان پیکارگران شهید شکرالله دانبشار، محمدعلی اشرفی، منوچهر نیک اندام و رفیق "علی‌رضنا" همایون بری زاده "از رفقای اقلیت بدست جلدان جمهوری اسلامی شرکت داشته‌اند بنا بر این دستش معلما بخون این چهار انقلابی - کمونیست و دهها انقلابی دیگر آلوده است.

● تحریک وسیع توده‌های نا آگاه و همچنین سازمان ندهی دسته‌های اوپاش و قداره بندبسر علیه آوارگی جنگ در شیراز، اصفهان، بروجرد و... از طریق تبلیغات امام جمعه‌های مرتجع و وابسته به نابخود.

● ریختن ۲۵ میلیون تومان از بیت المال مردم بحیب مفتخوران جهت تبلیغ و ترویج

دانش آموزان مبارز را به شیوه‌های مختلف زیر فشار فرار داده و سرکوب میکرد، از جمله - سیاستهای سرکوبگرانه و عمارتنداز: انحلال شوراهای و ممنوعیت ایجاد دشوار در مدارس، ایجاد حفاقن و جواختنای برای جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش آموزان، نفتش عفا بدوا - خراج دانش آموزان انقلابی و...

● تعدی بیست نخست وزیر برای سرکوب انقلاب: رجایی، این سرما به دار مکتبی، در آغاز استثما بش به نخست وزیری گفت: "من مقلد امام، فرزند مجلس و سراد در رئیس جمهور هستم." او با این سخنان خود بددستی بیان میکند که عوام فریبی را بخوبی از رهبران رژیم جمهوری یاد گرفته است، او خود معترف است که فرزند خلیف مجلس ارتجاعی که مرکز تجمع عوام فریبان و مفتخوران است میباشد بدین ترتیب و همگامی و همدستی خود را با نمایندگان سرما به داران در تحمیل سرکوب زحمتکشان و خلقها اعلام میکند، رجایی سپس خود را برادر رئیس جمهور عنوان میکند، برآستی که رجایی و همپالکی‌های او در حزب جمهوری اسلامی، برادران لیبرالها از جمله بنی صدر در سرکوب انقلاب توده‌ها میباشد.

● شرکت فعال در کلیه جنایاتی که بدست رژیم جمهوری اسلامی بویژه حزب جمهوری اسلامی انجام میگردد از جمله کشتار در کردستان، تروور انقلابیون، سرکوب نظهرات و میتینگها و... ● سرکوب نظهرات حق طلبانه کارگران پیکار آقای رجایی در سمینار انجمنهای اسلامی کا رخا نجات گفته است: "آنها (صد انقلاب) با داشتن درجه دکتری فوق لیسانس و لیسانس لیبس کارگری پوشیده و در صف کارگران می - ایستند و با درکارخانه‌ها مشغول کار میشوند."

(جمهوری اسلامی ۲۷ آذر ۵۹) زهی وقاحت و بیشرمی! گویا اینهمه کارگران کرسنه پیکار در جات دکتری فوق لیسانس و لیسانس دارند که لیبس کارگری پوشیده‌اند رجائی با این گونه با طبل سرکوب خونین نظهرات کارگران پیکار در شهرهای مختلف را توجیه میکند!

● جنایات از فتودالها، سرکوب مسزات دهقانان زحمتکش که به مصادره انقلابی زمین - های مالکین و فتودالها دست میزدند، رجایی در مورد مصادره انقلابی زمینهای مالکین توسط روستائیان در سمینار به اصطلاح واگذاری زمین گفت: "من به عنوان یکی از اعضای شرکت کننده در این سمینار رشیدان نگران اسن بدیده (مصادره انقلابی زمینها توسط دهقانان - پیکار) هستم، با بدبا این حرکت ضد انقلابی یک مقابله اصولی نمود." آقای رجایی سپس حمایت آشکار خود را از فتودالهای ستمگر و خونخوار اعلام میکند: "متحرفین لزوما راستگرا نیستند ممکن است جیب گرا هم باشند زیرا بنا به فرمان امام کسانی میخواهند مانع از آن شوند تا زمینهای بزرگ را که افرادی (روستائیان زحمتکش - پیکار) بطور نا مشروع مالک شده‌اند بدست صاحبان آن (فتودالها و مالکین

لیبرالها و بازگشایی دانشگاه

لیبرالها، دانشگاهی بدون انقلابیون و مکانی برای تربیت متخصصین لیبرال میخواهند درحالی که کمونیستها و انقلابیون دانشگاه را بعنوان کانون افشاگری و مبارزه طبقاتی امپریالیسم و ارتجاع و سنگری برای آزادی و انقلاب میخواهند.

گوید:

دانشجویان چپ، "تلافی طاغوت شکست - خورده و لیس کردن پیروزی را از بیرون کردن و بی آبرو ساختن هر چه استاد دوهیئت تعلیماتی و بهم ریختن نظام آموزشی و اداری (منظور نظام آموزشی و "طاغوتی" است - پیکار) میدیدند" و سپس با زرگان آنرا با هر چه طرفداران "منطق و انقلاب اسلامی" و... میدادند. بدین ترتیب آقای بازرگان مخالف اقدامات دانشجویان انقلابی در پردرد و استکان رژیم پهلوی از دانشگاه است. او مخالف فعالیت سیاسی انقلابیون در دانشگاه است، او میخواهد همان نظام آموزشی و اداری که در خدمت سرما به اداری وابسته بود باقی بماند، تا دانشگاه مانند زمان شاه خاکسپاری خودش را صرف تربیت متخصصین سرما به اداری وابسته کند و دانشجویان انقلابی را نیز که خواهان فعالیت انقلابی هستند، شدیداً سرکوب نماید. شاید کسی تحت تاثیر تبلیغات لیبرالها قرار گرفته باشد و بگوید لیبرالها که مانند حزبیهها، "خشن" و "سرکوبگر" نیستند، اما غافل از اینکه آنچه بنی صدر و بازرگان متحد با حزبیهها بر سر کردستان آوردند و بنی صدر و حزب بر سر دانشگاه، نشان میدهند که بموقعش لیبرالها از حزبیهها در کثرت و کشتار سرکوب هیچ کم نمی آورند. ببینید در مورد همین دانشگاه، لیبرالها چه سیاستی در مقابل کمونیستها پیشنها میکنند:

سرکوب کمونیستها و انقلابیون، آزادی مشترک لیبرالها و حزب

با زرگان میگوید:

"گروههایی که (منظور کمونیستها است - پیکار) را با سابقه تقلید! انتقام و نهادن هدف و حرفه شان میباشند و تنها برای نفس انقلاب و تدویم آن اصاله قائل بودند (!!)... چنین مصلحت میدیدند... با شدت و سرعت هر چه تمامتر از یکطرف به تبلیغ مرام و برنامهای خود در میان روشنفکران و مردم بپردازند (!!) و از طرف دیگر تند و متوسل انقلاب را از طریق تخنیه یا تصفیه دانشگاهها و جوار کردن افراد و عناصرو تا زهر خورده گذشته اجرا نمایند (!!) (همانجا) بدین ترتیب معلوم میگردد که لیبرالها چگونه با اقدامات انقلابی دانشجویان

با تنها حزب جمهوری اسلامی به دانشگاه و جنایت هولناک او با شان و پاسداران حزب در اول اردیبهشت که به شهادت دهها دانشجوی قهرمان (و بدنبال آن اعدام و ترور مودنیها، معتمدیها، علویها، دانشلیها و...) انجامید، دانشگاه را این سنگر خونین آزادی از ۱۴ خرداد ۵۹ تعطیل گردید. جنایت اول اردیبهشت که از سوی بنی صدر لیبرال نیز تائید شد، هدفی جز مقابله با نیروهای انقلابی در دانشگاه نداشت. رژیم عا جز از خاموش کردن شعله های پرفروغ آگاهی از دانشگاه به تعطیل آن دست زد. اما اگر لیبرالها نیز خواهان سرکوبی نیروهای انقلابی در دانشگاه هستند، اما خواهان تعطیل بودن دانشگاه نیستند، و اگر سیاست "جماعتی" حزب جمهوری در مقابل انقلاب، در دانشگاه بصورت سرکوب کامل و تعطیلی سنگر آزادی جلوه گر میشود، سیاست "جماعتی و توان شیرینی" لیبرالها سیاستی مزورانه و فریبکارانه را برای فریب توده ها و سرکوب انقلاب، ایجاب میکند. از اینرو مبارزه در جهت بازگشایی دانشگاهها بدون افشای ماهیت شمارههای لیبرالها در این مورد نمیتواند منظور کامل در جهت اهداف دموکراتیک انقلاب قرار گیرد.

لیبرالها چرا از بازگشایی سخن میگویند؟

انقلاب اسلامی، میزان، آرمان، ملت و خلاصه تمامی شریکات ارتجاعی لیبرالها، اکنون از بسته شدن "مرکز علم و دانش و تخصص" مینالند اما چرا؟ آیا آنها واقعا خواستار ادامه فعالیت دانشگاه بعنوان سنگر آزادی هستند و یا نه! آنها خواهان همان دانشگاهی هستند که رژیم شاه نیز در آرزوی میسوختن و نتوانست آنرا بسازد، یعنی دانشگاهی بدون اجازه فعالیت سیاسی برای انقلابیون، بدون مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و تنها مکانی برای تربیت روشنفکرانی متخصص در خدمت سرما به اداری وابسته، ببینیم بازرگان لیبرال خواهان کدام دانشگاه است. بازرگان اساساً فعالیت دانشجویان را در دانشگاه محبوب لیبرالها "تعلیم و تربیت و تخصص و تحقیق" (میزان ۲۶، آذر) میداند و شهادت میدهد که دانشجویان انقلابی که با قوانین و ضوابط و استادان و کارکنان دانشگاهی مخالفت میکردند، می تازد و می -

مخالفتند. لیبرالها از اینکه دانشجویان برنامهای انقلابی را در میان روشنفکران تبلیغ نموده و با نظام کمپنیه دانشگاهی مبارزه کنند، وحشت دارند. آنها بر ما نند حزبیها از یک دانشگاه انقلابی و در خدمت توده ها برخود می - لرزند، اما بر سر مقابله با دانشجویان انقلابی و فعالیتهای آنان در شیوه های حزبیها توافق ندارند. آنان میکوشند با "تلاش" به سرکوب دانشجویان انقلابی و کمونیست بپردازند. بقول بازرگان ارتجاع و حمله و ضرب دانشجویان توسط جناح رقیب (حزبیها) در اول اردیبهشت به این منجر میشد که:

"بها نه های خوبی بدست مخالفین داده و "بها شیوه های خاص مبارزات مطبوعاتی انحصار و آنها تمام آنها که پرچمها ارتجاعی برافراشته بودند، قیافه حق بجانب بیشتر و هاله مظلومیت و بسا برای آنها خواهان بیشتر در قشرهای دانشجویان آموزش دیده میگردند" (همانجا) . دانشجویان در سرتا سر تا این به - بودند "سرکوب صفر بسودا انقلاب است" ، "استبداد دختن بسودا انقلاب است" . لیبرالها خواهان سرکوبی ظریف هستند، "آدم بکش ، اما خون روی دستهایت را همیشه بشور!" . باور نمی کنید، ببینید چگونه از مقابله با کمونیستها - ها سخن میگویند:

"با این ترتیب مقابله با گروههای متحرک و مخرب چپ بعوض آنکه از طریق سابق زندگی و برنامهای مثبت و وظایف دانشگاهها باشد... (همانجا) آری همانطور که در حکومت بازرگان و بنی صدر دیده ایم: لیبرالها خواهان مقابله مثبت! هستند، یعنی جماعتی و توان شیرینی، یعنی سرکوب و کشتاری که پوشیده انجام گیرد و بسا برنامهنویسندگان را بکوبند، آری حزبیهها! جلوی چشم مردم، آدم نکشید، مردم می بینند آنها را بگیرد و در خفا اعدام کنید ضمن آنکه صحبت از آزادی نیز با دستان خود، لیبرالها میگویند جلاد پس از کشت و کشتار باید دستا نش را بشوید و با دستان تمیز بر سر سفره جشن قتل بنشینند، درحالی که حزبیهها اینرا نمی فهمند و با همان دستان خون آلود جلوی توده ها ظاهر میشوند و اینرا لیبرالها نمی خواهند.

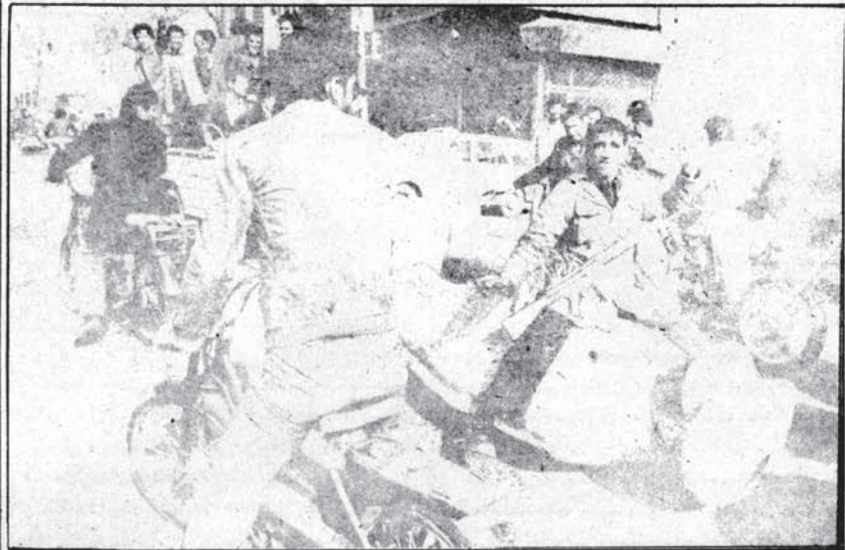
پس روشن شد که لیبرالها خواهان چه دانشگاهی هستند دانشگاهی بدون نیروهای انقلابی (البته این حسرت بدشان خواهد ماند) آنها به حزبیهها میگویند، دانشگاه را با زرگان، سرما به اداری وابسته تخصص میخواهد، منتها با راهحلهای سنجیده کمونیستها را سرکوب کن، در دانشگاه که بنیاد فعالیت نیروهای انقلابی صورت بگیرد. مگر گفته های "اعلیحضرت همامیونی" با دستان نیست که میگفت دانشگاه جای درس و مشق است، نه جای "خرابکاری" مثنی کمونیست

بقیه در صفحه ۱۲

لیبرالیسم، ایدئولوژی ضد انقلابی بورژوازی را فاش و طرد نمائیم

زحمتکشان ایران شاه را فراری دادند،

شاه جلاد مرد، ولی هنوز...



ساعت ۱۳/۰۸، روز ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ شاه جلاد، درمانده زحمتکشان انقلابی خلقهای ایران که رژیم بوسیده سلطنتی را اولین هدف ضربات توفنده خود قرار داده بود از ایران فرار کرد. فرار شاه خا شن در شرایطی صورت میگرفت که مبارزات توده‌ها ی زحمتکش ضربات کاری بسزای بیخبر لوزان رژیم وابسته با مهربانیسم وارد می ساخت. شهرهای ایران در فریادهای خشم توده‌ها میلرزید، کشتارهای ارتش آمریکایی شاه کوچکترین تزلزلی در توده‌های بیخاکه است ایجا دنگ کرده بودند دولت آشتی ملی "شریف اما می مزدور، نه حکومت نظامی" از هاری جلا دونه آخرین توطئه رژیم شاه و امیریا لیم یعنی دولت بختیار خا شن نتوانسته بودند رژیم شاه را از بحران مرکزی که گلویش را فشار میداد درها سازد. شاه که هدف اصلی خشم خروشان زحمتکشان ایران بود و ما هیا بود که شعراهای "مرگ بسز شاه" توده‌ها تا قوس مرگ سلطنت سنگینش را به صدا درآورده بودند، مستأمل و در مانده ایران را ترک کرد تا با میلیاردها دلاری که از دسترنج خون زحمتکشان میهن ما ثروت بسیار آورده‌ای برای خود و خا نوا ده منحوش فراهم آورده بود به عیش و عشرت در کناره‌ها با نش بپردازد.

مردم ایران، برای اولین بار پس از سالها خاکمیت ترور و خفقان فاشیستی، پس از تحمیل شکنجه‌ها، زندانها و بیس از کشتارهای دسته جمعی با فرار شاه مزدور، دژخیم خلقهای ایران رنگ خنده و شادی بر چهره‌ها ن نشست. توده‌های مبارز به خیا با نها ریختند و فرار بزدلانه دیکتاتور خون آثام را جشن گرفتند. زحمتکشان میهن ما فرار شاه را مقدمه بیروزی و بیش درآمد آزادی می دانستند. آنها که پس از سالها خفقان و سرکوب، نتوانسته بودند موقعیتی انقلابی در جا مع ما

پدید آورند، شاه از این بودند که با مبارزه ای طوفانزا جلاد خلقهای ایران را بزانود آورده اند و او را با چشم پراگ از تخت سلطنت تنگ بین بسا شین میکشند. فرار شاه اولین پیروزی جنبش انقلابی خلقهای ما بود، جنبشی که دورنمای خود را نه فقط فرار شاه خا شن بلکه سرنگونی رژیم وابسته با مهربانیسم شاه و بنا بودی سرما به داری وابسته و پنیسا دجا معادای نوریورانه‌های نظام کهن قرار داده بود. پس از فرار شاه خا شن توطئه‌ها و نیز کشتارهای آخرین نخست وزیرش بختیار مزدور نیز نتوانست رژیم را از تیرخشم توده‌ها برهاند. توده‌ها با قیام پرشکوه بهمن ماه بساط رژیم شاهنشاهی را در هم چیدند اما عدم وجود رهبری انقلابی طبقه کارگرو سازشانه رهبران فدا نقلایی که برجش سوار شده بودند، زحمتکشان ما را از رسیدن به هدف و پیروزی با زداشت، زحمتکشان ایران با مبارزه انقلابی و بدستان بیرونا نشان شاه جلاد را فراری دادند، شاه دق مرگ شدولی هنوز خون توده‌های زحمت کش و قهرمان بر سنگفرش خیا با نها بر در و دیوار شهرها خشک نشده بود که سرکوب و ستم و استعمار و این با رخت نام جمهوری اسلامی بر میهن ما، مجددا مستولی گشت. ولی مرجعین از تاریخ درس نمیگیرند. توده‌ها شیکه رژیم تا بدندان مسلح شاه آمریکا را با سرگ رو بسوزا ختند و با مبارزه انقلابی خود شاه جلاد را فراری دارند، با مسلح شدن با آکا هی طبقه‌ای و در ادامه مبارزه اعتلائی کنونی، آنچه را که نتوانستند پس از فرار و سرنگونی شاه یکساف آوردند، در آغوش خواهند گرفت. دور نیست که توده‌های انقلابی ما روزهای نظیر فرار شاه ... را دوباره زنده کنند.

بقیه صفحه ۱۱ لبرالها...

و ما رکیست اسلامی!

باز هم تلاش برای

سوار شدن بر جنبش توده‌ها

بدن تربیت معلوم است که لبرالها خواهان باز شدن جهنم دانشگاهی هستند. آنها نیز مانند حزبیه به گفته آیت الله خمینی کاملاً معنقدند که دانشگاهی که در آن کمونیست ها تسمارزه بپردازند، بنا بدیا رشود (مطوعات ۲۹ آذر)، اما آنها ضمن دادن برنامه برای مقابله با کمونیستها خواهان این با زکنا شی هستند چرا که آنها ب فکر تربیت متخصص برای سرما به داری وابسته هستند. چرا که اکثریست استادان دانشگاه (بجز معدودی استاد کمونیست و دموکرات) لبرال هستند و آنها با با زکنا شی دانشگاه در اندیشه تقویت موضع خود نیز در قبال حزبیه هستند.

واژه مهم تر آنها برای بریدن سر روی

امواج، ناراضی توده‌ها، تخصص زیادی دارند و چنین است که برای فریب توده‌ها، لفظاً آن

شعاری را که خواسته توده‌هاست، تکرار میکنند، (هر چند که محتوای مورد نظر لبرالها با آنچه توده‌ها میگویند از زمین تا آسمان متفاوت است) توده‌ها دانشگاه را برای اشاعه آگاهی و بعنوان سنگر آزادی و در خدمت جنبش میخوانند و لبرال ها دانشگاه را در خدمت سرما به داری وابسته آنها شعار مورد علاقه توده‌ها را تکرار میکنند تا خود را محق جلوه دهند و با زبانه‌های رذیله‌ها توده‌ها بسوی قدرت بلغزوند و در ضمن بسته بودن دانشگاه را موجب افزایش ناراضی توده‌ها و خطری برای حکومت میدانند، آقای با زرگان که در نصیحت کردن شاه خا شن تجربیات گرانبهای اندوخته است به حزبیه هشدار میدهد:

"معلوم است، وقتی شما بیش از صد هزار نفر جوان را که در سنین حداکثر جوش و خروش و تشنه فعالیت و دریا فت هستند، بیگانه روویلان خیا با ن خا نه میکنید، خودشان بیدر و مادرهایشان ناراضی میشوند و ق میزنند" (هانا) میبینید چه ترسی از انقلاب و ناراضی توده‌ها دارند این لبرالها! جالب اینجاست که حزبیه نیز ترسان از دانشگاه، بخاطر او جکیری انقلاب است. آیت الله خمینی به لبرالها که خواهان بازگشایی دانشگاه است میگوید "شم سیاسی ندازید!" (مطوعات ۲۹ آذر) چرا که این کار کمونیستها را رشد میدهد، و لبرالها نیز از همین زاویه به حزبیه می نازند که "بسته بودن دانشگاه موجب رشد کمونیستها میشود!" بهر صورت نه تنها در مورد دانشگاه بلکه در دیگر مسائل نیز، نه راه حل لبرالها و نه راه حل حزبیه، رژیم راجات نخواهد داد، زیرا ضد انقلاب در هرکمی که بر میدارد، بدست خویش کور خودش را میکند! "ورژیم نخواهد توانست مانع رشد انقلاب و کمونیستها گردد.

دمکراسی انقلابی چیست؟

آری، "دمکراسی" لیبرالها با دمکراسی واقعی مردم که تنها در آزادی سیاسی خلاصه نمیشود، فرسنگها فاصله دارد. "دمکراسی" لیبرالها مانند شیرینی بال و دما و شکم است. آنها از دمکراسی تنها چهره لوث شده آن را می شناسند.

۳- دمکراسی سیاسی، از دمکراسی اقتصادی جدا نیست.

نمی‌توان دمکراسی سیاسی وجود آورد، بدون آنکه حقوق دمکراتیک اقتصادی برای مردم ایجاد شود. دمکراسی سیاسی تنها بر مبنای تامین رفاه اقتصادی زحمتکشان، رفع ستم ملی از خلقها، ایجاد حقوق و امکانات مساوی برای بهره‌برداری به نفع زحمتکشان، جلوگیری از غارت و چپاول بی حد و حصر دسترنج کارگران، برقراری ۴۰ ساعت کار در هفته، افزایش دستمزد متناسب با هزینه زندگی، ایجاد کار برای بی -

آزادی "برای خلق ما سخن گفت. چنین عملی نه آزادی برای خلق ما بلکه اسارت و برده‌گی برای خلق ما و آزادی برای طبقه سرمایه‌دار ایران است که لیبرالها خود را از دستشان به همین دلیل است که با زرگان این سرمایه‌دار لیبرال، مصادره ملی کردن صنایع را توطئه شوم کمونیستها "میخواند، چرا که مصادره ملی کردن صنایع (نه آنچه رژیم می‌کند) حقیقتاً توطئه‌ای علیه منافع امپریالیسم است! بنا بر این: از نظر ما مبارزه برای کسب آزادیهای دمکراتیک از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

● کارگران زحمتکشی که در زاغه‌ها بسر می‌برند، نان شبش را نمیتواند در بریاورد و صبح ناشام برای در آوردن نغمه‌ای آن این دروآن در می‌زنند، چه وقت، حوصله فراغت خاطر او مکان خواهد داشت که به مطالبه‌هایش بپردازد، دارای عقیده‌های مستقل باشد و بتواند در امور سیاسی‌اش جامعه‌شراکت کند آری تنها با تامین حد اقل رفاه اقتصادی، توده‌های ستمدیده‌هاست که میتوان دمکراسی سیاسی واقعی را برقرار نمود.

کاران و تامین کلیه حقوق صنفی، رفع ستم مالکان و امپریالیستها از دهقانان و سپردن زمین به دهقانان، ملی کردن کلیه انحصارات بانکی، صنعتی و تجاری به نفع خلق و لغو قراردادهای اسارتبار که تنها منافع امپریالیسم را حفظ میکنند... تا مبنی میشود. آری تنها با برقراری چنین رفاه اقتصادی است که میتوان از دمکراسی به معنی وسیع کلمه (دمکراسی سیاسی و اقتصادی) سخن به میان آورد. اما لیبرالها که برای قریب مردم، خود را "سینه‌چاک" دمکراسی و آزادی معرفی میکنند، کوچکترین برنامه و نقشه‌ای برای تامین منافع اقتصادی زحمتکشان و ایجاد دمکراسی اقتصادی ندارند (و نمی‌توانند) - توانند اشته‌تاشند، و با لعن از آنجا که خود جز طبقه سرمایه‌دار ایران هستند هر چه بیشتر به فکرا افزایش استثماری کارگران و زحمتکشان و برکردن جیب خودشان هستند به همین دلیل است که بنی مدروهمها لکبها بش مرتب از "کار بیشتر"، "کوش بیشتر" و "افزایش تولید" و... سخن می‌گویند، ولی آنها کار بیشتر و تولید بیشتر برای سرمایه‌داران می‌خواهند آنها البته از "بازندگی" نیز سخن می‌گویند، اما با زندگی برای سرمایه‌داران، بازندگی برای ساختن آنچنان جامعه سرمایه‌داری است که طبقه سرمایه‌دار ایران را غرق در پول سازد. آنها از آزادی اقتصادی نیز سخن می‌گویند، اما آزادی اقتصادی از نظر آنها، آزادی رشد سرمایه‌های خودشان، آزادی گسترش روابط با امپریالیسم و آزادی غارت بیشتر دسترنج کارگران و زحمتکشان است، براساسی چرالبرالها تاکنون ذره‌ای از ضرورت و تامین منافع اقتصادی

۲- دمکراسی حقیقتاً انقلابی، تنها در آزادیهای سیاسی خلاصه نمی‌شود.

اینکه فکر کنیم دمکراسی تنها به معنی آزادی بیان، عقیده و... است اشتباه کرده‌ایم - دمکراسی یک مجموعه‌ای از حقوق توده‌های انقلابی است که نه تنها شامل آزادیهای سیاسی (حق بیان و اندیشه و...)، بلکه شامل برسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش یا بی‌اعتبارت دقیقتر رفع ستم ملی بر خلقهای دیگر برقراری حکومت انقلابی دمکراتیک از طریق شوراها و ملج کارگران و دهقانان و... است. اگر حکومتی بجای آنکه بطریق شورایی و یا توسط کنگره خلق از "پائین" به انکاء مردم حکومت کند، از طریق بوروکراتیک و از بالا "به دور" از مشارکت مستقیم و واقعی مردم حکومت کند، دمکراسی موجود در چنین حکومتی ظاهری بوده و واقعی نیست. لیبرالها چنین "دمکراسی" را به خلق زحمتکش ما توپید میدهند، یعنی حکومت از بالا و بدون دخالت مستقیم مردم. به همین دلیل است که لیبرالها دشمن سرسخت شوراها و واقعی هستند و آنرا "کمونیستها" می‌خوانند. و با زرگان و بنی مدروهمها لکبهای لیبرالشان با رها از ضرورت انحلال شوراها "کمونیستی" بودن آنها "با لخره" - "شورایی" شورا "حرف می‌زدند آنها و حجت دارند که خلق ما از طریق شوراها و انقلابی، در اداره مملکت نقش داشته باشد. لیبرالها می‌خواهند یک حکومت بوروکراتیک، قانونی (طبق قانون سرمایه‌داری) و با نظم و اداره (نظم و اداره سرمایه‌داران) وجود داشته باشد و به همین دلیل مردم را از دخالت در امور دولتی و مملکتی بر حذر میکنند و از "خلل" شوراها - های کارگری در امر مدیریت و تولید می‌نالند

در مقابل لیبرالیسم! بدشلولوی ضد انقلابی طبقه سرمایه‌دار! ما هیت ضد انقلابی لیبرالها و دروغین بودن فریادهای به اصطلاح آزادیخواهانسه آنها را توضیح دادیم. توضیح دادیم که آزادی از نظر لیبرالها در جامعه ما به معنی آزادی برای سازش با امپریالیسم است، گفتیم که بنی مدروهمها و لیبرالها "آنها به دلیل همراهی با توده‌ها بلکه به دلیل بخطر افتادن منافعی که توسط رقیب، بلندگشته است و هرگاه مبارزه توده‌ها اوج گیرد، اینان خود به مها رزیدن و سرکوب آن می‌پردازند. سرکوب کردن و ترکمن محاربه دوره نخست - وزیر با زرگان و ریاست جمهوری بنی صدر نیرگواه بارز این مدعا است. اکنون ببینیم که دمکراسی واقعی و آزادی حقیقتاً انقلابی چیست و مردم ما چه نوع دمکراسی را میخواهند؟ از نظر ما کمونیستها:

۱- مبارزه برای کسب آزادی از مبارزه برای استقلال جدا نیست.

حتما بارها شنیده اید که ما می گوئیم "مبارزه برای دمکراسی از مبارزه ضد امپریالیستی جدا نیست" این جمله بیان کاملتر رابطه مبارزه برای آزادی و استقلال در جامعه نظیر ایران است.

چگونه میتوان با دهها قرارداد اسارتبار اقتصادی، سیاسی و نظامی به امپریالیسم جنایت - کاروا بسته بود و با آزادی سخن گفت؟ چگونه میتوان ارتش دست پرورده امپریالیسم آمریکا را حفظ و با آزادی نمود و با آزادی سخن گفت؟ چگونه میتوان طبقه سرمایه‌دار وابسته به امپریالیسم را در غارت و استثماری دسترنج کارگران و زحمتکشان آزاد گذاشت و با آزادی آزادی برای مردم زحمتکش سخن گفت؟ چگونه میتوان سلطه امپریالیسم بر میهن ما را که مستلزم سرکوب هر چه خشن تر و شدیدتر خلقهای ایران است حفظ نمود و با آزادی سخن گفت؟ بنظر ما آزادی و دمکراسی واقعی در درجه اول به معنی آزادی از ستم امپریالیستی است که به خلق ما وارد میشود و این ستم امپریالیستی را نمیتوان از بین برد مگر با قطع سلطه امپریالیسم از میهن ما که تنها با برقراری دولت کارگران و زحمتکشان، مصادره ملی کردن املاک و کارخانجات سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم، حذف صنایع زاندا امپریالیستی، تا بود کردن ارتش دست پرورده امپریالیسم و جایگزینی آن توسط ارتش انقلابی خلق و... صورت می‌گیرد. بنا بر این برخلاف نظر لیبرالها، نمیتوان با منافع سیاسی امپریالیسم هم‌سوئی نمود، بزرگترین خواست امپریالیسم یعنی سرکوب کارگران و زحمتکشان را به اجراء آورد، ارتش دست پرورده را رشد و گسترش داد، از طبقه سرمایه‌دار وابسته به امپریالیسم پشتیبانی نمود و در یک کلام سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را حفظ و با آزادی کرد و با آزادی

۵- دمکراسی خلق، دیکتاتور برای ضد خلق است.

دموکراسی توده‌ای تنها رفاہ دموکراسی و استقلال را برای توده‌ها به ارمغان نمی‌آورد، بلکه دیکتاتور برای عداوت و انقلاب نیز هست. همان‌طور که گفتیم ما آزادی‌های اجتماعی را قدم بر آزادی‌های فردی می‌شماریم و از اینرو آزادی هر نیروی ضد انقلابی که بخواهد بر ضد دموکراسی خلق ضربه بزند جلوگیری کرده و او را سرکوب خواهیم کرد، بنظر ما نمیتوان دموکراسی واقعی را برپا کرد و آن را از تعرض و توطئه امپریالیسم و ضد انقلاب ممنون نگه داشت، مگر آنکه با یگانگی‌ها داخلی آنرا نبود نمود. ما معتقدیم که هر کس بر علیه منافع انقلابی خلق و برای تأمین منافع امپریالیسم در ایران دست به فعالیت بزند، با بدسروکوب شود از اینرو موافق سرکوب هر چه شدیدتر در روسته بختیار، و بیسی سالار جاف، بالیزبان، زرکاری، ملاکسان، فتودالها، طبقه سرمایه‌دار ایران و کلیه سرسپردگان امپریالیسم و همدستان آن و سایر ضد انقلابیون هستیم از اینرو ممکن است عده‌ای بگویند که آنچه که ما نیز می‌گوییم دیکتاتور است، پس چه

اعتصاب... برای زحمتکشان و کلیه نیروهای خلقی، تا مین برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برسمیت شناختن فعالیت آزادانه و مستقل تشکیلات صنفی و سیاسی کارگران، دهقانان، خلفا، و کلیه نهادهای دمکراتیک، آزادی خلفا در تعیین حق سرنوشت خویش، تضمین آزادی سر - بازان و درجه‌داران تحت نظام شورائی، آزادی مطبوعات انقلابی و مترقی و آزادی دخالت در اداره کشور توسط انتخاب نمایندگان شورا - های انقلابی خلق ...

آری ما در چپا چوب این آزادی‌های اجتماعی دمکراتیک است که آزادی فردی را برسمیت می‌شناسیم. ما فرد را بر اجتماع مقدم نمیدانیم و از اینرو آزادی فردی که مغایر با منافع توده‌ها و اجتماع باشد شدیداً مخالف ما کمونیست‌ها آزادی بیان، عقیده، قلم و سایر آزادی‌های فردی را در چپا چوب آزادی‌های اجتماعی قابل حمایت میدانیم. این ترتیب ما آزادی عقیده بیان و قلم برای فردی ضد انقلابی (نظیر بختیار و لیبرالها و امثالهم) را آنجا که مغایر با منافع عمومی زحمتکشان میدانیم برسمیت نمی‌شناسیم

بر خلاف تبلیغات لیبرالها و کلیه امپریالیستها، ما کمونیست‌ها مخالف آزادی فردی نیستیم اما مخالف همه نوع آزادی فردی هستیم. ما آزادی اجتماعی را بر آزادی فردی مقدم می‌شماریم چرا که تنها در پرتو آزادی‌های اجتماعی است که دمکراسی سیاسی واقعی مستقر میشود.

فرقی با دیکتاتور سرمایه‌داران و وابسته به امپریالیسم دارد؟ در جواب باید بگوییم سوال دمکراسی برای همه انسانها نمیتواند یکسان باشد. فریبکاری بورژوازی و همان لیبرالیسم دروغین و ظاهری آنهاست. ما می‌پرسیم مگر خلق و ضد خلق انقلاب و ضد انقلاب منافع مشترکی دارند که دموکراسی بتواند برای هر دو آنها باشد حکومتی که ضد خلق می‌خواهد، دمکراسی دروغینی که لیبرال‌های ضد انقلابی آن دم می‌زنند، همان‌طور که گفتیم دیکتاتور برای کارگران و زحمتکشان است و متقابلاً دموکراسی انقلابی که خلق بدنحال آن است، مخالفت و دیکتاتور بر ضد خلق است.

۶- تضمین کنند دموکراسی تسلیح مستقیم توده‌هاست.

گفتیم که حفظ دمکراسی برای خلق، مستلزم سرکوب ضد خلق است از نظر ما کمونیست‌ها، حفظ دمکراسی و حاکمیت مردم تنها از طریق برپا داشتن شوراها و مسلح کردن کارگران، دهقانان، سربازان و... ممکن است. باید جای سلسله مراتب در ارتش شوراها، سربازان برقرار شود با بدسروکارخانه‌ها، مزارع و روستاها و خلاصه همه جا شوراها و مسلح خلقی وجود داشته باشد تا بتوانند در برابر ارتش و زوات امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی، به دفاع از انقلاب و حکومت انقلاب و دمکراسی توده‌ای برخیزند و توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع را درهم شکنند، ما لیبرالها

اما از نظر لیبرالها "آزادی فردی" ضد انقلابیون باید تأمین باشد، فی‌المثل بختیار نیز باید آزادی داشته که فعالیت کند (نگاه کنید به نظرات بازرگان و مدنی در باره بختیار که می‌گفتند، به عقیده آنها افسردلاق و ما دقسی است و باید حق بازرگت به کشور داده شده باشد) از نظر لیبرالها، آزادی فردی برسمیت شناخته میشود، منتها به شرطی که نظم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم مورد تهدید قرار نگیرد. لیبرالها برای آزادی فردی سینه‌چاک میکنند، اما آنها از آزادی انقلابیون و کمونیست‌ها و آزادی‌های اجتماعی به نفع زحمتکشان بیزارند. آنها از منحل شدن اطلاعات کورکورا نه در ارتش و ایجاد سیستم رهبری انتخابی در ارتش، ایجاد شوراها و انقلابی سربازان و... بیزارند، از وجود شوراها و واقعی کارگری که منافع آنان را با خطر می‌اندازد بیزارند، از برسمیت شناختن آزادی حق تعیین سرنوشت برای خلق‌های کرد، ترک، عرب، ترکمن، بلوچ و... بیزارند، از آزادی گروه‌های انقلابی ضد سرمایه‌دار (کمونیست‌ها) بیزارند از قانون شکنی آنها (عدم وفاداری کمونیست‌ها به قوانین ارتجاعی و بورژوازی) بیزارند و خلاصه از هر چه که منافع آنان را به خطر بیندازد، بیزارند آنها از اذیت فرد دفاع میکنند، آنها فردگرایی را تبلیغ میکنند، چرا که حیثیتشان در گرو مالکیت فردی (خصوصی) بر سرمایه و وسائل تولید است، چرا که اگر مالکیت فردی فلان سرمایه‌دار را زکارت خانه برچیده شود، منافع آنان بر باد میرود.

زحمتکشان ایران سخن نگفته‌اند؟ چرا هیچ سرمایه‌های به نفع مردم زحمتکش برای حائل مسئله کراسی، بیگاری، فقر و فلاکت توده‌ها و... نداده‌اند؟ چرا علمبرغم برخی عوام مغربسی‌ها مانند دفاع از مستضعفان "کوچکترین قدمی در راه زحمت - کشان شوانسته اند بردارند؟ آیا به جز این است که منافع آنان (سرمایه‌داران لیبرال) نهدر نامین منافع زحمتکشان، بلکه در تضاد استعمار آنها و تشدید فقر و فلاکت توده‌هاست؟ آیا به جز این است که آنها بنا به ما هیت ارتجاعی خود نمیتوانند کوچکترین قدمی در راه هابردارند؟ آری به همین دلیل است که در سخنان "آزادخواهان" آنها سخن و سرمایه‌های برای تأمین منافع اقتصادی زحمتکشان نیست و نمی‌توانند هم باشد.

ما کمونیست‌ها که بیکبیرترین دموکراسی انقلابی را برای مردم مستمیده خود بنویسیدیم تا مین رفاہ اقتصادی زحمتکشان را نیز جز - لاینفک تا مین آزادی‌های دمکراتیک میدانیم چه معتقدیم اگر زحمتکشان ما در بدترین شرایط زندگی بسر ببرند، آزادی بیان و عقیده و حق رای و غیره به چه دردشان می‌خورد، کارگرو زحمت - کشی که در زاغه‌ها بسر میبرد، نان شیش رانمی - تواند در دنیا وارد صبح ناشام برای در آوردن لقمه‌ای نان این دروآن در میزند، چه وقت حوصله فراغت خاطر او مکانی خواهد داشت که به مطالعه بنشیند، دارای عقیده‌ای مستقل باشد و بتواند در امور سیاسی جامعه شرکت کند؟ آری تنها با تأمین حداقل رفاہ اقتصادی توده‌های مستمیده است که میتوان دمکراسی سیاسی واقعی را برقرار نمود.

۴- آزادی‌های اجتماعی بر آزادی‌های فردی مقدم است.

بر خلاف تبلیغات لیبرالها و کلیه امپریالیستها ما کمونیست‌ها مخالف آزادی فردی نیستیم، اما مخالف همه نوع آزادی فردی هستیم. ما آزادی اجتماعی را بر آزادی فردی مقدم می‌شماریم چرا که تنها در پرتو آزادی‌های اجتماعی است که دمکراسی سیاسی واقعی مستقر میشود و در پرتو آزادی‌های اجتماعی است که آزادی فردی مفهوم واقعی خود را پیدا میکند و استعدادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کوفتا مگر گردد و... ما آن آزادی فردی را که مخالف و مغایر با منافع اجتماعی باشد، البته که برسمیت نمی‌شناسیم فی‌المثل مسا آزادی دستجات لیبرالها، دارو دسته بختیار و کلیه نیروهای ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم را برسمیت نمی‌شناسیم و آزادی فردی که معنایش آزادی بودن در هر نوع فعالیت ضد انقلابی در جهت همدستی با امپریالیسم است تا برای بر منافع زحمتکشان میدانیم و به پیوجوه از آن حمایت نمی‌کنیم از اینرو ما رزمه ما برای دمکراسی و آزادی‌های دمکراتیک، عمدتاً متوجه آزادی‌های اجتماعی است. ما ننند آزادی فعالیت گروه‌های انقلابی، آزادی اجتماعات، راهپیمایی

عبه در صفحه ۲۰

بقیه از صفحه ۱

اینک مدت نسبتا طولانی است که بیکمترین نیروهای جنبش کمونیستی ما به برکت یک مبارزه ایدئولوژیک نسبتا فعال، تزهائی نظریا زمان واحد، اشتغال، مبارزه ایدئولوژیک - همکاری و... را در کرده و امروز دیگر کسی نیست که حد اقل در حرف و صریحا از جنبش تزهائی دفاع کند. دیدگاه اشتلاف که زمانی طرفداران پروپا قرصی داشت و نگرش مشخصا راست و انحلال طلبانه از وحدت جنبش کمونیستی را عرضه مینماید و جلوه های آن، "کنفرانس وحدت" "دانشجویان مبارز"، "تشکیلات دوران گذار" بود، هم اکنون در عرصه مبارزه ایدئولوژیک کاملا بی اعتبار گشته و در عرصه هممل کاملا به بین بست رسیده و ورشکسته شده است.

تجربه این دوساله به اندازه کافی نشان داد که جنبش دیدگاهی تا چه اندازه سودمانعی در راه وحدت کمونیستها ایجا دکرده و چگونه در مبارزه ایدئولوژیک برای وحدت جنبش کمونیستی اختلال می نماید. این تجربه همچنین نشان داد که وحدت نیروهای جنبش کمونیستی فقط از کاتالیک مبارزه ایدئولوژیک مستمر و پیگیر حول مسائل شوریک و عملی انقلاب و در متن پراتیک انقلابی حاصل میشود.

ما با چنین درکی از وحدت جنبش م- ل و با علم به اینکه در بسیاری از مسائل اساسی انقلاب وحدت داشتیم، برای حل مسائل مورد اختلاف و تدقیق مسائل اساسی وارد پروپاقرص مبارزه ایدئولوژیک درونی برای دستیابی به وحدت شدیم. طبیعتا می بایست، چه مسائلی که در کلیت خویش مورد توافق بود و چه مسائلی که محل آنها میا موردا اختلاف بود، دقیقا و بصورت همه جا نبه ای به بحث و بررسی بگذاریم. پراتیک دوساله اخیر بهترین زمینه ای بود که مسائل سیاسی و ایدئولوژیک را نه بر اساس آنچه که ادعا میشود بلکه بر اساس آنچه در عمل تحقق یافته است، مورد ارزیابی و برخورد قرار دهیم. این مبارزه ایدئولوژیک که بیش از ۶ ماه بطول انجا میدنقش مثبتی در نزدیک بنماید دیدگاهها ایفا نمود.

البته ما هیچگاه با این درک حرکت ننمودیم که وحدت خویش را با بحث و گفتگو تحقق بخشیم. همانطور که گفتیم پراتیک گذشته و بخصوص شرایط متحول جامعه و جنبش که نیروها را در مقابل تندپبجهای سخت و تعیین کننده ای قرار میدهد، خود زمینه وحدت ما را در بسیاری از مسائل اساسی نشان داده بود. ما نمی بایست و هرگز هم اصولی نبود که درباره مسائل اساسی شوریک و نظرات با به ای به بحث و گفتگوی درونی نشسته و بخواهیم از این طریق به وحدت برسیم علاوه بر مباحث عمومی سیاسی - ایدئولوژیک مسائلی چون ماهیت طبقاتی هیات حاکمه، قضیه سفارت، مسئله جنگ و... از جمله مسائلی



بودند که به بهترین وجهی وحدت یا اختلاف ایدئولوژیک سیاسی ما را نشان داده و بعنوان محکی در ارزیابی ما از مباحث سیاسی - ایدئولوژیک در عمل قرار میگرفت، طبیعی بود که هرگاه، مثلا در جنگ اخیرا اختلاف اساسی بین ما بوجود میامد، از آنجا که این اختلاف جلسهای از اختلاف در مباحثی بشمار میرفت، دیگر ضرورتی در پیگیری و ادامه مبارزه ایدئولوژیک درونی برای وحدت نبود و کاتالیک به مبهم مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش کمونیستی مرتبط میگشت. ما معتقد نبودیم و بر این اساس نیز حرکت ننمودیم که با اعتراف به یکسری از مواضع وحدت خویش را صورت بدهیم. ما از این نقطه حرکت ننمودیم که برنا مه وظیفه مئی و آن مباحثی سیاسی - ایدئولوژیک که می بایست با به وحدت قرار گیرد، در عین حال میبایست در طول یک پروپاقرص و در جریان پراتیک انقلابی، مجموعا انطباق خویش را نشان داده و با از طریق یک انتقاد دریشه ای و اساسی زمینه نزدیکی وحدت فراهم شده باشد. با حرکت از درک فوق از امر وحدت، ما وارد درپروپاقرص مبارزه ایدئولوژیک درونی و در عرصه های سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی شدیم. در این مسیر علیرغم اینکه ما اختلافات مشخصی در زمینه ارزیابی از حرکت آینده خرده بورژوازی مرفه و برخی اختلافها در چگونگی ویرسیمب همکاری بین نیروهای جنبش کمونیستی داشتیم، اما بدلیل فراهم بودن زمینه های اساسی وحدت و با توجه به اینکه در مبارزه ایدئولوژیک نیز دیدگاههای ما در زمینه های مورد اختلاف به هم نزدیک شده بود، وحدت را ضروری دانستیم و آن اختلافات را مانعی در جهت وحدت تلقی ننمودیم و آن را به مبارزه ایدئولوژیک درونی در سازمان پیکار محول نمودیم.

قابل ذکر است که در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی و سازمان پیکار (بصورت برخورد های دوطرفه) و مبارزه ایدئولوژیک درون گروهی، رفقای پیکار خلق به اشتقاقات مشخصی از گذشته خویش دست یافته و تحلیلی از این اشتقاقات در آخرین نظرات درونی خویش ارائه نمودند. این رفقا در تحلیل خویش به بررسی راست روی (انحراف راست) در فعالیت خارج از کشور (بصورت ارائه تز نیمه مستعمره - نیمه فئودال و شرکت نداشتن در

پراتیک مبارزات انقلابی داخل کشور) و انحراف راست اکونومیستی در داخل کشور پرداخته و آن را مورد انتقاد قرار دادند. جلوه های انحراف اکونومیستی و انحلال طلبانه رفقا در مسئله دانشجویان مبارز - هسته های کارخانه، قبول موقتی تشکیلات دوران گذار و بحران درونی گروه تبارز یافته بود.

مباحثی و مباحثی ایدئولوژیک - سیاسی این وحدت عبارت بودند از:

- ۱- مبارزه با رویزونیسم مدرن
- ۲- رد تز ارتجاعی و رویزونیستی سه جهان
- ۳- رد تزوتسکیسم
- ۴- رد مشی چریکی
- ۵- قبول تز سوسیال امپریالیسم بعنوان یکی از مباحثی وحدت و عضویت
- ۶- دیدگاههای وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب طبقه کارگر
- ۷- ساخت جامعه آرایش طبقات، مرحله انقلاب بزنا مه حداقل پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک ایران و جمهوری دمکراتیک خلق
- ۸- مباحث تاکتیکی و مشی مبارزات سیاسی و ارزیابی از احزاب بورژوازی
- ۹- ماهیت بورژوازی و ارتجاعی هیات حاکمه
- ۱۰- اساسنامه

در مورد ادغام تشکیلاتی، بعد از مبارزه ایدئولوژیک بر سر مسئله معیارهای عضویت موضع سازمانی، رفقای پیکار خلق بر اساس معیارهای سازمان پیکار در کمیته مشترکی که از نمایندگان دوطرف تشکیل شده بود، بر اساس توافق طرفین مورد ارزیابی قرار گرفته و در تشکیلات سازمان پیکار زمانه تعیین شدند.

گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (پیکار خلق)

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۱۳۵۹/۱۰/۱۶

خبری از خرمشهر

اخیرا شرکت ایران و ژاپن که بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر کارگر و کارمندان دارد، به ۸۰٪ کارکنان خود حاکمی مبنی بر مرخصی اجباری داده است مدت این مرخصیها نامحدود بوده و در احکام مزبور صحبتی از پرداخت حقوق و مزایای کارگران نشده است. همچنین روسای این شرکت از کارکنان خواسته اند تا کمپنها تخلیه کنند و این درحالیست که اغلب کارکنان این شرکت که از اهالی آبادان و خرمشهر هستند، خانواده های جنگزده خویش را به کمبند کور آورده اند. صدور این احکامها اعتراض و مخالفت کارکنان مواجه گردیده است.



پیش سوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

شیراز: آوارگان دست به مبارزه میزنند

گروهی از آوارگان مستقر در شیراز، در جاده‌های اسکان یافته اند که اکثر آنها سوراخ و یا باره هستند و به همین جهت هنگام بروز باران داخل و خارج چادرها و تنگ‌های برای آنان ندارد. آوارگان مستقر در شیراز همچنان از نظر مواد غذایی و پوشاک نیز در مضیقه هستند. برای اعتراض به وضع نامسا من حاکم بر اردوگاه آوارگان، نود و هفت تن از آنان روز ۲۲ آذرماه دست به تظاهرات اعتراضی میزنند که از طرف برادران ارتجاع سرکوب می‌شود. مبارزه آوارگان جنگ و افشاکاری کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی عوام‌فریبی‌های جمهوری اسلامی را که تحت فشار نود و هفت تن دروغین حمایت آوارگان را بلند کرده، بیش از پیش افشا می‌کند.

اخبار جنگ

ارتش جمهوری اسلامی و موشک سام شوروی

اخیراً ارتش جمهوری اسلامی به موشک‌های زمین به هوای سام ۳ ساخت سوئیسال امیرالیسم شوروی مجهز شده است. این موشکها ۲۶۰ هزار تومان قیمت دارند و پس از یکبار تیراندازی فقط "چکانده" آن میماند که برای استفاده مجدد با بدروا نه شوروی کردند.

رژیم جمهوری اسلامی همزمان با خرید سلاح از امیرالیست‌های غربی خود را به تسلیحات ساخت شوروی نیز مجهز می‌نماید تا بیش از پیش این واقعیت را که حفظ منافعی طبقاتی ارتجاع "هم شرقی و هم غربی" را می‌طلبد اثبات نماید.

باز هم مصیبت‌های جنگ برای زحمتکشان

ادامه جنگ ارتجاعی بین رژیم‌های ضد خلقی ایران و عراق برای زحمتکشان جز فقر و بدبختی نصیب دیگری نداشته است. اخیراً ستاندار چهارم حال بختیاری سه کلیه "شوراهای" روستاها (شورا!) ابلاغ کرده است که "بعلت موقعیت جنگی کلیه برنا مه‌های عمرانی قطع شود". رژیم جمهوری اسلامی برای تا مین هزینه‌های جنگ خانمان بر انداز، آن مقدار رنج‌رشی کار عمرانی را هم که برای عوام‌فریبی در برنا مه‌ها پیش‌تر ردا ده بود حذف مینماید. مهم آن است که منافع سرما به داران حفظ شود که در این جنگ هم محفوظ است. از "کهرنگ" ۸ نشریه‌ها داران سازمان در چهارم حال بختیاری (با اندکی تغییر)

آوارگان جنگ مسبب در بدریشان را می‌شناسند

هر چه از آغاز جنگ ارتجاعی دور می‌شویم، ماهیت فریبکارانه و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، بهتر و بیشتر برای توده‌های جنگزده افشا می‌شود.

روز هجدهم ماه گذشته، برادران ارتجاع در ادامه سیاست سرکوب دانشجویان انقلابی، به خوابگاه دانشجویی در خیابان "تجارت الهی" حمله کردند و کوشیدند بی‌پناه فریبکاران "اسکان آوارگان جنگ" را در اختیار گرفته و دانشجویان را بیرون بریزند ولی با مقاومت دانشجویان مواجه شدند و طبق معمول به اسلحه پناهنده شدند که آرم‌گاری از پیش نبرد! بعداً ظهرها سرور "کمیته"‌های مرتجع با تفاق یک خانواد آواره جنگ مجدداً به خوابگاه برگشتند و گفتند "اطاق‌های خالی را برای اقامت آوارگان در اختیار ما بگذارید" دانشجویان ضمن افشای ماهیت رژیم سرکوب خانواد جنگزدهگان توضیح دادند که چگونه ارتجاع می‌کوشد از وجود آنان سوء استفاده تبلیغاتی نماید. زن زحمتکش آواره‌ای پاسخ داد که "ما قبلاً چند باره "کمیته" مرا جمع کرده و هر بار سرمان به سنگ خورده بود. به همین جهت مستقیماً با یکی از دانشجویان تماس گرفتیم و گفتند که ما بی‌توانند اطاق‌های در اختیار ما بگذارند و الان هم در بین راه، اینها (ایشان) به کمیته‌های (همراه) ما راه افتادند و ما کاملاً به هدف اینها آکامیم." اینها اگر میخواستند

راهپیمایی زحمتکشان بهبهان در اعتراض به گرانی

با شروع جنگ غیرعادلانه کنونی علاوه بر شدت گرفتن بیکاری و گرانی، خانه‌خوابی و بدبختی نیز به مشکلات زحمتکشان افزوده شد. زحمتکشان بر اثر "برکت" این جنگ حامل بسک عم‌خود، یعنی خانه‌وزندگی و کارشان را از دست دادند. رژیم‌ها تنها به این زحمتکشان هزینه‌ای با بت زندگی نپرداخته بلکه هر روز قیمت اجناس را افزایش داده و با رنگین‌نام عوارض جنگ را بر دوش زحمتکشان انداخته. (انتظاری که از رژیم ضد خلقی میرفت) اما زحمتکشان که در زندگی روزمره بی‌برده اند رژیم‌ها می‌آنها نیست و دارندشان را به دود و آتش سپرده، فریاد اعتراض خود را در همه جا بلند کرده‌اند. در حدود ساعت ۹/۳۰ صبح روز ۱۰/۱۰/۵۹ عده ۱۰۰ حدود ۲۰۰ نفر از زحمتکشان آواره و بومی بهبهان بعنوان اعتراض به گرانی قیمت روغن دست به تظاهرات زدند و پس از فریاد ارتجاع رفتند. آنان در طول راه شعارهای "روغن ۲۹ تومانی گرونه، گرونه" "مرگ بر گرانی فروش مرگ بر سرما به دار" را می‌دادند. تا اینکه به فرمانداری شهر رسیدند. برادران سرما به با سلاح‌ها پیشان

مشکل آوارگان رسیدگی کنند در شیراز رژیم با پیشان آب زخمی کردند، به آنها توهین نمی‌کردند. در اصفهان با آنها بدرفتاری نمی‌کردند و... و "اینها بفکر این مشکلات نیستند! آن در شهرستان آوارگان در خطر انواع سرما به‌ها هستند و دولت کوچکترین اقدامی نمی‌کند." دانشجویان توضیح دادند که با وجود هزاران

آبارتمان خالی در تهران، چرا آوارگان را اسکان نمی‌دهند. زن آواره‌ها داد: "ای بابا اینها راه من نکوشید، اینها اگر میخواستند تمام خوزستان را در شهرک اکباتان می‌توانستند جا بدهند ولی اینها می‌ترسند که آوارگان به تهران بیایند و به همین خاطر آنها را به

جنگ غیرعادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

تظاهرات و راهپیمایی جواب آوارگان به تبلیغات دروغین رژیم

در ماه شهر

در روز ۹/۲۷/۹۰ در کمپ "ب" رژیم مثل همیشه به زحمتکشان و آواره لوبیای فاسد و کندیده میدهد، بطوریکه کلیه کسانی که آنرا خورده بودند دچار مسمومیت میگرددند. در همین روز روز بعد ۹/۲۸/۹۰ در حالی که باران شدیدی نیز باریده بود آب و برق کمپ نیز از طرف مسئولین قطع میگردد این مسائل موجب برجستگی بیش از پیش بدبختی و رنج و درد آوارگان میگردد.

در روز ۹/۲۸/۹۰ نما بندگان هر دیس (L-Q) ساعت ۱۱ برای تحویل گرفتن غذا به آشپزخانه میروند و مطلع میگرددند که حیره آوارگان خالی است. با مشورت تصمیم میگیرند هر نما بنده به ردیف خود سرکشته و مردم را برای گرفتن جیره به طرف آشپزخانه روانه نکنند. مردم از هر طرف بسوی آشپزخانه آمدند. آنان خشمگین و ناراحت میگفتند "آب و برق را که قطع کرده اید، غذا هم که لوبیای فاسد و نان خشک میدهید. پس بگوئید که میخواهید ما را به کشتن بدهید." عده ای می گفتند: "در آشپزخانه را با زنجیرها خودمان کار کنیم". مسئولین در مقابل اعتراض مردم خشمگین که در حال اوچگیری بود ترجیح میدادند سکوت کنند. مردم خشمگین شروع به دادن شعار "عالی پور، عالی پور، عالی پور، عالی پور، عالی پور" (عالی پور مسئول آشپزخانه کمپ است) "جیره حق مسلم ماست نمودند و سپس دست به راهپیمایی زدند تا به خیابان اصلی کمپ "ب" رسیدند. جمعیت حدود ۳۰۰ نفر بود که همه یکجا فریاد میزدند "شماره ۲ آواره، نان، نمک، آزادی"، "آواره، آواره" خواهان قطع جنگ است. زنان در حالیکه بچه های کوچکشان را در بغل داشته و عده ای طرفیهای خالی غذا را بر سر دست گرفته بودند، بطرف در

خروجی کمپ حرکت کردند. تصمیم گرفته شده نزد فرماندار سربندرز و جمعیت در حالیکه یکسره شعار میدادند بطرف سربندرز حرکت کردند در سربندرز "شماره ۱" تعداد، تعداد، آواره، آواره، آواره، آواره" را میدادند. تعدادی از آوارگان مستقر در سربندرز نیز صف را همپا با آنها پیوستند.

جمعیت در باغ شهرداری توقف کرده و سه نما بنده برای صحبت با فرماندار را انتخاب کردند فرماندار این نما بنده و محری رژیم جمهوری اسلامی نما بندگان مردم را "خلالگر" و "فاسد انقلاب" خوانده و آنان را با عنوان نما بنده مردم قبول نمیکند!! (حتما خودش را نما بنده مردم میدانسته)، یکی از نما بندگان این مسئله را به اطلاع مردم میرساند و مردم با تاخیر دوباره نما بندگان از این عمل فرماندار ریشه خشم آمده و با شعار "فرماندار را بدجواب بگوئید" به سوز فرماندار میروند و به این ترتیب توطئه فرماندار و ایا دیش که قصد تفرقه افکنی بین مردم و نما بندگان شان داشتند را نقش بر آب میکنند.

فرماندار نیز ما بنده مردم را از رژیم همان سیاست همیشگی را بازی کرده و با گفتن این که "ما کمبود مکانات داریم"، "با بیست جیرفت بروید، از غذا و بهداشت خبری نیست" خیال خود را با مبالغه راحت کرده و جمعیت را ترک میگوید.

جمعیت با شعار "فرماندار فراری با بیست جواب بگوئید" مدت محکمی برده ان آقا ی فرماندار و دیگر مسئولان رژیم میکوبند، بخشدا را در میانی میکنند تا بدبا یکسری موعظه ها خشم مردم را فرو نشاند و طبق معمول به جنگ و... متوسل می گردند که ما زهمی تا شربود و ناچار میشوید خواسته های آنان را قبول کرده و بطور کتبی بپذیرد که سه نما بنده، منتخب مردم هستند و قرار میشود االی کمپ ۲ نفر دیگر نیز انتخاب نما بندگان این ۵ نفر را موزیع غذا، پوشاک ا مور بهداشت و... نظارت داشته باشند. آوارگان بعد از این پیروزی که دستاورد اتحاد و مقاومتشان بودا رخشا را برای بازگشت به کمپ وسیله نقلیه گرفته و با شور فراوان به کمپ بازمیگردند.

نقل از فریاد آوارگان شماره ۹
کمپ خوزستان

بقیه از صفحه ۱۸ بنی صدر...

قدرت بخرد، ادعاهای دروغین او تنها برای تکبر و قدرت است و نه برای توده های مردم کارنا نه فوق کونه کوچکی از خسانتهای اوست او هرگز قابل اعتماد نبوده و نمی تواند باشد. بنی صدر متحد دوست امیرا نیست و دشمن زحمتکشان است و با بدهم چون دشمن با او و همپا لکی ها پیش بر خورد شود.

"سازمانی بنام پیکار نشر به ای (ندای آواره از کمپت اسفهان سازمان) بخش کرده که همه اش در به راه وضعیت ما آواره های دانگانه نوشته، خیلی خوبست تمام مسائل را بازگو کرده، از بدبودن وضع غذایی که همه شتون و پشیمیدهند و تمام چیزهای نوی دانگانه را نوشته تنها اینها هستند که بفکر ما میباشند به قربان سازمان پیکار".
ب نقل از "فریاد آوارگان" ۹ (کمپ خوزستان)

جا های برتی مثل جیرفت میفرستند که هر بلائی بتواند سرشان را بیاورند و کسی نفهمد و اگر لازم هم تدبیر کار را ببینند.

مزدوران کمپت که اوضاع را "تا مساعد" دیدند با تهدیدات توخالی، خوابگاه را ترک کردند. موقع رفتن آنها، خانواده جنگ زده کمپت که الان میروند و در روزنامه ها میمان می نویسنند که آوارگان را رانندند (!) و رویش تبلیغ میکنند!

سیرا و جکیرنده مبارزات و فعالیت آگاهانه کمونست ها و نیروهای انقلابی، توده ها را بیشتر و بیشتر آگاه خواهد کرد و آنگاه که جنبش صحنه های زیبائی که مزدوران ارتجاع بزدلان را هفرا را پیش میگیرند زبیا دترو زبیا دتسر خواهد شد و طولین فریادهای خشم توده ها محکمتر و موثرتر جنبش باد!

پای صحبت زحمتکشان آواره

اصفهان

در روایتی که بطرف خوابگاه ها دانشجویی دانگانه صنعتی اسفهان میرفت عده ای از آوارگان با هم به صحبت نشسته بودند. زنی میگفت "ما آواره ها با یکدیگر اتحاد نداریم، هنگامیکه شرب آب سرد را قطع میکنند ما اعتراض نمیکنیم و تازه بعد از چند روز بفکر میباشیم که راستی آب سرد را قطع کرده اند. ما همه آواره ایم، از یکجا آمده ایم و یکجور بدبختی و ظلم بر ما میشود. ما با بدبا هم متحد میباشیم، اگر متحد میباشیم هر بلائی دلشان بخواد هدیر ما میورند."

زن دیگری میگفت: "خوابگاه پر شده از جاسوس، اصلا نمیتوان حرفی زد، تا حرفی میزنیم به گوش نیابتی (معاون استاند) که در دفتر ایداد خوابگاه همیشه حضور دارد) میرسد، اینقدر جاسوس دارند که نیابتی گفته "من از هر لقمه ای که شما میخورید خبر دارم" تا رگبها یک نفر را به جرم مخالفت با رژیم و شعار نویسی گرفته اند مگر ما آزادی نداریم! آزادی عقیده با وجود داشته باشد. از روزی که خونده روی کسار آمده اند و وضع ما بدتر شده هر روز که میگذرد ما بدبخت تر میشویم" و با عصیان نسبت به رژیم حرف میزد. در ادامه گفت: "نیابتی به من میگوید: "پسرتو سش با لای ۱۵ سال است با بد خوابگاه را ترک کند، در غیر اینصورت بنای به تعهدی که داده ای با خانواده مجبور به ترک خوابگاه میباشی" من حاضر به ترک این محل نیستم، چرا که این ساختمانها با خون و عرق ما مردم بدبخت بالا رفته و گرنه اینها (نیابتی و خراسانی) که کارهای نبودند، دانگانه ها عسک مردم زحمتکش با لا رفته و چون مال خودمان است حاضر به ترکش نیستیم. زن دیگری ادا مه داد:

مبارزه علیه جنگ راه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

بقیه از صفحه ۹ بنی صدر...

از طرف حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی ، کاندیدای نمایندگی مجلس خبرگان میشود و با تهیه پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی نقش مستقیم در تدوین قوانین ضد انقلابی بر علیه زحمتکشان ایران دارد. بعدها در جنگ قدرت با حزبی ها و با رها تا کید میکند که به ولایت و فقیه ایمان دارد و بدان رای مثبت داده است.

پس از اشغال لانه جاسوسی ، به وزارت امور خارجه منصوب میشود و چون کوشش برای آزادی گروگانهای جاسوس بودا میریالیسم آمریکا شکست میخورد ، استعفا میدهد.

او که پس از ورود به ایران کوشیده بود حتی المقدور در پشت پرده ایمان ندانند مردم شرکتش را در اقدامات جنایتکارانه دولست با زرگان نبینند ، با لافها فریفتن توده ها ، دامین زدن به توهم آنان به ریاست جمهوری انتخاب میشود.

او پس از انتخاب سریع شروع به با زسازی سرما به داری وابسته میکند و در نتیجه دروغها و عوامفریبی ها بیش از پیش آشکار میشود.

او پیش از این دم از اقتصاد توحیدی - و مخالفت با سرما به داری میزد تا توده ها را کول بزند ، اما تمام سیاستهای اقتصادش همواره در جهت حفظ و تحکیم سرما به داری وابسته به امیریا - لیم بوده است.

او همواره و بخصوص پس از ریاست جمهوری به دفاع ، تحکیم و با زسازی ارتش ضد خلقی شاهنشاهی پرداخته است ، پرسنل انقلابی ارتش را محکوم کرده و از سلسله مراتب ارتجاعی ارتش که در حقیقت با دگمستشاران آمریکائی است ، حمایت کرده است ، او از فرماندهان ارتش شاه خاشن یعنی فلاحیها ، ظهیرنژادها و با قریهها دفاع کرده و حتی کوشیده است تا افرادی چون با قری و دیگر کودتایان ارتش را از زندان آزاد کند و همچنین به خرید سلاح از امیریا لیمت - ها پرداخته و در یک کلام کوشیده است ، ارتش دست پرورده آمریکا را که در قیام بهمن ۵۷ ، ضربه دیده بود ، با زسازی کند.

او فعلا لانه به سرکوب خلق قهرمان کردید است و وقت احترا به آنجا رسد که در سخنرانی به مناسبت سالروز و زحمتکشان جمهوری اسلامی در فروردین ۵۸ گفت : " از همین لحظه ارتش حق ندارد بیوتین از پای در آورده ، مگر آنکه آن خطه از وجود ایمن یا غیبا (منظور خلق دلاور کرد و پیشمرگه گان قهرمانش است - پیکار) پاک کند ، خلع ... " جنایات بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی را در کردستان هرگز فراموش نخواهد کرد.

بفرمان او و دیگر جناحهای رژیم ، ارتش ضد خلقی ، ترکمن صحرا را به خون کشید ، او با جنایات راتنها "ده در صدقا طبعیت" خویش اعلام کرد ، در مورد جنایات قبیح ترور رهبران خلق ترکمن ، بنی صدر و قیام نامه اعلام کرد ، آنها نباید ترور میشدند ، بلکه باید در بیدار دگم جمهوری اسلامی محکوم به اعدام گشته و قاتونان نیز با ران

میشدند .

او نیز در کنار حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی مسئولیت مستقیم جنایت "اول اردیبهشت" ، در دانشگاهها ایران کدهها دانشجوی کمونیست و انقلابی کشتار شدند را دارد . او فردای کشتار خونین دانشگاه در سخنرانی در دانشگاه تهران اعلام کرد ، این اولین روز رسمیت و قانونیت جمهوری اسلامی است آری از نظری بنی صدر ، کشتار دانشجویان انقلابی به جمهوری اسلامی رسمیت میبخشد .

او مدافع علنی و مستقیم میریالیستهای اروپائی و زاپین بوده و علنا از این امیریا لیستها دفاع کرده است ، او غیر مستقیم نیز با رها امیریا لیسم آمریکا دفاع کرده و کوشیده است تا منافع امیریا لیسم را در ایران حفظ کند . در اینجا لازم است بگوئیم ، برخی از مشاورین بنی صدر ، ریزیونیستهای خاشن سهجا نیها هستند و اساسا سیستم فکری او در ارتباط با مقوله دوا بر قدرت و اتحاد با امیریا لیستهای اروپائی ، از نظرات سهجا نیها تا شریذیرفته است .

او شدیداً به ضدیت با نیروهای انقلابی پرداخته است تا کنیک خاشنه خلع سلاح او ، که می خواست نیروهای انقلابی را وادار به پذیرش حرکت در چارچوب قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی بکند و نظام سرما به داری وابسته را به رسمیت بشناسد ، هدفی جز سرکوب نیروهای انقلابی نداشت . او در اسفند ۵۸ ، خاشنه به نیروهای انقلابی گفت : " خاشنه خاشنه شما را خواهیم کوبید و هیچ تعارضی با شما نخواهیم داشت . " (بنی صدر این سخنان را بلافاصله پس از کشتار رگنبد اظهار داشت .)

او و نه تنها با حق تعیین سرنوشت خلقهای کرد ، ترکمن و ... مخالفت کرد ، بلکه در ارتباط با سرکوبی تشکلهای توده ای کارگران اظهار داشت "شورای شورا" ، بدین ترتیب ما هیئت فدکا رگری خود را یکبار دیگر بنا بست نمود .

او تحت عنوان حمایت از "تخصی" ، کوشیده است ، تا سرسپردگان رژیم پهلوی و مدبران با تجربه زمان شاه را برای با زسازی کا ملتبر سرما به داری وابسته بکار بگمارد .

بنی صدر در سخنرانی اش در خاشنه ، اسفند ۵۷ به کارگران میگفت : " کارگران هستند که نشان با پیسی کولا میخورند و ما میدانیم که خیلی ضرر دارد (!) ولی شما کارگرها بدانید ، فلان سرما به - دار که هفت رنگ خورش میخورد ، چون خورشت بر چرچی است ، بفرتر از آن با پیسی است (۱) " یعنی بنی صدر کارگران را کول میزند و با عنوان اینکه غذای کارگرها از غذای سرما به داران کمتر ضرر دارد ، میکوشد که کارگران بقبولانند که همان نان و پیسی خودشان را بخورند و برای بهیود وضع زندگی رقب با خود نکوشند . بنی صدر عوامفریب به کارگران میکوشد که سرما به - داران خونخوار را رها رزه نکنند و سیستم سرما به - داری را تا بودن سازید ، چرا که او مدافع خونخواران و دشمن زحمتکشان است .

او و نه تنها با اعدام ، سرسپردگان رژیم شاه خاشن مخالفت میکرد ، بلکه کوشید تا برخی از عناصر خاشنی که ارتباطشان با امیریا لیسم دیگر - کا ملا آشکار شده بود را نیز آزاد کند ، از جمله او مینا جی و خسروشقا ئی ، این خاشنین به خلق - ها را از زندان آزاد کرد و از امیریا نظام ، مدنی و قطب زاده حمایت نمود .

بنی صدر دوست احسان نراقی ، برنا مهری زو ایدئولوگ حزب رستا خیز و زامهره های حساب رژیم سرما به داری وابسته خاشن بود ، احسان نراقی با کوشش بنی صدر ، پس ارقیام از زندان آزاد شد و اکنون یکی از مشاورین بنی صدر میباشد ، طبیعی است که مشورتهای نراقی با او ، در جهت باری و مساعدت به بنی - صدر را را شه برنا مه های برای وابستگی بیشتر به امیریا لیسم است . بنی صدر با رفتار با صلاح محبت آمیز نسبت به خاشنی مثل دکتر نراقی در واقع نا نهای را که در رژیم گذشته از او قرض گرفته است به او پس میدهد . بنی صدر و حبیبی در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده ادبیات شاگردوستیا احسان نراقی بودند . نراقی برای هردوی آنها بورس تحصیلی در فرانسه را درست کرد که تا سالها بعد از شرفا تش در فرانسه بهره مند بودند ، احسان نراقی مشاور عالی لیرتبه ساواک و نیز نماینده ایران در یونسکو بود . نراقی هرگاه از فرانسه رده می شد مهمان بنی صدر بود

او صاحب امتیاز نشریه لیبرالی و ارتجاعی انقلاب اسلامی است که به بودا میریالیسم و علیه کمونیستها مرتب تبلیغات میکند .

بنی صدر بعنوان فرمانده کل قوا ، مسئول مستقیم کشتار زحمتکشان در سراسر ایران و بخصوص کردستان بوسیله نیروهای ضد خلقی انتظامی جمهوری اسلامی است و پس از جنگ ایران و عراق نیز ، بنی صدر همپای دیگر رهبران دولت های ایران و عراق مسئول مستقیم کشتار زحمتکشان ایران و عراق در جنگ میان رژیم جمهوری اسلامی و رژیم ضد خلقی بعث عراق است .

اکنون چنین کسی که هرگز به مبارزه انقلابی با رژیم شاه دست نزده و در خارج از کشور ، خوش میگذرانده است و پس از ورود به ایران متحد با حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی به با زسازی سیستم سرما به داری وابسته و سرکوب انقلاب برداخته است ، ادعای انقلابی بودن و آزادی خواه بودن میکند ، ادعای دروغین او تنها بعلت جنگ قدرت با حزب جمهوری است ، وگرنه به حکومت او نیز نشان داده است ، که نمی تواند آزادی توده ها و زحمتکشان را تحمل کند ، او نیز مانند حزب جمهوری دشمن آزادی و انقلاب ایران است .

خلقهای قهرمان ما بنی صدر را در کنار حزب جمهوری خاشن به خلقهای ایران میدانند و ادعاهای دروغینش را مبنی بر آزادیخواهی با ورندارند . بنی صدر فریبکار دغلبازی است که میخواهد بر شاه های توده ها سوار شود و به بقیه در صفحه ۱۷

توضیحی درباره ستون پاسخ به نامه‌ها

● برخی از رفقا ضمن انتقاد به صفحه "پاسخ به نامه‌ها" پرسیده‌اند چرا در شرایطی که سه سئوالات بسیار زیادی حول مسائل حاد و مهم مردم جنبش کمونیستی وجود دارد در این صفحه باید به سئوالات، ابهامات و انتقادات رفقا پاسخ داد، عموماً نامه‌های تهمیجی رفقای کارگرو زحمتکش درج می‌گردد، و کمترین سئوالات رفقا پاسخ داده می‌شود.

در پاسخ به رفقا با بدگوشی‌مقدما از انعکاس بیشتر نامه‌های کارگران و زحمتکشان و کمتر پاسخ دادن به سئوالات سیاسی رفقا ناشی از کم‌بها دادن به مسئله ابهامات، سئوالات و انتقادات رفقا، که بطور کلی ناشی از درکمان از وظیفه پیکار تبلیغی-سیاسی بودجه ما معقدیم "پیکار تئوریک" آن ارگانی است که باید به سئوالات و انتقادات تئوریک رفقا پاسخ گوید و پیکار تبلیغی - سیاسی که از بردن توده‌ای بیشتری برخوردار است وظیفه‌محوری اش فعالیت تبلیغی - سیاسی است باید بیشتر به نامه‌های کارگران و زحمتکشان که جنبه تبلیغی، تهمیجی بیشتری دارد، پاسخ بگوید. در عین حال ما میکوشیم تا ترکیب هرچه مناسبتری از مطالب ترویجی و تبلیغی در صفحه پاسخ به نامه‌ها ایجاد کنیم ولی همانطور که گفتیم نمیتوانیم کل صفحه پاسخ به نامه‌ها را به مطالب ترویجی اختصاص دهیم! پیروزی باشد!

● رفقای توزیع و بخش غرب تهران پرسیده - اند چرا صفحات نشریه مرتباً افزایش می‌یابد و آیا بهتر نیست تعدادی اعلامیه‌ها و تراکت‌ها که برد بیشتری دارند افزایش یابند یا بنهمه صفحه را با محدودیت‌هایی که دچار آن هستیم افزایش بدهیم؟

رفقا در رابطه با ضرورت انتشار بیشتر تراکت‌ها و اعلامیه‌ها، ما نیز به آنجه که شما گفته - اید و تقسیم‌وازی نیرو کوشیده‌ایم اعلامیه‌ها و تراکت‌های بیشتری را در طی هفته منتشر می‌کنیم اما در مورد ۳۲ صفحه شدن نشریه با بدگوشی‌مقدما بنظر ما مبارزه طبقاتی جاری در جامعه ما است و بیش از آنچه در ۳۲ صفحه نشریه می‌آید، تبلیغات و... می‌طلبند در این رابطه ما قصد داریم حداقل نشریه را ۲ بار در هفته منتشر کنیم در عین حال تا زمانیکه این امر به اجرا درآید، ما نمی‌توانیم از بخشی از تبلیغات خود در هفته صرف نظر کنیم. بهمین جهت تاگزیر هستیم فعلاً موقتاً نشریه را در ۳۲ صفحه منتشر می‌کنیم. امیدواریم که با کمک کلیه رفقای چاپ، توزیع و بخش بتوانیم هرچه سریعتر نشریه را دوباره در هفته منتشر می‌کنیم. پیروزی باشد!

درباره استقلال سیاسی

● رفیق ف - از اصفهان طی نامه مفصلی



در مورد برخورد به مقوله استقلال سیاسی "سئوالاتی مطرح کرده است آیا آنچه در پیکار ۸۳ دربرخورد به استقلال سیاسی درج شده است با مقالات قبلی پیکار و بویژه با آنچه در پیکار تئوریک در مورد استقلال نسبی سیاسی آمده است متناسب نمی - باشد چه ما در پیکار تئوریک گفته‌ایم "رژیم جدید ایران از لحاظ سیاسی دارای استقلال نسبی سیاسی است... و اساساً در درجه اول از مصالح و مقتضیات طبقه بورژوازی ایران تبعیت می‌کند (صفحه ۵۳ پیکار تئوریک) و بر اساس همین استقلال سیاسی نسبی هردو کشور (ایران و عراق) جنگ بین این دو رژیم‌ها ناشی از توطئه‌های امپریالیسم‌انداز است، بلکه ناشی از منافع بورژوازی دو کشور رزبایی کرده‌ایم، سپس رفیق ضمن تکیه بر نظرات لنین در مورد استقلال سیاسی، می‌گوید "با انطباق سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی با سیاست امپریالیسم جهانی، آیا به معنی وابسته بودن آنست؟" در پیکار ۸۳ می - گوئیم "بدین ترتیب سیاست‌های جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم جهانی است"

رفیق، در پاسخ به سئوالات تو مقدمتاً از ما است بگوئیم که ما در آینده بطور مفصل به مقوله استقلال سیاسی که رفقای زرمندان و راه کارگر برسدان معتقدند، برخورد خواهیم نمود.

اما بطور خلاصه در رابطه با تناقضی که بدان برخورد کرده‌ای باید گفت اولاً: حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت بورژوازی است. طبقه بورژوازی ایران از لحاظ اقتصادی وابسته به امپریالیسم است. از این لحاظ در روند عمومی و در نهایت رژیم جمهوری اسلامی ایران جزئی از سیستم جهانی امپریالیستی محسوب می - گردد. از اینرو رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند در روند عمومی، سیاستی مستقل از منافع امپریالیسم جهانی داشته باشد هر چند که ممکن است در این با آن مقطع سیاست‌های وی در اختلاف با منافع خاص این یا آن کشور امپریالیستی صورت پذیرد. اختلاف منافع که در برخی سیاست‌ها ممکن است بوجود آید نیز ناشی از مقدم بودن منافع بورژوازی ایران بر منافع امپریالیست - هاست. و این نیز بدلیل کارگزار نبودن رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

بنابراین زمانیکه می‌گوئیم رژیم جمهوری اسلامی، وابسته به سیاست‌های امپریالیسم جهانی است، این سخن را بنا بر مجموعه سیاست‌های این رژیم و بنا بر انطباق ناگزیر سیاست‌های رژیم با سیاست‌های امپریالیسم جهانی در روند عمومی خویش ذکر می‌کنیم بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند در تحلیل

نهائی و در روند عمومی حرکتش در مجموع سیاست‌ها، مستقل از منافع امپریالیسم جهانی حرکت نماید. و در عین حال بدلیل کار - گزار نبودن این رژیم و مقدم بودن منافع بورژوازی ایران نسبت به بورژوازی امپریالیستی (که بطور کلی در انطباق با یکدیگر قرار دارد) از "استقلال سیاسی نسبی" سخن گفته‌ایم بدین ترتیب ضمن توضیح رابطه دیالکتیکی

زیربنا و روبنا نقش و جایگاه اقتصاد و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی را بیان کرده‌ایم بنظر ما درکی که سیاست را عکس برگردان اقتصاد دجلوه دهد و وابستگی تمام عیاراً اقتصاد را به داری وابسته ایران، وابستگی تمام عیاراً سیاسی (کار - گزار رژیم جمهوری اسلامی) را نتیجه بگیرد تفکرات کونومستی و دکماتیک خود را بنما بیش می‌گذارد. در عین حال درکی که بگوید سیاست و اقتصاد را از یکدیگر جدا کند و بی‌بند و بار به فرا موشی سپرد سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران را سیاستی مستقل (مستقل از منافع امپریالیسم جهانی) جلوه دهد، تفکر بورژوازیستی - تروتسکیستی خویش را بنمایش می‌گذارد، ما همدار می‌دهیم که زمینه تئوریک پذیرش تئوری رژیونیستی "راه‌شده غیر سرما به داری" جنبش تلقی از استقلال سیاسی است که راه کارگر نیز شدیداً بدان آلوده است. در عین حال با بسته تئوریک درک تروتسکیستی از استقلال سیاسی اعتقاد به "سرما به داری خودبو" است که برخی از نیروهای جنبش کمونیستی بدین انحراف آلوده‌اند.

● رفقای نازی آباد تهران، جوای علیت حذف صفحات دهقانی از نشریه شده‌اند و در مورد ضرورت وجود صفحه‌ها صفحاتی در پیکار مختص جنبش دهقانی که نقش وسیعی در انقلاب نیز دارند، توضیحاتی داده‌اند.

رفقا! ما خود نیز به ضرورت چنین امری را قعیماً زکلیه رفقای دهقانی که در مناطق روستایی فعالیت میکنند میخواهیم که اخبار و گزارشات مربوط به مبارزات منطقه‌ها برای هیئت تحریریه پیکار هرچه سریعتر ارسال دارند. متناسباً برخی از رفقا حتی دست به انتشار نشریات دهقانی در منطقه زده‌اند، اما اخبار و گزارشات آنرا به پیکار ارسال نکرده - اند. بسیاری از رفقای ما در یلوچستان، استان فارس ما زنده‌اران، کیلان و... فعالان در میان دهقانان تبلیغ و ترویج میکنند، اما شماره آنرا برای "پیکار" ارسال نمیکنند. فی‌المثل نشریاتی مانند "پیکار بیچاره" که متعلق به رفقای کیلان است منتشر میشود، اما صفحه دهقانی نشریه مرکزی به دلیل فقدان اخبار و گزارشات بسته است! ما ضمن انتقاد به رفقای دهقانی که در این زمینه کم‌کاری کرده‌اند، فعالان خواهان ارسال گزارشات و اخبار از مبارزات دهقانان هستیم

موفق باشید!

نامه‌های ازد و ست کارگر رسم، ارتزویین

"من یک کارگری هستم که در کارخانه کار می‌کنم و حقوقم طوری هست که برابری با خرم‌نظام میشود. حتی آخر سرج دستی میگیرم من کمونیست نیستم ولی کارشان را قبول دارم و هرکاری باشد تا با خدا ندادم خودم هم میگیرم. من جندی بیش می‌خواستم در جاب اعلامه به سازمان بیکار کمک مالی کنم ولی همانطور که گفتیم حقوق کم بود ولی فکری کردم که بعد از ۸ ساعت کار یکا ریسروون یعنی اضافه کاری کنم تا بتوانم به سازمان بیکار و به این مبارزه کاران راه حقیقت کمک کنم. بیروز و موفق باشید"

دوست کارگر! از ابتکاری که برای کمک مالی به سازمان بیکار رسته‌اید، بی نهایت سپاسگزاریم عمل شما میتواند در مرتضی یا ندر برای کلیه رفقا و دوستانی زحمتمندی که خواهان پرداخت کمک مالی به سازمان هستند، اما محدودیت مالی دارند.

ما ضمن قدردانی از توجه شما به ضرورت گسترش فعالیت‌های سازمان، کوشش میکنیم با انکاء به کارگران و زحمتکشان ایران، بساط ستم و استثمار سرمایه‌داری وابسته را برچینیم. بیروز باشید!

● رفیق کریم ضمن استقبال از انتشار مرتب تراکت‌های افشاگرانه سازمان به برخورد تنگ نظرانه برخی نیروهای سیاسی اشاره کرده است که بدون ذکر نام سازمان، تراکت‌های مزبور را مورد استفاده قرار داده‌اند.

رفیق کریم، ما ضمن تأیید نظر تومینی بر ضرورت حفظ رعایت اما نیت، معتقدیم کلیه نیروها میتوانند با ایدئولوژی افشاگرانه را ولسو آنکه منبع آن نیروی سیاسی دیکروسوده باشد، مورد استفاده قرار داده و بردافشاگری را گسترده نمایند، لیکن باید ضمن استفاده از این اسناد و انتشار گسترده تر آنها، منبع خبر را نیز ذکر نمود. ما خود نسبت به آنچه گفتیم وفاداریم و فی المثل در تراکتی که مربوط به اخبار درون ارتش بود، ضمن استفاده از اسناد رفتاری "افلیت" منبع آن را نیز ذکر کردیم. بهرحال بنظر ما برخوردی نظیر آنچه در زندگان در نشریه ۴۴ خود بیکار رسته است، برخوردی تنگ نظرانه و خرده بورژوازی می‌دانیم که به عمداً ذکر تمام نام سازمان ما که سنده ۲۰ میلیونی رفیقان را افشا کرده است، خودداری نموده است. چرا که ما با...؟

رفقای دی‌گره که برایمان در این هفته نامه فرستاده‌اند:

مهندس آزاری - احمد - مسئول اهواز - ج، ل - احمد، ف - الف، شیراز - الف، زهرکرد - افسانه، ن - اربو شهر - مادر مسلمان - ج، د - دانش آموز - ن ۱۹ - ارمسنی - الف - ک -

بقیه از صفحه ۱۴ دمکراسی...

که "سینه‌چاک" دروغین آزادی و دمکراسی هستند از تسلیم مستقیم توده‌ها، از اعمال حاکمیت مردم بر سر بنوعت خویش وحشت دارند، آنها به توده‌ها اعتماد ندارند و می‌ترسند سلاح در دست توده‌ها به‌بازاری بر علیه خودشان که ستمگر و غارتگر دسترنج آنها نند، بدل شود. ما "دمکراسی" دروغین لیبرالها، ارتش دست - پرورده امپریالیسم و سرمایه‌داری خدا نقلابی است که بتواند منافع سرمایه‌داری را حفظ و حراست کند و کارگران و زحمتکشان را سرکوب نماید.

۷- بهترین دمکراسی در سوسیالیسم برقرار میشود.

دمکراسی خلق اگر چه دمکراسی انقلابی است، اما هنوز در چهار رچوب نظام سرمایه‌داری است، هنوز مالکیت خصوصی بر وسایل تولید در آن نفی نمیشود. به اصطلاح هنوز یک نظام بورژوازی است و به این علت نمیتواند بهترین دمکراسی باشد. بهترین دمکراسی، دمکراسی ای است که مبتنی بر نابودی هر نوع استثمار و ایجاد برابری بین انسانهای زحمتکش باشد بنا بر این بهترین دمکراسی، با نابودی سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم ایجاد میشود. سوسیالیسم را تنها میتوان با دیکتاتور طبقه کارگر برقرار و حفظ نمود دیکتاتور پرولتاریا دمکراسی سوسیالیستی، دمکراسی تمام عیار برای کارگران و زحمتکشان و دیکتاتور پرولتاریا علیه کلیه دشمنان سوسیالیسم است. تا پذیرد سوسیالیسم شود که اگر بهترین دمکراسی، دموکراسی سوسیالیستی است، پس چرا شعار جمعی سوسیالیستی دمکراتیک خلق را تبلیغ میکنیم و شعار برقراری فوری سوسیالیسم را نمیدهم در جواب این سؤال باید گفت این درست است که دموکراسی ایده آل ما دمکراسی کارگری (سوسیالیستی) است، اما از شرایط موجود تا ایده آل فرسنگها فاصله وجود دارد. طبقه کارگر ایران هنوز از آنچنان آگاهی و تشکل برخوردار نیست که بتواند به تنهایی حکومت سوسیالیستی برقرار کند، در عین حال طبقه کارگر متحدینی چون خرده بورژوازی شهر و دهقانان را دارد که فشرهائی از آنسان سوسیالیسم را قبول ندارند، اما دارای تمایلات و خواسته‌های دموکراتیک و ضد امپریالیستی هستند و متحد طبقه کارگر محسوب میشوند. اکنون شرایطی مهیا نیست که بتوان بلافاصله مالکیت فردی بر وسایل تولید را لغو کرد و سوسیالیسم را برقرار نمود. از اینرو است که نمیتوان یکباره

فرزانه - ارامنهان - مریم - کارگر هسته بنتک - DSH - ج، ک، م، زلاهیجان - رفیق کارگر ج ارتزویین - د، ج، یخ، زهران - ف از معلمین - ن از معلمی که مستند دانش آموزی شرق تهران - عبدالرضا ۱۷۰ کارگر - کارگر مکاتیک اراهیجان - ف، ی، از کارمندی - حمید ۱۳ ارقم - یخن و نوزبع غرب تهران .

سوسیالیسم را برقرار نمود و دمکراسی سوسیالیستی را ایجاد کرد و قبل از آن با جمهوری دمکراتیک خلق که در اتحادیه افشاری و طبقات خلقی است، پیاده شود. اما طبقه کارگر به جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان یک دوره گذار به سوسیالیسم نگاه میکند و خواهان آن است که از حکومت دمکراتیک به حکومت سوسیالیستی برود، چه طبقه کارگر یا هرگونه روابط بورژوازی (سرمایه‌داری) مخالف است و در نهایت خواهان نابودی آن است. بنا بر آنچه گفتیم جمهوری دمکراتیک اگر چه یک حکومت دمکراتیک انقلابی است، اما دمکراسی در آن هنوز کافی نیست و بهترین دمکراسی دموکراسی سوسیالیستی است و جمهوری دموکراتیک دورانی است موقت برای مهیا کردن شرایط لازم برقراری سوسیالیسم.

۸- بدون رهبری طبقه کارگر، دمکراسی واقعی پا برجا نیست.

اگر قبول داشته باشیم که بهترین دموکراسی با استقرار سوسیالیسم برقرار میشود و اگر بپذیریم که این طبقه کارگر است که در سوسیالیسم حکومت میکند، پس باید قبول کنیم که در بین افشاری و طبقات دمکرات و انقلابی جامعه، طبقه کارگر بیکارترین مدافع دمکراسی و انقلابی - ترین دمکراتها است و تنها اوست که میتواند بهترین دموکراسی توده‌ای را تأمین و آرا به دموکراسی پرولتری ارتقاء دهد و در محدوده دمکراسی جامعه سرمایه‌داری باقی نمی‌ماند و می‌کوشد آرا به دمکراسی سوسیالیستی برساند. بنا بر این اوبیش از همه به دموکراسی می‌اندیشد و بیشتر از همه خواهان دموکراسی است (تا هر چه زودتر به سوسیالیسم برسد) بنا بر این تنها رهبری طبقه کارگر است که ما من برقراری و پیروزی دموکراسی در جمهوری دمکراتیک خلقی است با لعن اکثر رهبری مبارزات توده‌ها را لیبرالها در دست داشته‌اند، نه تنها دمکراسی انقلابی را برپا نخواهند کرد، بلکه به انقلاب خیانته کرده به ما زش با امپریالیسم پرداخته و آنگاه کارگران و زحمتکشان را سرکوب خواهند نمود. لیبرالها در طول دوساله اخیر، چه در دوره بازرگان، چه در دوره بنی صدر، نشان داده‌اند که آنها تنها به فکر منافع خویش که همانا دسراش با امپریالیسم تا مین میشود، هستند و این منافع مغایر با خواسته‌های دمکراتیک توده‌هاست. مردم مستعدی به مین مادر تجریه بچشم خود دیده‌اند که لیبرالها چگونه می‌کوشند مبارزات توده‌ها سوار شده، آرا مها کرده و به ما زش بکشند و بالاخره چگونه این با اصطلاح آرا دخواهان، برای حفظ منافع طبقاتی خود دستشان تا مرفق به خون کارگران، زحمتکشان و خلفها آغشته‌کنند است. کشتار خلق قهرمان کرد، ترکمن، سرکوب کارگران و زحمتکشان در دوداندمشک و بیکاران و... جز کوچککی از جنایات این عوام فریبان است که دست در دست برادران "حزبی‌شان" برای حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران، از آن دریغ نورزیده‌اند.

هنرمقاومت هنرپرولتری



کارگران حرف بزنند و آنان را به پیش بخواهند
"آزاد" و "نیکلابویج بیوترا" گرفته‌اند. انقلابیون
بزرگ و سازماندهان نامدار رور همراهن شناخته
شده‌سوسال دموکراسی که همزمان لنین و
استالین بودند: کتسخوولیها، بوکدانها و...
دارای پیوندی عمیق وناگسستی با توده‌های
کارگرفتند.

"نینا" از این لحاظ دارای درسهایی
آموزنده‌ای برای تمام کمونیستهای جهان
است و به آنان ضرورت و شیوه پیوند توده‌ای برای
بردن آگاهی سوسیالیستی را می‌آموزد. آموزش
- هائی که برای تمام پیشاهنگان طبقه کارگر
ضروری است.

ایسکرا چگونه بدست کارگران می‌رسید

لنین در "چدا بدکرد" یک بخش نامرأیه
مسئله تشکیلات سوسال دموکراسی و اینکه
چگونه ایسکرا قادر است نقش یک سازمانده
جمعی را ایفا کند، اختصاص میدهد. در کتاب
"نینا" خوانندگان میتوانند این مسئله را با
همه جزئیات آن احساس کنند اهمیت فعالیت
انقلابیون با کوششها در این نیست که آنان
بدینالروی از درخواستهای روزمره و اقتصاد
و جنبش خودبخودی طبقه کارگر نمی‌پردازند،



میردازد: نقشه رای کالنین برای پاسخ به
چنین ضرورتی ارائه میدهد، نقشه تا سیسی

رمان "نینا": اثری از گنجینه رئالیسم سوسیالیستی

میراث زنده یک انقلاب

ادبیات و هنر نوین، رئالیسم سوسیالیستی
که انعکاسی از مبارزه طبقاتی پرولتاریا و
بیا نگر آلمان مشترک طبقه کارگر بزرگان هنر
است، آثاری بیادماندنی به ما رآورده است
"نینا" اثری از گنجینه روال نا پذیر رئالیسم
سوسیالیستی است که برای کارگران، انقلابیون
جوان و حتی انقلابیون حرفه‌ای کمونیست حاوی
درسهایی ارزشمندی است. "نینا" نام مخفی
چاپخانه ایسکرا است که پلیس همه نیروی خود
را برای شناسائی آن بسیج کرده و میبندارد که
این نام متعلق به دختری انقلابی است.
بدلیل کمبود مکان یک بررسی مفصل
نکته و ارزیابی اساسی ترین آموزشهای این
اثرگرانها از گنجینه رئالیسم سوسیالیستی
انگفا میکنیم:

تصاویر زنده پیوند سوسیالیسم با جنبش کارگری

"نینا" رمانی است که تمام ویرموس و
عینی به شیوه رئالیسم سوسیالیستی از ما نبل
خادوسوسال دموکراسی روس در یکی از دورانیهای
بر تلامف فعالیت ۱۹۰۱-۱۹۰۴ ارائه میدهد
این خلاصه ترین شرحی است که از رمان "نینا"
مینوان ارائه داد. در این سالها چگونه تلفیق
سوسیالیسم با جنبش کارگری به مسئله مهم جنبش
مدل شده بود. در کتاب "چدا بدکرد" حرمانهای
درون سوسال دموکراسی روس در آن سالها
در ارتباط با موضوع نامبرده شکافته شده و
نظریه لنینی ضرورت تشکیل حزب کارگرسوسال
دموکرات روسیه، بد شکل تئوریک بیان گردیده
است. ما باید ادریم که لنین در آن کتاب چگونه
تربیط کار سوسال دموکراتهای روسیه و حرمان
انحرافی را که جای بردن ایده‌های سوسیالیستی به
میان کارگران، در عرصه‌های گوناگون، بدنیسی
کارآگاهانند و نقشه مند میبندارد و در تفسیر آگاهی
را با سطح حرکت خود بخودی تئوریکه میکنند
با دانستن دموکراتیستها بد شکل کارمانیسی
از انقلابیون حرفه‌ای را می‌دهد. سازمانی که
ساخت تردیونونی را می‌مکند و بدنیسوان
بنا هتک آگاهی سیاسی طبقه کارگر در عرصه‌های

- اهمیت "نینا" (چاپخانه ایسکرا)، آنچنان است که لنین بارها از آن سخن میگوید و یکی از برجسته ترین کارهای بلشویک، رفیق شهید، لاد و کتسخوولی هرزم در "نینا" است که اگر چاپ و پخش ایسکرا توسط "نینا"ها، لاد و "ها" و "آزاد"ها نباشد، ایسکرا ای لنینی نمیتوانست با توده‌ها پیوند بخورد و نقش تاریکساز خود را ایفا نماید. کتاب "نینا" اهمیت تکثیر و پخش روز افزون مطبوعات کمونیستی در میان توده‌ها را نشان میدهد. فعالیت آن با بسیاری از جزئیات پرشور به چشم می‌بیند.

بلکه ضمناً آنان توانایی آنرا بدست آورده بودند که
زبان گویای جنبش سوسال دموکراسی روس،
یعنی ایسکرا را در مقیاسی سراسری به گفتگو
با توده‌ها و ادارت، و این تنها یک سازماندهی -
مستحکم ممکن گشت. مادر "نینا" میبیتیم که
چگونه نسخه‌های ایسکرا از خارج به کار ارسال
میشد و ایسکرا، در چاپخانه‌ها کو، که دور از چشم
پلیس و با رعایت مخفی کاری خلایق، در دل توده -
ها به کار مستمر مشغول بوده‌چاپ می‌رسید،
کتسخوولی که یکی از سرشناس ترین و نامدار -
ترین سوسال دموکراتهای کرجی و از سازماندهان
کمیته تفقا زبود، رهبری چاپ و پخش ایسکرا را به
عهده داشت. سیستم عالی و سازمان یافته پخش
ایسکرا که فا در بود در اسرع وقت، به نیازهای
توده‌های کارگری پاسخ گوید و بطور زنده و فعال،
ارتباط نیروی آگاه و توده‌ها را نامن کند،
در این کتاب بزورنی سازگوستودوستان می -
دهد که اگر جنبش کمونیستی در پی سوندن
بوده‌هاست ارا ما با بدانمان با حمایت
جهت رساندن رنده برس مثال بلدیسی و

"ایسکرا" به مثابه محوری برای سازماندهی
جمعی و کار انقلابی است. ایسکرا با بد نقش یک
مروج، مبلغ و سازمانده جمعی را ایفا کند و
انقلابیون حرفه‌ای بیرورا ندکها دریا شنند
همچون فرماندهان جنگی مبارزه‌ها در طبقه‌های
را رهبری کنند. "نینا" داستان چاپخانه
ایسکرا در ریگو، داستان مبارزه آگاهانه و نقشه مند
سوسال دموکراتهای با کور دیونید با طبقه کارگر است.
در کتاب تصاویر زنده‌ای از چگونه بردن
آگاهی سوسیالیستی به میان کارگران ترسیم
میشود، و خواننده گویی به چشم خود شیوه کار
بلشویکیها، را میبیند، حضور آنان را در اعصاب
و مبارزات کارگری تشخیص میدهد و می‌آموزد
چگونه آنان به شور و خشم توده‌های کارگری که
دست به مبارزه میزنند جهت آگاهاننداده و اجازه
نمی‌دهند جنبش آنان بطور خود بخودی بدان
بورژوازی کشیده شود و ما تمام نیرو در جهت
ردن به مبارزه آگاهی تا بدین طریق می‌مکوشند.
و در این راه ایسکرا و چاپخانه این "نینا" نقش
اساسی ایفا میکنند قبول یکی از رهبران "نینا"
رمان توانایی است که سوسال دموکراسی

گرامی باد یاد رفقای شهید



صدیقه رضایی

- تولد در ۱۳۳۴

- رفیق صدیقه خواهر مجاهدین شهید رضا شیها بود
- پس از سال ۵۰ و در تماس با سازمان مجاهدین به فعالیت انقلابی خود پرداخت
- او با هوشیاری و فداکاری و ایستادگی و عمل و تحرک تحسین آمیز خود در پیشبرد انقلاب دموکراتیک و فدا میربا لستی خلقهای ایران فعالیت میکرد.
- در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم را پذیرفت
- رفیق صدیقه در ۱۸ دی سال ۵۵ زمانیکه بیش از ۲۰ بهار از عمر برپا را ونمی گذشت طی انجام یک ما موریت انقلابی در محاصره مسزوران ساواک قرار گرفت و به شهادت رسید



مهدی فتحی

- تولد در ۱۳۳۰ در کرمان

- دا نشجوی دانشگاه صنعتی تهران در ۱۳۴۹
- شرکت فعال در مبارزات صنفی و سیاسی
- دا نشجوی سازماندهی اعتمادیات و تظاهرات
- شروع فعالیت مخفی با بخش اعلامیه ها و نشریات انقلابی
- سازمان مجاهدین خلق و عضویت در سازمان در سال ۵۲
- پذیرش مارکسیسم لنینیسم در اواخر سال ۵۳
- رفیق مهدی در انضباط، دقت و رعایت طوابع و اصول
- تشکیلاتی از بهترین ها بود فداکاری و احساس مسئولیت و دلسوزی رفیقانه نسبت به همه امور سازمان از ویژگیهای این رفیق شهید بود.
- شرکت در عملیات نظامی اعدام انقلابی به مستشار
- نظامی آمریکا سمون معاون فرمانده (۶ شهریور ۵۵)
- تلاش و فعالیت انقلابی چشمگیر در جریان
- تنها جرم رژیم و دوره خانه گردی های سال ۵۵ و ۵۴
- شهادت در یک درگیری مسلحانه در ۲۹ دی ماه ۵۵



رضا تفکری

- تولد در ۱۳۳۳ در خانواده ای کم در آمد در سراب

- دا نشجوی پزشکی شهران ۱۳۵۲ و شرکت فعال
- در مبارزات صنفی سیاسی دا نشجوی و حمایت
- از سازمانهای انقلابی آن سالها و پذیرش
- مارکسیسم لنینیسم
- در اردیبهشت ۵۵ با بخش منشعبان از س.م.خ.ا
- تماس گرفت و بدلیل مسائل امنیتی زندگی
- انقلابی مخفی برگزید.
- صداقت و پرکاری و جدیت رفیق و علاقه شدید به
- سازمان انقلابی خویش زبا نزد رفقای پیش بود
- در روزعا شورا سال ۵۵ در محاصره جنا پیکاران
- ساواک قرار میگرفت و مسلحانه با آنها درگیر
- میشود.
- شهادت در ۲۳/۱۰/۵۵

توده های قهرمان تا قهرمانان توده که عشق و آگاهی و تجربه انقلابی در وجودشان مآ میزد و تبلور میابد، نشان میدهد، ما در کتب میبینیم چگونه سازمان بلشویکی، با سخت گیری و دقت به تربیت کسانی میپرداخت که با بدنقش پیش - فراوان آگاه طبقه کارگر را بمعده گیرند، کسانی که همچون فرماندهان آگاه جنگی با بدخما نسل تجارب، آگاهی، و انضباط لازم برای پیکاری دوران سازگسب کنند، آری ما در کتب بسه راز فولادین شدن حزب کمونیست روسیه پی میبریم و در میابیم که معنای ملموس ستا در زمینه طبقه کارگر، چیست، ما در همین جا به معرفی "نینا" خاتمه میدهم و زما رفقای کمونیست و دوستان انقلابی، از همه کارگران و زحمتکشان می خواهم که این اثر را زنده را مطالعه کرده و آموزش های آنرا در راه انقلاب بکار گیرند.

"نینا" به شیوه بورژوازی، بدام قهرمان پردازی - های دروغین نمی افتد لیکن بدرستی نشان میدهد که چگونه قهرمانان کمونیست در دل توده ها زاده میشوند، آنان خود جزئی از توده های عادی، که زیر ستم سرما به و ارتجاع دست و پا می - زنند هستند، لیکن از آن زمان که به مبارزه آگاهی پیدا میکنند، از آن زمان که غرایز آشتی نا پذیر طبقه ای شان و احساسات پرشور درونی آنها، با آگاهی سوسیالیستی درمی آمیزد و تن به رزمی دوران ساز میدهند، در کوره نبرد آبدیده شده و به حماسه آفرینان بزرگ ساختن دنیایی نوین بدل میشوند.
"آذر" و "ورا" دو نفر از انبوه قهرمانان زمان "نینا" هستند که نویسنده برپروسه تغییرات آنرا از فردی عادی به پیشاهنگی جان نیاز، از نا آگاهی به آگاهی، از افرادی در میان

شروعی به توده های ریزی کند که فادریا شد به موقع آنها را بگردرهنمودهای حزب بسیج کند و به پیشروی فراخواند، در "نینا" کتسغولی به درستی، خود به این مسئله مبرم اشاره میکند: "کار اساسی ما بخش وسیع محصولات چاپخانه میان توده های کارگراست" او تا کید میکند آن دسته از رفقای که قادرند در میان زحمتکشان نفوذ کرده و ارتباطی پیوسته با کارخانه ها و معادن برقرار کنند مهمترین وظیفه شان بخش ادبیات زیرزمینی است.
چگونه یک کمونیست پرورش می یابد
آموزش بسیار کارگرا نهی "نینا" برای تمام انقلابیون جوان، با زگوئی پررور شد و آبدید شدن افراد انقلابی کمونیست است، اگر چه

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق



بسیه از صفحه ۳ پیام ...

اخراج کارگران در حال میگذرد، چرا که میدانند آمدن همه کارگران به آبادان ممکن نیست. در آستانه مهین سیاست ارتجاعی بود که دولت صنعت نفت نقشه طرح تعهدنامه‌ای را ریختند که از کارگران خواسته شده بود تا کارگران از وزارت نفت نخواهند که آن را بطور "موقت" بر سر کار بیاورند و بدین ترتیب به کارگران شرکت نفت القا میکنند که زمانیکه آن از آبادان خارج شده اند، اخراج شده حساب می‌آید و آسند و آینده خود را به تصمیمی که وزارت نفت برایشان خواهد گرفت، واگذار میکنند. این ترتیب دست وزارت نفت برای اخراج، باز نشستی و کاهش حقوق کارکنان بازمی‌نماید. روشن است که این سیاست‌های ارتجاعی به این جا ختم نمی‌شود. رژیم برای کارگران زیربوشی هم برنا می‌دهد. با وجودیکه کارگران زیربوشی از مزایای برابر با کارکنان رسمی برخوردار بودند و رژیم نیز در گذشته متعهد شده بود که آن را رسمی کند اما اینک به این کارگران گفته است که برای رسیدگی بوضع خود به "وزارت کار" بروند و طبقا معلوم است که وزارت کار هم هیچگونه مسئولیتی را در قبال آنان قبول نمی‌کند. روشن است که هدف رژیم چیست. رژیم قصد دارد با فرستادن آنها به این وزارتخانه و اجرای ماده ۳۳ قانون کار ارتجاعی که بر اساس آن کارفرما می‌تواند با پرداخت ۱۵ روز حقوق کارگر را اخراج کند، از "شر کارگران" زیربوشی خلاص شود. و این حيله تازه ای نیست. همان حيله‌ای است که رژیم برای کارکنان زیربوشی شیمیایی با ساکارا در همکار برده و با ارجاع دادن آنها به وزارت کار عملا آنها را اخراج کرده است.

کارکنان جنگ زده!

کارگران و زحمتکشان ایران مبارزات پر شور و قهرمانانه را پشت سر گذارده اند و به خصوص در طی ۲ سال پس از قیام کارگران تجارب گرانمای بی بدست آورده اند. یکی از این تجارب گرانمای نقش اتحاد و یکپارچگی کارگران برای بدست آوردن حقوق خود است. با دیدن و دید که در طی مبارزات پر شور و پیش از قیام چگونه درسا به وحدت و یکپارچگی و به هم راه می‌پرتوده‌ها رژیم مزدور و ضد خلقی را به زباله‌دانی تاریخ انداختند. با دیدن و دید چگونه توانستند با حرکت یکپارچه خود در سال گذشته و سال طرح ضد کارگری لغو تعطیل پنجشنبه‌ها و افزایش ساعات کار را عقیم گذارند.

با دیدن و دید چگونه اعتماد یکبارگیه ۷۰۰۰ کارگریمانی در سال گذشته وزارت نفت را مجبور به عقب نشینی و قبول رسمی کردن کارگران کرد.

آری با این تجارب گرانمای اکنون باید برای حقوق از دست رفته خویش بمبارزه دست زده و ضمن اعتراض و مبارزه علیه جنگ کنونی رژیم را مجبور سازید که حقوق شما را بطور کامل برداشت نماید. این مبارزه نه فقط برای حقوق بلکه برای خواربار، مسکن، لغو تعهدنامه و کسب آزادیهای سیاسی، آزادی اعتماد و ... را نیز در برخواهد گرفت.

به همین علت باید ضمن غشی نمودن طرح‌های رژیم برای ایجاد تفرقه و پراکنده کردن کارگران و کارمندان جنگ زده نظیر جدا کردن کارکنان رسمی و زیربوشی حضور غیبی ماهانه با حفظ وحدت و یکپارچگی و متشکل شدن تحت رهبری "شوراهای هماهنگی کارکنان جنگ زده" مبارزات خود را علیه جنگ ارتجاعی و احقاق حقوق خود سازماندهی کنید.

در این میان از آنجا که رژیم روز بروز متزلزل و ناتوان تر می‌گردد و به همین علت

ما هشتاد و نه نفر، انجمن و مسخولیمان (مبارزات خود را متشکل و گسترده تر سازید، برای ابتکار باید:

۱- از نمایندگان سابق شوراهای خود در آبادان و ... بخوانید در ادامه وظایف نمایندگی در آن شورا که برای شرحک برانگنده شده اند آنرا بصورت "شوراهای هماهنگی کارکنان جنگ زده" احیا نمایند.

۲- شوراهای هماهنگی، مستقر در شهرهای یاد شده یا لا شوری سراسری کارکنان جنگ زده را برای هماهنگ کردن حرکات کارکنان جنگ زده بوجود آورید.

۳- شوراهای هماهنگی سراسری جهت جلب حمایت و پشتیبانی سایر کارکنان صنایع نفت و کارخانجات و صنایع موجود در هر منطقه از مبارزات بحق کارکنان جنگ زده با یستی با آنها تماس گرفته، حمایتشان را جلب نمایند.

۴- شوراهای هماهنگی ضمن مرز بندی با سندهای بررسی مسائل جنگ زدگان که از طرف وزارت نفت ایجاد شده اند، با یستی نظارت و کنترل مستقلا خود را بر آنها (سندهای بررسی) اعمال نمایند.



۵- شوراهای هماهنگی سراسری ارگانی را جهت نشر اخبار، گزارشات و مسائل و ... دهند و به کارکنان جنگ زده بوجود آورند. با داداشنه‌ها سید که کارکنان در مبارزاتشان سلاحی بجز سازماندهی ندارند. پیروز باد مبارزات بحق کارگران! برقرار باد دهنوری دموکراتیک خلق! نقل و تلخیص از اعلامیه سازمان مبارز در راه آزادی طبقه کارگر کمته خوزستان ۵۹/۱۰/۵

بیشتر رسمی در حفظ موجودیت خود ادامه تشدید فشار بر کارگران خواهد پرداخت سعی خواهد کرد بین مبارزات را با سرکوب پاسخ گوید، از اینرو با دیدن آگاهی برسی استهای رژیم مقاومت متشکل خود را سازماندهی کنید. از آنجا که رژیم سیاست پراکنده نمودن و کوچک کردن اجتماعات را دنبال میکند، نوده‌های جنگ زده عموما و کارکنان صنعت نفت را خصوصا در دستور کار خود قرار داده با یستی ضمن حفظ هویشاری خود با تجمع در چند مرکز عمده (شیراز

فان، مسکن، آزادی



بقیه از صفحه ۳ تخصص ...

تکنیم و تا روز ۱۳/۱۰/۱۵ به آنها مهلت مدهیم. تخصیص آنها به کمیته و همسنگی را با...
کشور از میان رفته کارکنان صنعت نفت در مناطق جنگ زده پشتیبانی میکند. این شوراها کمیته‌های اعلامیه‌ای خواسته‌های آوارگان جنگی را بیان میدارند:

۱- هرگونه کمیته و کمیسیون و تصمیمگیری در آنها بدون حضور و مخالفت مستقیم نمایندگان واقعی و منتخب جنگ زده صنعت نفت از نظر ما بی‌دین اعتبار و عملی بوده و تنها تصمیمی را قبول داریم که مورد تأیید شورای آوارگان باشد.

۲- کمیته‌های متشکل از تمام شوراهای صنعت نفت تشکیل و هرگونه همکاری و همسنگی را با این شوراها جایز ندانیم.

۳- پرداخت حقوق و حقوق معونه برای نامی معاش خانواده‌ها و جیب زدگان تحت معیارهای عادلانه و مناسب با توجه به ماهه بندی (مدیران جنوب که کلیه حقوق خود را تاکنون دریافت کرده‌اند) را با سایر قاصد مستثنی ننمایند و مطابق سایر آوارگان با آنها رفتار شود.

۴- برای اسکان دادن آوارگان جنگی بطور فوری عمل کرده و در این مهم کارکنان تا غلظت صنعت نفت حاضر به همه تونده‌های درجه‌بندی شده‌های محله‌های قابل سکونت مثل دانشگاه‌ها، هتلها، باشگاهها و مساجد بوده و برای هر کمک دیگر نیز اعلام آمادگی مینمایم.

۵- با در نظر گرفتن الویت آوارگان جنگ زده نسبت به سایرین خواهان هر چه سریع‌تر رفع نیازهای ضروری از قبیل سوخت و خواربار، پوشاک و وسایل اولیه زندگی و غیره... می‌باشیم.

۶- هرگونه کارکنی مدیران و مسئولین صنعت نفت را جهت رفع نیازهای منطقی آوارگان جنگ شدیداً محکوم می‌نمایم.

۷- هرگونه اخراج و بازنشستی اجباری در شرایط فعلی، کارهایی فرستادن به مناطق جنگی اعمال کارکنان رسمی و زیرپوششی با بدبختان شوری سراسری کارکنان جنگ زده باشد.

۸- هرگونه تفرقه و جدایی انداختن بین کارکنان جنگ زده تحت عنوان رسمی و زیرپوششی را محکوم و همه آوارگان ناپاک و صدیق این صنعت میدانیم.

۹- برخوردی غیرانسانی، توهین و هتک حرمت از طرف هر مقامی نسبت به آوارگان جنگی کمک به بیابان شدن اهداف و انقلاب میدانیم. شوری کارکنان عملیات پالایش پالایشگاه تهران شوری متحد پالایشگاه تهران

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

یک نوع تبلیغ دیگر ما همده زندگی پر افتخار هر رفیق کمونیست از سویی بوده‌هاست بسیاری مواقع بوده‌هاست با زمان را از روی فردی که تبلیغ کننده نذرات آن است میشناسند و متلاً میگویند که کمونیستها، مانند فلائی هستند، پس خیلی آدمهای خوبی هستند و...

۴. انواع تبلیغ در ارتباط با بیان حقایق

بورژوازی برای تسلط بر دستش بسیار با زاست، از کشف ترس انواع تبلیغ استفاده میکند، دختران ربا، مسائل جنسی، مواد مخدر انواع مبتذل هنر (موسیقی با ز، فیلمهای سکی)، از انواع تبلیغ بورژوازی محسوب میشوند اما ما کمونیستها تنها آن انواع تبلیغ را اصولی میدانیم که در خدمت انقلاب و طبقه کارگر است. از نظر ما هیچوجه "هدف" و "وسيله" را جبهه نمی‌کند. ما در انتخاب انواع تبلیغ نیز، بدنبال عواطف پست نوده‌ها نمی‌افتیم و تنها از نوعی استفاده میکنیم که بیان کننده اصلیت، سترک ما را کنیم - لنینیم است. انواعی که در خدمت بیان حقایق روشن و خنده-ناپذیر هستی است. انواع بورژوازی تبلیغ هرگز نمی‌تواند، قالی برای بیان حقایق باشد چرا که توضیح لازم با بدگفت انواع تبلیغ در ارتباط با بیان حقایق را میتوان سه دو قسمت تقسیم کرد.

۱- بیان حقایقی که نفی کننده نظام کهنه و طبقات استعمارگر است با تبلیغ نفی، که در برگیرنده تمامی آن تبلیغاتی است که ما در جهت نابودی طبقات استعمارگر انجام میدهم. ۲- بیان حقایقی که برنا مه‌ها و پیشینه‌ها را ما را در جهت ایجاد نظام نوین (البتها که میهای متعدد برای رسیدن به این نظام نوین یعنی جمهوری دموکراتیک خلق، دیکتاتوری پرولتاریا و کمونیسم) ارائه میدهد با تبلیغ اثباتی. ما همواره با بستن رژیمهای فذخلقی و طبقات استعمارگر را نفی کرده و به اثبات حقا نیست تا ربحاً ز خویش بپردازیم. در اینجا لازم نیست بگوئیم که ریز یونیستها از نفی طبقات کهن به لطائف الحیل جلوگیری کرده و شعارهای اثباتی نوین را بوسیله بورژوازی میکوشند تا عملی سازند! آنها با خاک پا شیدن به چشم توده‌ها به عنوان تبلیغ اثباتی به دادن رهنمود و پیشینها دیده دولتهای ارتجاعی می‌پردازند و

(۱) - ادبیات شفا هی خلق (فولکلور) از نظر مارکس، انگلس، لنین، گورکی

مثلاً از جمهوری اسلامی میخواهند که شورا ایجاد کند یا توده‌ها را مسلح نماید... تقسیم بندی دیگر در این ارتباط میتواند، بیان حقایق بصورت مستقیم و غیر مستقیم باشد. مثلاً لنین برای اثبات رکتایش بصورت علنی در روسیه تزاری، مثالی را که در مورد روسیه بودنیسم از این نوشت تا با زبان استعاره و بطریق غیر مستقیم، حقیقت را بگوید. در واقع گاهی اوقات برای استفاده از شراکت علنی کمونیستها - ما با استفاده از تبلیغات غیر مستقیم هستیم. دیگر مفهوم بودن توده‌ها نسبت به حاکمیت و حزب و دسته بخصوص میتواند، موجود، استفاده از این نوع بیان حقایق باشد. مثلاً لنین برای تبلیغ شعار سرنگونی دولت بورژوازی پس از انقلاب قوریه شعار "همه قدرت به شوراها" و "با نان، صلح، آزادی" را که نفی کننده حاکمیت موجود بود مطرح میکردند. بیان غیر مستقیم تبلیغ شعار سرنگونی بود. چرا که توده‌ها بعلمت توهّم آمادگی پذیرش شعار مستقیم سرنگونی نبودند، ما نیز اکنون با دادن شعار جمهوری دموکراتیک خلق در حقیقت بعلمت توهّم توده‌ها بطور غیر مستقیم شعار سرنگونی میدهم البته ریز یونیستها و با حاکمیت کرایشات ریز یونیستی میکوشند تا با عنوان کردن دروغین استفاده از این تاکتیک جلوی افشای مستقیم ارتجاع را بگیرند، مثلاً راه - کارگر که دارای کرایشات نیرومند ریز یونیستی است با عنوان کردن این مسئله گوش دانه است تا از افشای ارتجاع بدلیل شرایط ویژه جنگ خودداری کند. (رجوع کنید به یکار ۸۴) کمونیستها همیشه در تاکتیک دست خود را نمی‌بندند و در شرایط مشخص از انواع متعدّد تبلیغ استفاده میکنند، اما به شرطی که این تاکتیک در خدمت استراتژی انقلابی طبقه کارگر باشد، نه نافی آن بدین ترتیب تبلیغ غیر مستقیم در شرایط مشخص نباشد. استراتژی افشای دشمنان توده‌ها را زیر پا بگذارد و در شرایطی که ما تعداد کمون بیش از پیش توده‌ها را آماج پذیرش شناخت ما هیت جمهوری اسلامی را دارند. افشای قاطع این دشمنان را تعطیل کرد، آری اگر آنها ریشتها دست خود را در مورد تاکتیک مینهندند، ریز یونیستها نیز تا کنون با بیان درست برداشته استراتژی، انقلاب توده‌ها است.

پایان

توضیح: مجموعه مقالات مربوط به تبلیغ مندرج در ۱۲ شماره پیکار بصورت جزوه منتشر خواهد شد.

بقیه از صفحه ۳ سپیمان ...

کارخانه شورای فرماندهی آن را وادار به تسلیم در برابر خواستشان نمائند و لذا نیاز - جوری کارخانه مجدداً شروع به کار کرد. در ضمن در این مجمع چهره ضد کارگری "شورا" و عوامل سرما به دران بیش از پیش در نزد کارگران افشا گردید.

شورای تعمیرات با لاینکا - تهران شورای تکنیکیهای تعمیرات با لاینکا - تبریز شورای امور پالایش و مخازن با لاینکا - تبریز شورای کارمندان با لاینکا - شیراز شورای مرکزی کارکنان امور بازرگانی شورای پالایش با لاینکا - اصفهان سندیکا ی خطوط لوله و مخازن تبرات تهران



— زی را تا بدانجا میرساند که حتی برخلاف
بسیار خود که "تضمین" شعار افزایش تولید را در—
گرو "معاذ و ملی کردن سرمایه های بزرگ" می—
خوانند، برای آنکه میا دا "اشتباه" رخ دهد ،

"افزایش تولید": راه کارگر بدنبال رویزونیستهای اکثریت (۲)

راه کارگر با دفاع از شعار افزایش تولید
موضوعی را اختیار کرده است که رویزونیستها
پاسد آن هستند. جالب اینجاست که راه کارگر
رویزونیستهای اکثریت در این مورد به
رقابتی با یکدیگر پرداخته اند که تنها موجب
خوشنودی رژیم میگردد، از این رو بررسی هر چند
مختصر حملات اخیر رویزونیستهای اکثریت به
موضع کمونیستی در قبال شعار افزایش تولید،
نه تنها ریشه این شعار سرمایه دارانه آشکار
میسازد، بلکه دنباله روی نیروهای چون راه—
کارگر از رویزونیستها را نیز که چهار رنعل به
سمت رویزونیسم مینازند، برملا میسازد!

رویزونیستهای اکثریت: از شعار افزایش تولید تا ارشاد غیر سرمایه اری!

رویزونیستهای اکثریت که موضع آشکارا
سرمایه دارانه آنها در مورد شعار افزایش تولید
حتی موجب اعتراض و طرح "سوالاتی در مورد"
"مولیت این شعار و انگیزه تبلیغ آن"، از جانب
هواداران آن گردیده است، برای "توجیه"
هواداران خویش به بررسی "مبانی این شعار"
پرداخته است، و الحاق که عمق این مبانی
رویزونیستی را بروشنی آشکار کرده است!

رویزونیستهای اکثریت که رژیم جمهوری
اسلامی را اساساً "ملی و ضد امپریالیست"
میگویند: "از هنگامی که یک حاکمیت ملی و ضد
امپریالیست، قدرت سیاسی را به دست میگیرد،
برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابی و
ضد امپریالیستی علی الامول میتوان و باید
شعار افزایش تولید را مطرح کرد ولی تضمین
واقعی کارائی انقلابی این شعار همانا مصادره
ملی کردن سرمایه های بزرگ است... ولی
طرح شعار افزایش تولید را نباید موقوف
تحقق کامل شعار ملی کردن سرمایه های بزرگ
نمود بلکه با استقرار قدرت سیاسی مستقل که
عموماً با حاد قلی از سلطه این قدرت بر بخشهای
اقتصادی همراه است، میتوان و باید این شعار
را جایگزین شعار توقف تولید کرد" (کار رویزیو
— نیستی شماره ۹۱ — تاکید یک خطی و دوخطی
از ما است)

بدین ترتیب میبینیم که رویزونیستها
تنها با تطهیر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی،
خیانتی آشکار به منافع طبقه کارگر و سایر
توده ها مینمایند، بلکه کرش در مقابل بورژوا

در طرح شعار افزایش تولید، ملی و ضد امپریا
لیست "دانستن رژیم قرا ردا ده اند، آنها می
نویسند: "افزایش تولید در جامعه ای با حاکمیت
ملی و ضد امپریالیست، بیش از آنکه به نفع
امپریالیسم تمام شود، در خدمت تقویت بنیه
اقتصادی قرار میگیرد، یعنی ثمرات افزایش
تولید در وجه غلبش به منافع پستوانه مادی
قدرت ضد امپریالیستی حاکم در میآید." (کار
رویزونیستی شماره ۸۷) در اینجا "اکثریت"

اعتراف دارد که افزایش تولید در خدمت قدرت
حاکم است، ولی پنا به ما هیئت رویزونیستی است
که وظیفه ای جز افزایش بورژوازی و واروخته جلوه
دادن حقایق برای طبقه کارگر ندارد، قدرت
حاکم را "ملی و ضد امپریالیست" قلمداد میکند
آنهم رژیمی که ما هیئت ضد انقلابیست امروزه برای
بسیاری از توده ها روشن گشته و امواج نا رضایتی
و مبارزه بر علیه رژیم رویزیو در سراسر کشور
گسترده تر میگردد. رویزونیستهای اکثریت
اینطور وانمود میکنند که طبقه کارگر ایران
و حتی پیشروان آن از جنگ تا عا دلانته کنونی
حمایت میکنند، آنها برای "اثبات" ادعای
خود، سرا سر شریا نشان را از نفا شیبایی که
"کارگر" را باز در زوی پاسداری حاکم سرمایه
انباشته اند و همدا بحزب خائن توده شعارا تحاد
توده ها با رژیم سرمایه دارانی حاکم سرمایه
اما این خائنین به طبقه کارگر غافل از آنند
که شدت مبارزه طبقاتی در جامعه ما آنچنان است
که خیلی زودتر از آنکه رویزونیستها تحورش را
هم میکنند، طبقه کارگر و سایر نیروهای
کمونیستها و انقلابیون راستین به ما هیئت
ارتجاعی رژیم و چاکران درگاهش (رویزونیست
— ها) بی میروند. افسانه "تحاد کارگر و پاسدار"
نیز تنها در نفاشی رویزونیستها باقی خواهد
ماند! کارگران ایران آنقدر پاسداران رژیم
را در حال پاسداری از منافع سرمایه داران
مشاره کرده اند، و آنقدر با این مزدوران رژیم
درگیری داشته اند، که عقب مانده ترین
بخش کارگران، بخش دیگری از این طبقه نسبت به
پاسداران سرمایه توهمنداشته و در واقع طبقه
کارگران با مزدوران و حافظین سرمایه—
داری وابسته در تضادی آشتی ناپذیر قرار داد
دست و پا زدنهای مذبحا نه رویزونیستها برای
آشتی دادن ایندو نیروی آشتی ناپذیر، نتیجه
— ای جز افشای بیش از پیش خودشان نخواهد
داشت!

اگر رژیم جمهوری اسلامی توانست بر آه—
انداختن جنگ ارتجاعی کنونی و با سواستفاده
از احساسات وطن پرستی توده ها چند صبا حی سمت
مبارزه و جگر بندگی طبقه ای را منحرف نماید و
کارگران و زحمتکشان را به دفاع از مبهم—
بورژوازی فراخواند، امروز شاهدیم که چگونه

بلافاصله توضیح میدهند که شعار افزایش تولید
را نباید موقوفول به تحقق کامل شعار ملی کردن
سرمایه های بزرگ نمود! "چرا که حاد قلی از
سلطه این قدرت (رژیم) بر بخشهای اقتصادی"
برقرار است، برستی که رویزونیستهای نوپای
اکثریت، چیزی از بردار کهنه ما نشان حذب
خائن توده، کم ندارند! آنچه که زخمان این
آقایان بروشنی استنباط میشود اینست که: اولاً
بزرگمآقاییان، اقدامات عوا مفریبا نه رژیم مبنی
بر دولتی کردن پارهای از کارخانجات و
موسسات خصوصی، تحت عنوان "ملی کردن" گویا
واقعا بمعنای ملی کردنی است که از وظایف
جمهوری دمکراتیک خلق و با حکومت دیکتاتور
پرولتاریا میباید! یعنی بر عم رویزونیستها
رژیم جمهوری اسلامی میتواند وظایف اقتصادی
جمهوری دمکراتیک را به انجام رساند! (یعنی
تجدید نظر در اصول مارکسیسم!) (ثانیاً رویزیو—
نیستهای اکثریت معتقدند که برای افزایش
تولید "تحقق کامل" این امر ("ملی کردنهای
جمهوری اسلامی) هم ضروری نیست! همان حاد قلی
که رژیم "مستقل" بر بخشهایی از اقتصاد تسلط
دارد برای افزایش تولید کافیست.

به عبارت دیگر آقایان معتزفند که دیگر
نیازی به جمهوری دمکراتیک خلق و رهبری
طبقه کارگر نیست، چرا که وظایف این حکومت
را رژیم "خرده بورژوازی" کنونی حتی در زمینه
اقتصادی، انجام میدهد، و منافع آن قسمت از
تولید که در اختیار رژیم است، عا بدر سرمایه داران
نگردیده و به خود کارگران و زحمتکشان بر میگردد!
واقعا که عجب "کشف" بزرگی است! رویزونیست
— های ما تمامی این لافها را تحت پوشش
اینکه قدرت سیاسی "ملی و مستقل" است، بخورد
هواداران خود میدهند، از این تحریف آشکار
واقعیات که بگذاریم، نشوری و رشکسته "راه رشد
غیر سرمایه دارانه" از لایبلی مقاله اخیر اکثریت
آشکار میشود، این بیانی که رژیم (بفـورش)
خرده بورژوازی و ملی میتواند حتی در جهـت
استقلال اقتصادی کشور تحت سلطه کارگامبردارد و
وظایف اقتصادی جمهوری دمکراتیک خلق را به
انجام میرساند، چه چیزی جز نشوری مرده مذکور
است؟

رویزونیستهای اکثریت بدفاع بی پرده از
بورژوازی بر میخیزند!
رویزونیستهای اکثریت با به استدلالن را

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



مواضع اصولی و استراتژیک خویش پای خواهند فشرد! کمونیستها "تاکتیک مناسب" را فقط آن تاکتیکی میدانند که نه تنها استراتژی آنها را نفی نکند بلکه در خدمت آن باشد. ما راه - کارگردار اینجا همدا با رویزیونیستها گشته و از این بابت ابراز نا رضایتی میکنم!

استدلال رویزیونیستها در این باره همواره این بوده است که کمونیستها "پیگیر" را به بر هر گونه انعطاف تاکتیکی "را مینهندند" از آنجا که تاکتیکی مناسب "تا توان هستند" اما در ک رویزیونیستها از "انعطاف تاکتیکی" و "تاکتیکیهای مناسب" چیزی نیست جز زیر پا گذاشتن هرگونه اصل و استراتژی کمونیستی. آنها برای این منظور از هرگونه تحریف و وارونه جلوه دادن حقایق ایثاتی ندارند، حال راه کارگر نیز - "مصمم" گشته است که از رویزیونیستها اکثریت تقلیدکنند از تکرار مصرا نه شعرهای آنها گرفته تا تحریف آشکار نقل قول لنین، همه و همه در خدمت این "مصمم" راه کارگر قرار گرفته اند! اما طبقه کارگر قهرمان ایران که طی مبارزات چندسال اخیر تجربیات و درسهای فراوان کسب کرده است، باید میگردید چگونه رویزیونیسم را از ما رکنسیم تمیز دهد و چگونه میان شعرهای رویزیونیستی و شعرهای واقعی و طبقاتی خویش تفاوت بگذارد. حال راه کارگر خودبا یسد تصمیم بگیرد که کجا ما را انتخاب کند، ولسی یک چیز را نباید از یاد دور نما بدو آنهم این است که راه کارگر با ارا که چنین شعرها شسی درست لب پرتگاه رویزیونیسم ایستاده است! همدارونقا!

سخن کوتاه یک کارگر

در زمان قیام ما میگفتند که پس از پیروزی در خانه تان را میزنیم و برای تان پول نفت و پوشتاک و غیره را میدهم... ولی حالا در منزل ما را میزنند و میگویند: "بیا شید جسد فرزندتان را بگیرید، او را کشته ایم."

از انتشارات جدید سازمان



با فتنه! رویزیونیستها اکثریت که بدنبال برادر برزگرشان حزب خائن توده روانند، چنان از خدمت به بورژوازی و رژیم مست گشته اند که برای خوشایند آنها هرچه از دهان نشان در میآید بخورد توده ها میدهند، و این هیچ تعجیبی ندارد.

راه کارگر و تکرار سخنان رویزیونیستها اکثریت:

زمانیکه رفقای راه کارگر به تکرار راپلاطلات رویزیونیستها میپردازند، جای بسی شگفتی است! رویزیونیستها اکثریت درجائی از مقاله مذکورشان مینویسند: "کسی که در شرایط کنونی شعر را افزایش تولید اشعار سرمایه داران میداند، در واقع حاکمیت را حاکمیت سرمایه داران معرفی میکند" بله، ما نمی توانیم وفا دار به آرمان کارگر باشیم، مگر آنکه بسه ما هیت سرمایه داران نه رژیم برده باشیم و "اکثریت" نیز اینترادریا فته ولی از آنجا که هدف خود را نه وفا داری به آرمان طبقه کارگر بلکه خیانت به آن، قرار داده است به تفرسی ما هیت سرمایه داران نه رژیم میپردازد. ما راه کارگر با تکرار رتبه های رویزیونیستی اکثریت نه تنها نخواهد توانست به آرمان طبقه کارگر وفا داریمانند، بلکه در صورت عدم مبارزه قاطع وجدی با انحرافات خویش به همان منجلابی درخواهد غلطید!

راه کارگر هیچ چاره ای ندارد با یسد همچون اکثریت با "ملی و فدا مهربا لیست" قلمداد کردن حاکمیت، به تطهیر بورژوازی میپردازد و با طرد تهرای رویزیونیستی اش به راه انقلاب وفا داریمانند. الگوسازی راه کارگر از شرایط پیش از انقلاب اکتبر در روسیه که طبقه کارگر در آنجا نتوانست انقلاب سوسیالیستی بود، در واقع التقاطی است که به راه نخست منتهی میگردد، بخصوص آنکه راه کارگر بر سرای پوشاندن ما هیت رویزیونیستی شعر را افزایش تولید در شرایط کنونی، به شیوه های اپورتونیستی تحریف واقعات و نقل قولهای لنین از یک طرف و برخورد غیر ما دقانه به کمونیستها (از جمله با زمان ما)، جهت مخدوش کردن واقعات، از طرف دیگر میپردازد. راه کارگر مدعی است که: "پیکار" در چهارچوب همه یا هیچ محبوس است و "با" در چهارچوب تحلیل کلی و تکرار اصول استراتژیک باقی مانده و از آنجا که تاکتیکی مناسب تا توان است! (همانجا - تاکیدها از ما است) این مطلب که اپورتونیستها و رویزیونیستها، کمونیستها و نیروهای انقلابی را آنرا ریشست و پیرو "چهارچوب همه یا هیچ" مینامند، تا زکی ندادند و میبینیم که راه کارگر و رویزیونیستها اکثریت اتفاقا در این مورد نیز به زبان مشترکی رسیده اند! چرا که "اکثریت" هم مینویسد: "آری با ردیگر اصل تلاشی آنرا ریشیم هیچ چیز یا همه چیز" در قالب شعر افزایش تولید مشروط ندایان میشود. (کار رویزیونیستی ۸۸ - تاکید از ما است) البته کمونیستها در هیچ یک از اصول خود با بورژوازی سازش نخواهند کرد و بر همه

این توهمات در بر خورد با واقعات چون حبابی از هم میپاشند! او جگیری مبارزات کارگران در کارخانجات و طرح خواستهای صنفی (اضافه دستمزد، مخالفت با کم کردن حقوقشان به بیانه جنگ و مخالفت با اضافه شدن ساعت کار، اعتراض به گران شدن سرمایه و آوارا خراج و بیکاری کارگران و...)، او جگیری مبارزات آوارگان زحمتکش، این قربانیان مستقیم جنگ ارتجاعی، گسترش مبارزات دانش آموزان و سایر زحمتکشان همه و همه گواهی اثر شدن حربه اخیر رژیم بر علیه توده ها، میباشند.

رویزیونیستها اکثریت با استناد به اندک تشکلات زرد و فدکا رگری رژیم همچون "خانه کارگر" و "با" تاکا به نا آگاهترین بخش کارگران میخواهند "حقانیت" خود را نشان دهند. ذر صورتیکه آنچه که آشکارا میشود، کرنش رویزیونیستها در مقابل رژیم سرمایه داری و سر فرود آوردن در مقابل منافع بورژوازی است!

کار رویزیونیستی مینویسد: "طبقه کارگر قهرمان ایران و همه نیروهای انقلابی نیز به طریق اولی با تداوم تولید و ترمیم و بازسازی اقتصاد ایران زده ما تاکتیکی اخلاکرا نه و مخرب امپریالیستی را در امر فتلج کردن اقتصاد ایران و شکست انقلاب، خنثی و بی اثر میکنند تا راه دشوار استقلال اقتصاد و... را بگشایند." (همانجا - تاکید از ما است)

رویزیونیستها اکثریت از "اقتصاد بحران زده ما" محبت میکنند ولی نمی گویند که چرا اقتصاد ما بحران زده است؟ آیا بحران عمیق اقتصاد ایران دنیا له همان بحران نیست که رژیم خائن شاه را سرنگون ساخت و مگر این بحران از ما هیت گندیده سرمایه داری وابسته ایران ناشی نمیکردد؟ میدانیم که بحرانهای اقتصاد ایران با به انقلاب منجر شده و بسود توده ها حل میگردد و با پایا سرکوب و اصلاحات بورژوازی موقتا بسود سرمایه داران و امپریالیسم حل میشود.

بنا بر این در ایران مگر از طریقی بجز نابودی سرمایه داری وابسته میتوان انتظار حل بحران اقتصاد را بسود توده ها داشت؟ پرواضح است که جواب منفی است اما رویزیونیستها اکثریت با فراخواندن نیروهای انقلابی به "تداوم تولید و ترمیم و بازسازی اقتصاد بحران زده ما" هدفی نداشتند جز آنکه بحران موجود را نه به نفع توده ها بلکه به سود سرمایه داران حل نمایند آنها از اینهم فراتر رفته این راه خود را منتهی به "استقلال اقتصادی" کشور قلمداد میکنند، به زعم رویزیونیستها، استقلال اقتصادی نیازی به رهبری طبقه کارگر و جمهوری دمکراتیک خلق ندارد و تحت حاکمیت رژیم ضد انقلابی کنونی نیز میتوان به آن دست

امپریالیست‌های غربی و تدارک تجاوزات و توطئه‌های جدید در منطقه

در هفته گذشته نمایندگان امپریالیست‌های غربی به کشورهای خاورمیانه مسافرت کردند. "لردکا ریگنتون" وزیر امور خارجه انگلیس به مراکش و مصر رفت، "هلموت اشمیت" صدراعظم آلمان غربی که موافقت خود را برای فروش تانکهای لئوپارد ۱ اعلام داشت به منطقه آمد، "ادوارد هیث" نخست وزیر سابق انگلیس برای فروش تانک به عربستان رفت، وزیر خارجه هلند به خاورمیانه مسافرت نمود و بالاخره "کی سینجر" که از مشاوران نزدیک ریگان میباشد، به مصر، سومالی، اسرائیل و عربستان مسافرت کرد.

رفت و آمدهای اخیر نمایندگان امپریالیست‌های غربی چه اهدافی را تعقیب میکنند؟ تشدید رقابت میان سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا در منطقه، واجگیری بحران اقتصادی در کشورهای اروپا و آمریکا و نیز زمرم این کشورها به نفت خاورمیانه و ورشدها و در نتیجه بی ثباتی فزاینده رژیمهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم غرب، امپریالیست‌های غربی را به تکیه بوی بیشتر گشاده است. این امپریالیست‌ها میگویند تا بطور مشترک قوای خود را هماهنگ ساخته و از منابع مشترک خود در خاورمیانه دفاع بکنند. وقتی که ۶۵ درصد نفت اروپا، ۷۵ درصد نفت ژاپن و ۲۰ درصد نفت آمریکا از این منطقه تامین میشود و وقتی که رشد روزافزون انقلاب توده‌ها در سایر منطقه علی‌رغم سرکوبها و توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی همچنان ادامه دارد و حمله نظامی روسها به افغانستان و تشدید فعالیت سیاسی نظامی شوروی در منطقه منافع همه امپریالیست‌های غربی را تهدید میکند، برو واضح است که آنها میگویند تا جهت مقابله با اوضاع "نگران کننده" آینده اقدام نمایند. ژنرال هیگ میگوید: "اگر تا تو بخواد هم موثر باشد بیستی افقی فعالیتش را گسترش بخشد، اروپا کافی نیست." این گفته بطور ملموس منافع تبهکارانه همه امپریالیست‌های غربی را یادآور شده و بر ضرورت گسترش فعالیت مشترک این کشورها در سایر نقاط جهان و زجمله خاورمیانه تا کید میوزد، در همین رابطه امپریالیست‌های غربی میگویند تا نفوذ خود را در کشورهای منطقه تحکیم بخشیده و رژیم‌های مرتجع وابسته بخورد، بیش از هر زمان دیگر تقویت نمایند.

در این میان امپریالیسم آمریکا و اروپا همکاری‌هایی که پیشتر نقش فعالی بازی میکنند، مسافرت‌های اخیر کیسینجر به منطقه و بخصوص به کشورهای مانده فلسطین اشغالی، مصر و عربستان سعودی نشان میدهد که آمریکا در پی آنست تا بنحویس باقیه‌ای این رژیم‌ها را



استثمار کارگران در شوروی

با زکشت سرمایه داری در شوروی ستیم طبقاتی بورژوازی را در تمام عرصه‌ها گسترش داده است. تقسیم نا عادلانه درآمدها یکی از مواردی است که تشدید شکاف طبقاتی و تعمیق تضاد طبقاتی را در شوروی را بنمایش میگذارد. این تقسیم نا عادلانه نشان میدهد که بورژوازی - ریزبونیست‌های حاکم چگونه به استعمار روحیانه توده‌های زحمتکش کارگر و دهقان پرداخته و بقیمت فقر و فلاکت توده‌ها،

بهترین شرایط زندگی را برای خود تامین نموده اند. ریزبونیست‌ها از طریق افزایش حقوق و مزایای کارهای رهبری کنندنده، کارمندان حزبی و دولتی، ژنرال‌ها و فرمان عالی رتبه ارتشی، متخصصین و تکنوکرات‌ها، نویسندگان و هنرمندان در یک کلام بورژوازی نوین به تامین زندگی انگل و او خود پرداخته و هر چه بیشتر اختلافات طبقاتی را دامن می‌زند. زندگی از این موارد اختلاف، میزان دستمزد - ها است در یک قاعده عمومی در دستگا‌های تولیدی، مدیران کارخانه‌ها، بیش از ۱۰ برابر دستمزد یک کارگر متخصص، حقوق دریافت میکنند. مثلا مدیران کارخانه لایب‌ساز مسکوک حقوق ماهانه‌ای معادل ۱۰۰۰ روبل میگیرند، در حالیکه دستمزد یک کارگر همین کارخانه حدود ۶۰ تا ۷۰ روبل میباشد. بمعنی دیگر این مدیران و تکنوکرات‌ها حقوقی بیش از ۱۶ برابر یک کارگر زحمتکش دریافت میکنند. البته غارت کارگران توسط بورژوازی فاسد حاکم بر شوروی به حقوقیهای کلان محدود نمی‌شود. ریزبونیست‌ها قوانین مختلفی گذرانده و رفرفرمهای متعددی انجام داده اند تا به اهداف ستمکارانه خود بهتر برسند. بعنوان نمونه مدیران کارخانه خود می‌توانند سطح دستمزدها را تعیین کنند. کارگران را

استخدام با اخراج کنند، ریتم تولید را بالا ببرند و یا دست‌ورسها را و مدیران میرسد و انگیزه مادی به دست رهبران و مدیران میرسد بر طبق همین محاسبات مهندسی و تکنیسین‌ها در واحدهای تولیدی در هر ماه بطور متوسط ۱۲ برابر کارگران و کارمندان و برورکارها تا ۷ برابر کارگران از زل با داشته خود اختصاص می‌دهند. (منبع آمار: اکونومیسکایا، شماره ۲، سال ۱۹۷۲، صفحه ۴۲). چاب مسکو) بدین ترتیب متوجه میشویم که بورژوازی نوین، بخش مهم مبلغ مربوط به یادها را بچنگ آورده و کارگران را شدیداً مورد ستم قرار میدهند. و باز بر اساس یک مجله روسی بنام "پرش‌های اقتصادی" در ۷۰۰۰ موسسه صنعتی تحقیقاتی در مورد چگونگی

تقویت کرده و آنها را به با یکا‌های مطمئن و کاملاً تعرضی در برابر، کیسینجر در سفر خود به اسرائیل از دولت آمریکا خواست که به عنوان اختیاریه شوروی در مورد نفوذ بیشتر در خاورمیانه در این منطقه با یکا‌های نظامی بدست آورد. بعلاوه از دولت آینده ریگان خواسته است تا به موافقتنامه‌هایی که بوسیله کارتر منعقد شده مفاد بی‌بازگشتی را به آنها حضور چشمگیر آمریکا در منطقه ممکن شود و روشی استراتژیک که ایالات متحده را قادر به رویا رویی با بحران منطقه سازد، اتخاذ گردد.

با توجه به چنین سیاستی است که هدف سفر کیسینجر به سوما لی جهت فعال نمودن با یکا‌های عظیم "بربره" به مرجعیت فروش ۴۰ فروتنده هواپیما پیشرفته اف ۱۶ و ۲۵۰ دستگاه تانک ام - ۱۶، به اسرائیل جهت تقویت نظامی گسترده - تر رژیم صهیونیستی و به عربستان جهت ارسال آواکس‌های جدید و فروش تسلیحات تازه مشخص میگردد.

بدینال همین سفرها و هدفهای تها و زگرانه است که یکی از مقامات آمریکایی که در خاورمیانه دیدن میکند در آخر هفته گذشته گفت: "آمریکا با بیدرک کند که در این منطقه چیزهایی دارد که با دیدن آنها بچنگد."

امپریالیسم جنایتکار آمریکا میگویند تا از طریق مسافرت‌های کیسینجر به تنها زمین‌ها مقابله جویی بیشتری با سوسیال امپریالیسم روس فراهم سازد، بلکه همچنین توطئه‌های جدیدی را علیه خلقهای منطقه به اجرا درمیاورد

بشبه از صفحه ۲ ... سرمقاله ...

دمکرات نظیر ما هدین و مواضع لیبرالی آنها از سوی دیگر است.

دانشجویان و دانش‌آموزان کمونیست و انقلابی ایاتمام توان به تبلیغ حول شعارهای کسب آزادی فعالیت سیاسی در بازگشتی سنگر دانشگاهها بپردازد و در این میان از تمام ابزارها و سوییژه‌ها زمان دادن نظاهرات سراسری برای تبلیغ این شعارها و تامین پیوند جنبش انقلابی دانشجویی و دانش‌آموزی جنبش اوگیرنده و روبه گسترش کارگران و زحمتکشان حداکثر استفاده را بعمل آورید. پیروزی آزماست!

باز هم یورش باز هم گشتار فرزندان انقلابی خلق

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر روز شنبه ۵۹/۱۰/۱۲ بهرام فرحناک از هواداران مجاهدین خلق توسط جماعتداران حرفه‌ای حزب چماق (حزب جمهوری) احین نصب اعلامیه با ضربات قهقهه و جاقو به شهادت میرسد.

در مراسم تشییع جنازه مجاهد شهید در روز یکشنبه ۵۹/۱۰/۱۳ جمعیتی در حدود ۷۰۰۰ تن با عزمی آهنگین شرکت میکنند.

در این روز مدارس شهر عملاً به دلیل شرکت دانش آموزان آگاه و مبارزان را زردر راهیما بی به حالت تعطیل در آمده و با نظم خاصی (عمدتاً) هواداران مجاهدین با حمل پلاکارد دادن شعارهای افشاگرانه به محل شروع مراسم (خانه شهید - محله تختی) راهیما بی نمودند.

راهیما بی با گذشتن از میدان شهرداری با حمله مسلحانه قداره بندان و پاسداران، ضرب و شتم دستگیری و... برآکنده میشود.

در گریه‌ها در کوچه‌ها و خیابانهای اطراف تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه داشت.

اگرچه مجاهدین با پیوستنشان به صفوف مقاومت به پتانسیل آن افزوده اند، لیکن به هیچوجه شعارها و خواسته‌های توده‌ها در شعارشان منعکس نشده و تنها صحبت از جوشیدن و خروشیدن مجاهد و مبارز بوده است.

هواداران سازمان ما با حمل پلاکاردهای افشاگرانه در این راهیما بی حضور داشتند.

چه کسانی نفت را احتکار می‌کنند!؟

ارومیه

دراو خراب‌آذر ماه، کمیته‌چی‌ها در جستجوی "نفت" ذخیره شده، خانه‌یک بقال را تفتیش میکنند. پیشه‌ورمزیور پس از اعتراض به آنها میگوید که "لطفاً خانه‌همسایه ما را هم بگردید". کمیته‌چی‌ها در جستجوی خانه‌همسایه دوتا نکر نفت پیدا کرده و جریان را به ملا خراسانی رئیس کمیته و رومیه اطلاع میدهند. وی میگوید که هرکس در این موقعیت دوتا نکر نفت پنهان کند باید اعدام شود. پس از اینکه افراد کمیته آدرس خانه را به ملا خراسانی مرتجع میدهند، او درمی‌یابد که این مقدار نفت از خانه خودش کشف شده است و در نتیجه با تغییر لحن مسئله را بی اهمیت تلقی کرده و به کمک مقامات قضیه را بخوشی فیمله میدهد. در شبی ده‌آیت‌الله بهشتی مرتجع به مردم زحمتکش تومیه می‌کند که برای گرم کردن خود، همه خانواده در یک اتاق جمع شوند و در اغلب مناطق حتی سهمیه هفتگی ۲۰ لیتری نفت هم نمیرسد، کارگزاران و سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هزاران لیتر نفت (نفتی که میبایست بین مردم تقسیم شود) برای خود ذخیره می‌سازند.

کشور ارتجاعی که در آن بورژوازی حاکم بود و طبقه کارگر را شدیداً تحت ستم و استعمار قرار داده است. اگر شوروی در زمان لنین و استالین میهن کارگران بود و دولت از آن طبقه کارگر بود اما شوروی در زمان خروشچف و برژنف میهن بورژوازی فاسد و زلومت است. بورژوازی که شوروی را به یک قدرت امپریالیستی تبدیل کرده اند. این واقعیات امروزه تنها بوجی تبلیغات سوسیال امپریالیسم را افشا میکند، بلکه همچنین مضمحل محکمی است بر دهان رویزیو - نیستهای خائن حزب توده و فدائیان اکثریت آنها می‌کوبد در شوروی استعمار نیست و دولت از آن طبقه کارگر است. ولی خوبست آنها حساب دهند که وقتی یک بورژوازی انکل صدرا بریک کارگر در آمد دارد، اسم آن را چه میتوان گذاشت؟ آری برخلاف تبلیغات رویزیونیستهای خائن امروز طبقه کارگر شوروی شدیداً تحت ستم و استعمار قرار داشته و تنها راه رهاشسی آن انقلاب علیه طبقه حاکم در شوروی است. (ارتقا م‌فوق از نشریات آلبانی و از مجله "آلبانی امروز" شماره ۳ (۲۸) ۱۹۷۶)

منتشر شد:



اینک هریک می‌کوشد، خود را فاتح ایمن نبردها اعلام کند و در نتیجه از این تمد، کلاه قدرت بی‌فاد. مسئله مهم برای توده‌های ما در اینجا این است که ما هیت جنا پیکار را نه هیت - خاکمه را در استفاده از این جنگ ارتجاعی دریا بند، مسائل فوق نشان میدهند که جنای رقیب، از جنگ نه تنها برای مهاگردن و سرکوب انقلاب استفاده میکنند، بلکه جنگ نیز با زیجه - ای است که میتوان ندر خدمت دعوی قسدرت جناحها درآید. کی با بد حمله کرد؟ زمانی که بیشتر بسود جناح ما باشد. کی با بد عقب نشست؟ زمانی که به موقعیت این جناح در حکومت لطمه نزد و قس علیهذا... بدین ترتیب بیش از پیش آشکار میشود که "میهن" حزبها و لیبرالها چیزی جز قدرت حکومتی برای استعمار و غارت و سرکوب زحمتکشان نیست

توزیع عایدات کارخانه بعمل می‌آید. طبق این تحقیقات، کارگران که ۸۰ تا ۹۰ درصد کارکنان این موسسات را تشکیل میدهند، فقط ۱۸ درصد عایدی کارخانه را دریافت می‌دارند. حال آنکه مدیران و متخصصین ۸۲ درصد عایدی کارخانه را به جیب می‌زنند و حتی در برخی موسسات سهم کارگران به ۸ و یا ۳ درصدی رسد. بنا بر این با یک حساب مختصر میتوان فهمید که یک بورژوا - رویزیونیست فاسد، با حقوق‌های کلان، با مزایای فراوان، با دزدیدن پاداشها، با افزایش ریتم تولید، با کم کردن دستمزد کارگران و با دهها دزدی و سوداگری دیگر، عملاً ما را نه ۱۰۰ برابر دستمزدنا چیزیک کارگر زحمتکشان را به غارت میبرد. یعنی یک بورژوازی انکل مجموعاً درآمدی معادل ۱۰۰ برابر کارگر زحمتکش چپا ول میکند، پرواضح است که بهترین شرایط زندگی و رفاه را به قیمت استثمار و سرکوب توده‌ها برای خودنا مین کند.

آری واقعیت امروز شوروی اینست: یک

بقیه از صفحه ۳۲ جنگ...

لیبرالها این منظور را دنبال میکردند، که ادامه جنگ بصورت پیشین و عدم تهاجم به عراق بر مشکلات دولت رجا شی افزوده و در نتیجه - حزبها را در موقعیت ضعیفتری قرار میدهد.

سخنان بهشتی در نماز جمعه پیش از آن و تلگراف آیت‌الله منتظری به ما مجمعاً هوازی و ذکر این مسئله که "از جریانات موجود در جبهه بسادگی نمیتوان گذشت". (همانجا ۱۱ دی) بخوبی نشان میدهد که جناح حزب از این نقشه لیبرالها آگاهی داشته و در واقع با تلگرام منتظری کوشیده است، آن نقشه را خنثی ساخته، به خود تبدیل نماید. تلگرام منتظری که قاعدتاً می - بایست به فرمانده کل قوا فرستاده شود به امام جمعه هوازی ارسال شد و از این روزگ خطر برای بنی صدر مصادراً وارد. چرا که در واقع منتظری امید "ما و ما" حزبها، تقریباً از جانب ولایت فقیه سخن میگفت و این تلگرام، یعنی بهیچ گرفتن مقام فرماندهی کل قوای بنی صدر نمیتوانست مقدمه‌ای برای گرفتن این مقام از بنی صدر باشد، در واقع حزبها با این تلگرام به بنی صدر گفتند که نخواهند گذاشت با استفاده از فرصت مناسب از این حمله بنی صدر بسود خود در جنگ قدرت استفاده کند، بهرحال هراس باغیر از دست دادن مقام فرماندهی کل قوا، موجب شد که لیبرالها، از تهاجم در موقعیتی مناسبتتر چشم پوشیده و به استفاده تبلیغاتی در شرایط کنونی بسنده کنند و در یک کلام مجبور به پذیرش نظر حزبها به تهاجم در شرایط کنونی گردند اما اینک همین حمله نیز (جدا از بزرگ کردن آن توسط همه جناحها برای فریب توده‌ها و متوهم کردن آنها) خود به رقابتها دو جناح برای قدرت، ادامه زده است.

بقیه از صفحه ۳۲ بن بست ...

دیگر در ادا مه جنگ قدرت با زهم موردتها جسم
لیبرالها قرار گرفته اند. به ضعف خود اعتراف
میکند. لیبرالها با شدت بیشتر، حزبیه را به
اتخاذ شیوه های غلط دستکوب که حتی منجر به شد
انقلاب میشود، بی لیاقتی در حل بحران و
نا توانی در با سازی سرما به داری وابسته
متهم میکنند، نمونه اخیر، اعلامیه جامع
اصناف و بازاریان بود که از رجا میخواست
بعلت بی لیاقتی کنار رود طبق میسل
جبهه ملی و دیگر لیبرالها جای خود را به
"متخصصین لیبرال" بیاورد. اما طبیعی است که
اعتراف این حضرات به ضعف، نه از زاویه
اعتراف به حفظ سیستم سرما به داری وابسته و
ضدیت با انقلاب بلکه از زاویه فریب توده ها و
کوشش در جهت پوئانندن علل اصلی بحران کنونی
جامع است.

خامنه ای در نما زجمعهاش به مشکلات
اعتراف میکند و تراناشی از اشکالات طبیعی
هر انقلابی عنوان میکند و میگوید:
"مشکلات انقلاب یک مقدار مربوط به تغییر
وضع است... یک مقدار مربوط به گریه
رقص تپها ای است که ضد انقلاب از داخل و
خارج برایش درست میکنند (جمهوری اسلامی
۱۳۵۱ د.)

بهشتی نیز به این مشکلات اعتراف میکند،
منتها میخواست هدای دولت را از حساب این
مشکلات بیرون بکشد، (همانجا) رجا نشی
مشکلات راناشی از جنگ و نیز مسائل مربوط به
برنا مریزی دولت میدانند. (همانجا ۱۶ دی)
آیت الله خمینی نیز ضمن اعتراف به مشکلات
دست به دعا بر میآورد و میگوید: "امیدوارم همه
کارها اصلاح شود و با موفقیت پیش برود و این
گرفتاریها انشاء الله بکلی رفع بشود". (همان
جا ۱۷ دی)

آری گرچه جنبش توده ها، هم نظور که رژیم
شاه را وادار به اعتراف به ضعف میکرد، در هفته
گذشته پیش از پیش رهبران حزبی حکومت را به
اعتراف واداشت. اما آنها کوشیدند با اعتراف
به ضعفها نشان علل اصلی مشکلات را بیوئانند.
این مشکلات نه ناشی از مشکلات طبیعی هر انقلاب
و... بلکه اساسا ناشی از ما هیت طبقاتی
حکومت، ضدیت آن با کارگران، زحمتکشان و
اصولاً ضدیت با انقلاب دمکراتیک و ضد امپریا -
لیستی خلقهای ایران برای ریشه کن کردن
امپریالیسم و ارتجاع بوده است. "مشکلات"
در جامعها وجود داشته و خواهد داشت چرا که رژیم
جمهوری اسلامی بمثابه نگهبان سرما به داری
وابسته و ردروی انقلاب و خلقها ایستاده است.
از دیدگاه انقلابی این "مشکلات" با حرکت در
جهت نابودی امپریالیسم و کلیه طبقات ارتجاعی
و توسط انقلاب زحمتکشان از بین میرود. اما
سرما به داری وابسته به امپریالیسم و رژیمهای
آن وجود دارد. این "مشکلات" نیز وجود دارد. این
همان مسئله اساسی است که رهبران حزبیی

(و نیز لیبرالها) با هزار ترس و لرز میخواستند
آنها بیوئانند. پس راه حل انقلاب مشخص است
ببینیم خدا انقلاب چه راه خلی پیشنها دمیکند.
ثانیا - اما راه حلها!

راه حل مورد نظر حضرات طبیعی است، راه
حلی برای جلوگیری از انقلاب و حفظ سیستم است
خامنه ای یک راه حل را جلوگیری از مبارزات
انقلابی توده ها عنوان میکند و میگوید: "هرگونه
اعتصاب و تحصن امروز خیانت به اسلام است." و
توده ها را به "صبر" و تسلیم به حاکمیت سرما به -
داران دعوت میکند. (همانجا ۱۳ دی) راه حل
بهشتی در حقیقت مکمل راه حل خامنه ای است.

او از توده ها میخواست هدکها به دولت، "همکاری،
همگامی و همکاری کنند"، "اوتردیدار آفت
انقلاب مینامد" و عدم تردید در حمایت از دولت
را راه حل عنوان میکند. (همانجا) خامنه ای
میگوید: زحمتکشان را بر علیه سرما به داری وابسته
مبارزه نکنند و بهشتی میفرزاید، از دولت حامی
سرما به داری وابسته حمایت کنند. چرا که حلهای
جالی! اما صریحتر رهنمودهای دیگر حضرات
نیز به همین انداز جهت توجه است. رجا نشی راه
حل را در ۱- مقابل به "ضد انقلاب" (بخوان نیرو
- های انقلابی) که بقول رجا نشی "آرامش"
جمهوری اسلامی را بهم میزند و عدم توجه توده ها
به افشاگریهای آنها. ۲- حمایت توده ها از
دولت و بخصوص همکاری کارگران و کارمندان با
رژیم، ۳- کمک لیبرالها و متخصصین در برنا مه -
ریزی، میدانند. و از لیبرالها انتقاد میکنند که
چرا برنا مه خود را ارائه نمیدهند و سوگند میداد
میکند که اگر برنا مه لیبرالها، دولت را ازین -
بست کنونی نجات بخشد، آنرا بمورد اجرا
در آورد. آری او از برنا مه لیبرالها استقبال
میکند، منتها اگر لیبرالها سرکردگی حزب را
بپذیرند و به انتقاد در آید، و برای تخفیف
بحران حتی نقل قول "برادر رئیس جمهور"
را در مورد جنگ، که "اگر جنگی از روی غلبه
باشد، شکست نمیخورد." را میآورد و آنرا کلام
خدا، اسلام، قرآن و رهبری نامند. (همانجا ۱۶
دی)، آیت الله خمینی نیز در ملاقات با دولت
ضمن حمایت بیدریغ از دولت راه حلهای خود را
ارائه داد. او فکر میکرد حمایت از دولت خود
نیز میتواند یک راه حل جادوشی برای حقانیت
بخشیدن به این دولت در نزد توده ها باشد. گرچه
با بدگفت، در نیست آثر ما تیکه به آیت الله
خمینی بگوئیم "آن سبب شکست و آن پیمانها
ریخت!" بهر صورت آیت الله خمینی دور راه حل
ارائه میدهد، یکی تبلیغات بیشتر، برای جلب
حمایت توده ها از دولت از طریق رادیو و تلویزیون
و دیگری حل اختلاف با لیبرالها، چرا که:

"گرفتاری امروز ما همین اختلافات است که
مشاهده میشود. شما هر چه کار کنید اگر اختلافات
را کوشش نکنید که رفع بشود، کارهای شما را آن
کسانی که بخوانند یک عیبی بگیرند، به آن عیب
میکینند. شکی نیست، آنها نشی که افتادها هستند
دور با زاو کوجه این طرف و آن طرف سمپاشی

میکند" (همانجا ۱۷ دی) در واقع آیت الله
خمینی پیشنها دادن رشوه به لیبرالها برای
بستن دهانشان را میدهد، بهر حال اگر خمینی
کنند، رهبران حزبی در هفته گذشته ۳ راه حل
برای بیرون آمدن از بن بست کنونی ارائه دادند.

۱- جلوگیری از رشد انقلاب و مبارزات توده ها
و سرکوب انقلابیون
۲- تبلیغات وسیع در میان توده ها و بطور
کلی کوشش در جلب حمایت توده ها و جلوگیری
از گنده شدن بیشتر مردم از رژیم توسط تبلیغات
۳- کوشش برای رفع اختلافات با لیبرالها
(چرا که بهر صورت در مقابل انقلاب دارای منافع
مشترک و وحدت نظر هستند).

اما این راه حلها بشحقیرند. طوفانی که در
راه است، نسیمی که هم اکنون میوزد و بوی خوش
اعتلا را در سراسر زمین خونین می پراکند تا این
دست و پا زدن، قابل ملاحظه رکزند نیست. رهنمود
ضد انقلاب برای ایجاد مانع در راه انقلاب سیل
- بندی پوئالی است که نخواهد توانست در
جلوی امواج توده ها مقاومت کند. این از راه
حل اول، اما راه حل دوم نیز نتوانسته است از
گنده شدن روز افزون توده ها از رژیم جلوگیری
کند. درست است که با استفا ده از توهم نا آگاهی
توده ها و احساسات مذهبی و... با تبلیغات
فراوان خود توانسته اند روند فروریختن توهم
توده ها را کند تر کنند. اما واقعیت سرخستند و
بخصوص با افشاگریها و قدرت یابی بیشتر
نیروهای کمونیست و انقلابی همچنان که، این
حریتها کنون بر بخش وسیعی از توده ها اثر خود
را از دست داده است. در آینه ای نه چندان دور
در میان زحمتکشان بی اثر خواهد گردید. و اما
راه حل سوم نیز، سترون بودن خویش را تا کنون
به درون جناح رقیب هیات حاکمه نیز نشان داده
است. و بنظر میرسد مطرح شدن آن از طرف آیت -
الله خمینی و رجا نشی بیشتر بیابا موضع ضعیف
فعلی و یک تا کتیک لحظه ای بسیار موقتی باشد
کشکشیای در برینه لیبرالها و حزب سرکسب
سرکردگی در حاکمیت، با سخاوت متفا و ایشان
به مسائل اساسی با سازی سیستم و سرکسب
انقلاب (علیرغم وحدتشان در حفظ سیستم) آنهم
در این شرایط اعتلا انقلابی و ترک برداشتن
حاکمیت بر اثر جنبش توده ای و... آنچنان
با اهمیت هستند که به یقین اختلافات نه تنها
فروکش نکرده، بلکه مانع وسیعتری نیز بخود
خواهد گرفت.

و اما راه حل انقلاب چیزی نیست مگر دمیدن
بر آتش جنبش خلق، مگر در زمانه ندهی و هدا بست
جنبش توده ای، اگر نیروهای انقلابی و مخصوص
کمونیست موفق به ارائه لترات تیونیر و مندی
در نزد توده ها کردند، راه حلها ای ضد انقلاب، چون
دیوار گلین در موا جه سیل فرو میریزد، جنبش
توده ای روریر و نیرومند تر و دشمن ضعیفتر
میکردد. با آما ده شدن هر چه بیشتر وندار کارگران
- دهی و هدا بست هر چه کار ملا تر این جنبش، این
با ر دیگر از توده ها عقب نمائیم!

کمکهای مالی دریافت شده

ملاحظات کوتاه

"کلاه مکتبی" برای
سر وزیر دادگستری بود!

رجائی روزهای اول که صدرا عظمی شده بود میگفت کابینه را از نسل ۱۷ شهریور انتخاب میکنم ولی وقتی تحفه‌های نظیر دوز و زانسی و بهزاد نسبی را عرضه کرد و مثل آقای بازگان در تشکیل دولت "دچار قحط الرجال شد، آقای احدی را که یک "نودولت" بود و "جویای نام" بی‌عنوان و وزیر دادگستری به "ملت قهرمان" معرفی کرد! این آقای احدی که پس از چند ماه وزارت در هفته گذشته استعفا کرد آنقدر مبارز و انقلابی بوده که در سال ۵۶ یعنی زمانیکه ایران در آستانه نقیاب عظیمی بوده است کشور را برای "تحصیل در کشور فرانسه" رها میکند و فقط دو ماه (تعجب نکنید!) پیش از نشستن بر مسند وزارت دادگستری به ایران بر میگردد. او که هواراشدیدا "مکتبی" می‌بیند، سرخود را برای کلاه مکتبی آماده میکند ولی نمیداند که با کلاه بر سر کسی که به هوای لیبرالی پارسیس عادت کرده خیلی گشاد است. به پشتگرمی داشتن آقای شجونی که نما بنده مجلس "جز" دارد و دسته حزب جمهوری اسلامی است "توکل کرده" بسا نشستن بر کرسی وزارت دادگستری خود را "مطرح" می‌سازد ولی نمیداند لیبرال‌ها مثل بازگان و بنی صدر که در دربار ریویزی و ماساها با خطا ما و حزب وگوش خوا با بدن برای فرصت مناسب جهت خیانت بیشتر به مردم گوی سبقت را بر بوده اند طاق نشان خیلی بیشتر از وزیر "نوکیسه" ای است که تا ز راه رسیده و تحمل مرونی بهشتی را ندارد!

افشاگری قسطی!

ملاحظه نویسی وقتی افشاگریهای مستند و تکان دهنده ای را که اخیراً در نشریه مجاهد منتشر شده (مثلاً در مورد بهشتی، داندنجویان خط امام، جریانات شکنجه و ما شاء الله قصاب و...) دید، بی اختیار از خود پرسید:
واقعاً بکدام ملت، سازمان، مجاهدین که در صف انقلاب و خلق قرا را در پی خود جا زده می‌دهد اینگونه اسناد افشاگریها را که برای بالابردن آگاهی توده‌ها مثل هوای تنفس ضروری است مدتها پیش خود نگه دارد و هر چند وقت "اندکی از بسبار" آنرا "گرم ملحت" نبود، منتشر کند؟ و یکدام علت خود را مجاز نمیداند که توده‌ها را از شناخت دشمنان نشان محروم سازد؟ آیا توده‌ها، سیاست

Table with multiple columns listing names and amounts. Includes names like 'مهندس هدیه اتسید', 'دانش آموزان تهران', 'کارگران', etc.

Table with multiple columns listing names and amounts. Includes names like 'محمود ۴۰۰۰', 'دانش آموزان تهران', 'کارگران', etc.

ولخرجی ۷۰۰ هزار تومانی در هتل هیلتون!

ملاحظات کوتاه

افشاگری قسطی و "مصلحتی" را با هر توجیهی - تاکتیکی و "مقطعی" هم که باشد، خواهند پذیرفت؟ و آیا صراحت در افشای چهره دشمنان خلق حد - اقل انتظاری نیست که توده‌های زحمتکش از سازمانهای انقلابی دارند؟

حجاب اسلامی یا آخرین مداروپایی!

رژیم جمهوری اسلامی که در بوق و کرنا دم از سادگی ظاهری و "حجاب اسلامی" میزند، در آنجایی که پای سوده‌های کلان میلیونی "تجار محترم" در میان باشد همه را بدست فراموشی میسپارد.

بد نیست بدانید که شرکت واردکننده مجله فرانسوی مد "سوردا" که تیراژ بالای ۸۰ هزار را در ایران دارد و بسته به بنیاد مستضعفین است و همچنان موظف با شفا هتاشا هی خود ادامه میدهد. این مجله که آخرین مدلهای لباس در اروپا را برای زنان سرما به داران به نمایش میگذارد، سالانه میلیونها تومان از دسترنج زحمتکشان ما را به جیب گشاد سرما به داران روانه میسازد. و از آنجا که ایران یکی از دو کشور است که فروش این مجله در آن از تیراژ بسیار بالا سود کلان برخوردار است، سرما به داران فرانسوی زحمت ترجمه فارسی آنرا هم خود تقبل کرده اند و تنها زحمت وارد کردن آن را بسپارند مستضعفین! به عهده دارد.

زنان افشار مرفه و بویژه خانواده‌های تجار و بازرگانان "محترم" و "روحانیون بزرگ" از لباسهای مدرن و جواهرات بتجوی حریمانه استفاده میکنند، البته جواهرهای بسیار گرانبه قیمت خارجی آنها را از چشم "نامحرمان" که همان طبقات زحمتکش هستند، پنهان میدارند.

همدردی می کنیم. امیدواریم که خداوند جنایت این دور رژیم را از سر ما قطع کند ما از تمام آزادیخواهان و نیروهای مترقی ایران تقاضا داریم که به خلق کرد و جنبش مقاومت یاری و مساعدت برسانند و در سطح ایران جنایتهایی را که دولت جمهوری اسلامی به مردم کرد روا می دارد افشا بکنند. چون ما بواسطه کمبود امکانات و ارتباطات که خیلی ضعیف است نمی توانیم آنچه را که در کردستان میگذرد به آگاهای مردم ایران برسانیم تقاضا داریم که آنها با تمام نیرو به این وظیفه انسانی و ملی خود عمل نمایند.

(تلخیص از "پیکار کردستان شماره ۴)

تاریخ: ۲۸ - ۲۹ شهریور ۵۹
شماره: ۸۶۱

تولید: ۲۶ شهریور ۵۹
انتشار: ۲۸ شهریور ۵۹

تیراژ: ۱۰۰۰
قیمت: ۱۰۰۰

موضوع: ...

تولید: ...

انتشار: ...

تیراژ: ...

قیمت: ...

موضوع: ...

تولید: ...

انتشار: ...

تیراژ: ...

قیمت: ...

موضوع: ...

یک قلم دیگر از این مخارج گزاف درستی دیگر، مورخه ۲ و ۸ دی ماه ۵۹ آده است (متأسفانه بعثت کمبود چاپ شد) که برای ۹۰۰ نفر که از خوزستان و دزفول برای دیدار ما آمده بودند با بست اقامت یک شب در هتل هیلتون (استقلال) و صرف صبحانه و ناهار و شام ۲۵۲ هزار تومان خرج شده است!

آری، رژیم کجای منافع سرما به داران است، تنها با نیرنگ و فریب و تبلیغات دروغین و ولخرجیهایی که همان ماهیت خرجهای دوره شاهنشاهی را دارد، می توان به زندگی ننگین - اش ادا میدهد، اما بدون تردید، آگاهی توده‌ها ریخته شدن توهمنات آنان نسبت به رژیم و مبارزه مستمر در راه انقلاب رهائی بخش کارگران زحمتکشان، بساط رژیمهای خدمتگام را برهم خواهد ریخت. آری توده‌های خلق حکومت ستیز جمهوری اسلامی را تا بود خواهد کرد.



در حالیکه رژیم فریاد میزند "ملت! ملت! صرفه جویی کنید. در مصرف آب، برق، بنزین، بنفت، خوراک، پوشاک، چای، قند، شکر و قلم و کاغذ صرفه جویی کنید..." و تا وان این به اصطلاح صرفه جوییها را با ساکارگران و زحمتکشان و کودکان آنان میبردند،

در حالیکه نماینده خرمشهر در مجلس شورای اعراف میکند که به هزاران آواره ستم دیده جنگ آنقدر غذا و وسایل ندادند که آنها را پیش ازده روز گرسنه نگه داشتند که برخی از آنان به کدائی کشیده شده اند!

در حالیکه با راه انداختن تبلیغات وسیع دست گذاردن بر روی حساسترین عواطف توده - ها، زحمتکشان شهروستان را مجبور میکنند - همه‌ای از آن خالی خود را به جیب بفرستند، - در حالیکه کارگران و زحمتکشان و بیگانه شده بنا در جنوب برای شکایت به تهران می آیند و شب جایی برای خوابیدن نمی یابند،

آری در چنین وضعی هزاران تن از مردم نا آگاه و شهروستانها را برای دیدار ما با شرکت در تظاهرات فرمایشی بنفع رژیم - تهران می آورند و در هتلهایی نظیر هتل هیلتون از آنها پذیرائی میکنند. یک قلم از این ولخرجیهای "آریا مهری" و "۲۵۰۰ ساله‌ای" پذیرائی ۱۸۰۰ نفر است که برخلاف ادعای رژیم همگی از خانواده شهدا نبوده بلکه آنها را از اطراف امضا جمع کرده بودند. خرج هر نفر در هتل برای یک شب ۲۵۰ تومان بوده است! خرج این افراد که برای دیدار ما آمده بودند در یک شب ۴۵۰ هزار تومان شده است که بنیاد شهید بطور پیش پرداخت، صد هزار تومان آنرا پرداخت کرده است. ضمناً قرار بوده این افراد در تظاهرات ۲۸ آذر "بنفع روحانیون و حمایت از ولایت قبیله" شرکت کنند که برنامهم آن لغوشده! سند مربوط به اقامت این عده بتاریخ ۵۹/۹/۲۵ میباشد.

تقریباً ۶۰۰ هزار نفر از مردم خوزستان در جریان این تظاهرات در راه آزادی شرکت کردند. این تظاهرات در تمام نقاط خوزستان و در تمام شهرها و روستاها برگزار شد. این تظاهرات در تمام نقاط خوزستان و در تمام شهرها و روستاها برگزار شد. این تظاهرات در تمام نقاط خوزستان و در تمام شهرها و روستاها برگزار شد.

بقیه از صفحه ۶ صاحبیه...
شاید است که جنگ با عراقی ادا می‌دارد، یک آن‌بورش و حمله هیئت حاکمه به شهرها و روستاهای کردستان قطع نشده و مردم کرد در زیر گبار رویمباران هستند و در محاصره اقطاعی قرار گرفته اند با ساران و ارتش ضد خلقی از هیچ جنایتی خودداری نمی - کنند! آموزش و پرورش در کردستان منحل است و حقوق بیشتر کارمندان و معلمان قطع شده است وضع مردم از حیث اقطاعی در غایت ناراحتی است با مردم ایران این را بدانند که خلق کرد در زیر فشار رشد هیئت حاکمه قرار گرفته است ما متأسفیم بواسطه هجوم وحشیانه هیئت حاکمه بواسطه محاصره اقطاعی نمی توانیم بکنت برادران و خواهران خوزستانی، کرمانشاه

جنگ تحت الشعاع جنگ قدرت

بوقهای تبلیغاتی رژیم، کارزار نیرو - مندی بر سر پیروزیهای بزرگ بر ارتش عراق - بر آه نداد خسته اند و میگویند، تبلیغات گسترده - شان بر بحران گسترده کنونی جا معه - کشیده و با جذب توده های متوهم، از مغز در تر شدن رژیم جلوگیری کنند.

از سوی دیگر لیبرالها و حزب هریک می - گویند بیشترین استفاده تبلیغاتی را از هجوم اخیر برینند، اینکجا بعد از این هجوم تا چه اندازه ای است، اکنون مورد بحث ما نمیشود بلکه می - خواهد بود، چگونه عقب نشینی و یا حمله نکست ها و پیروزیها در جنگ بر مبنای اینکجه کدا میگ بیشتر بود کدا م جناح انجام میگرد - مثلا لبه میشود، اکنون مسئله اصلی در حاکمیت، جنگ قدرت جناحهای رقیب است و بدین ترتیب همه مسائل بسیار مهم و اساسی دیگر از جمله جنگ در ارتباط با تانکری که در تناسبات قواد در درون هیات حاکمه ایجاد میکند، دیده میشود، آری کشتار توده های ایران و عراق، آوارگی زحمتکشان جنگزده و فلاکت و تیره روزی زحمتکشان ایران نیز میداندنگاهی برای زورورزی جناحهای رقیب برای کسب قدرت بیشتر است، همین حمله اخیر در هفته گذشته در نظر بگیریم، طبیعی است احقانه نخواهد بود - اگر همچنانکه حزب جمهوری برای استفاده تبلیغاتی بود خود، آنرا ناشی از پیمان آیت الله منتظری میدانند - تدارک آنرا دوسه روزه و آنهم پس از تلگراف منتظری به امام جمعه ها زبدا نیم، چرا که یک حمله نظامی به یک تدارک گسترده و برینا مریزی شده از مژده - سی بیش نباید استانتها سوال اصلی کس در

یادداشت های سیاسی هفته

اینجا مطرح میشود این است که چرا این حمله اکنون و پس از این تلگراف آغاز شد؟ آیا نمی - توان گفت که لیبرالها (و ایضا ارتش) از پیش تدارک این حمله را دیده، منتها منتظر بهترین فرصت برای استفاده تبلیغاتی بیشتر در جهت بهبود وضعیت خود در ترکیب هیات حاکمه بودند؟ و آیا جناح حزب متوجه این نیرنگ نشده بودند؟ در واقع میتوان گفت بغلت سرکردگی حزبها در حاکمیت، لیبرالها تنها جرم میخواستند - موکول به زمانی بکنند که بیشترین تا شیرا در بهبود وضعیتشان در حاکمیت داشته باشند و از سوی دیگر با اتخاذ موضع "پوزسیون"، در مقابل حزبها میگویند، دلیل شکست و نیز عدم تمسک به عراقیها را نسیاستهای حزبها قلمداد کنند. بنی صدر مشخصا در ملاقاتش با آیت الله خمینی (مندرج در کتابها) در ۱۶ دی چاب شده است (علت عدم حمله را اقدامات حزبها عنوان میکند: "امام گفتند: بدین است در باره حمله صحبت میشود، اما حمله نمیشود، چرا؟ در جواب مسئله عوامل مادی تجهیزات و غیره که با بد آمد ما بشود تا این حمله صورت بگیرد با اطلاع ایشان رسید، اما من گفتم، گمان من این است که عوامل غیر مادی موثرترین جنگ روحیه میخواند، فرماندهان بدجرات کنند طرح نظامی خود را با علم به اینکه ممکن است به پیروزی با عدم موفقیت بیانجامد، به اجرا بگذارند، چه کسی میتواند در این جوسیاسی - تبلیغاتی که ظرف ده روز گذشته ایران داشت به خودجرات جنگ بدهد؟" علاوه بر این تاختن و تمسیر شکست بگردن حزبها

بن بست دولت رجائی و راه حل های "حزبها"

سخنان آیت الله خمینی، بهشتی، خامنهای و رجائی در هفته گذشته، بهیچوجه ضعف وعدم توانائی آنان در مقابله با بحران کنونی جا معه است. بحران سرما به داری و بسته بران، علیرغم سرنگونی رژیم شاهنشاهی، اما بهیچوجه، چرا که حاکمان جدید قدرت نیز به حفظ و حراست و باز - سازی همان سیستم بحران زده پرداختند و بدین - ترتیب بتدریج توده ها، برای حل مسئله اساسی انقلاب به مقابله با نگهبانان جدید این سیستم کشیده شده و با زهم قاطع و در ابعسا دی وسیعتر کشیده خواهد شد، بدین لحاظ سخنان هفته گذشته رهبران جناح حزبی حکومت که مدتی است سرکردگی حاکمیت را نیز در دست دارند، از اهمیت فراوانی برخوردار است، آنان حاکمیت را از یک موضع تدافعی وضع به بن بست کنونی دولت اعتراف کرده و به راه حلها برای رفع بحران پرداختند، که تا توانی و عدم قدرت مقابله با بحران از هم اکنون از سروروی این راه حلها مبارزید، در حقیقت سخنان هفته گذشته رهبران جناح حزبی حکومت بیانگر پیشروی بیشتر جنبش انقلابی و عمیقتر شدن بحران جا معه از یکسو و توانا نتر گردیدن حاکمیت در مقابل به با این بحران و به موضع تدافعی رانده شدن دولت از سوی دیگر بود.

اولا - اعتراف به ضعف بن بست.
واقعیت آنقدر آشکار است که نمیتوان، آن را پوشانند. "حزبها" که از یکسو، جمهوری اسلامی را در خطر جنبش توده های بیبند و از سوی بقیه در صفحه ۲۹

بوجود آوردند. مبارزاتی که تا قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ همچنان سرصعودی خود را طی میکرد، اما این مبارزات بخاطر حاکم نبودن رهبری انقلابی زحمتکشان و فقدان گردان رهبری کننده آنان نتوانست پیروزی مردم را در قدرت انقلابی آنان تجسم بخشد و چنان شد که همه آگاهیم.

درسومین سالگرد قیام خونین مردم قم، یاد دلاوریها و قهرمانیهای توده های مبارز و آگاهی داشته و این بزرگداشت را با تشدید و گسترش مبارزه برای رهایی زحمتکشان تجسم خواهیم بخشید.

درسومین سالگرد قیام قم

خاطره دلاوری های مردم مبارز قم را گرامی میداریم

شاه قرار داد شدند در میدان مبارزه نهادند. قیام خونین مردم قم و بزرگداشت شهدای آن حرکت های مبارزاتی مردم قهرمان شهرهای مختلف ایران را پدید آورد. در جهلم قیام قم بود که مردم دلاور تبریز حمانه ای از مبارزه و دلاوری

۱۹ دیماه ۱۳۵۶ مردم مبارز قم قیام در برابر ظلم و ستم و استعمار و دیکتاتوری و سیدادگریهای رژیم مزدور شاه قدرت توده های مبارزانما پیش گذارند. رژیم شاه که با آنکاه به ارگانهای سر - کوبگرو تا به دندان مسلح خود میگویند از بهیم خوردن آنرا مشا رتجائی "نظم" حاکم جلوگیری نماید، چکمه پوشان مسلح را به مصاف توده های مبارز فرستاد و دودها کشته و زخمی بجای ما ند، قیام مردم قم در ادامه جنبش توده های زحمتکش "تاریخ محدود" و بدنیال تشدید بحران موجود در جامعه علاوه بر زحمتکشان، اقشار متوسط جامعه و... که در زیر فشارهای سیاسی - اقتصادی رژیم

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست